



عبدالمعز فرجیہ اشرف
تعارف فرجیہ اشرف

اسلام زمان

در کلام اولیای ربانی

معدی کتب علی آبادی

اللَّهُ
الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

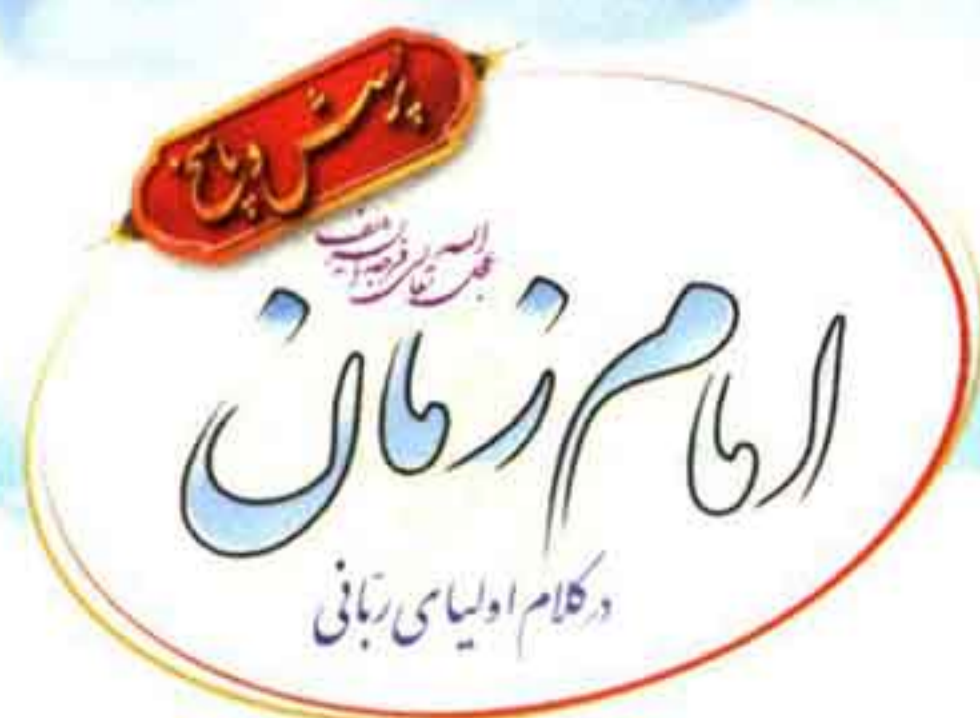
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى مَنْ جَاءَ مِنْ بَنِيهِ





آیت الله العظمی بهاء الدینی رضوان الله علیه؛

- ✓ آیا تشریف در زمان غیبت امکان دارد؟
- ✓ آیا حضرت تعالی تا به حال خدمت حضرت حجت عجل الله مشرف شده اید؟
- ✓ جمکران را چگونه می بینید؟ آیا آثاری از جمکران رفتن دیده اید؟
- ✓ آیا امکان دارد با حضرت ولیعصر عجل الله سنخیت پیدا کرد؟





آیت الله العظمی انصاری همدانی رضوان الله علیه؛

- ✓ حالات ایشان در وقتی که نام مبارک حضرت حجت عجل الله را می شنید، چگونه بود؟ چه می فرمود؟ و تأکیدشان بر چه بود؟
- ✓ درک حضور امام زمان عجل الله برای ایشان چگونه بود؟
- ✓ نسبت خود را با امام عصر عجل الله چگونه می دانست؟

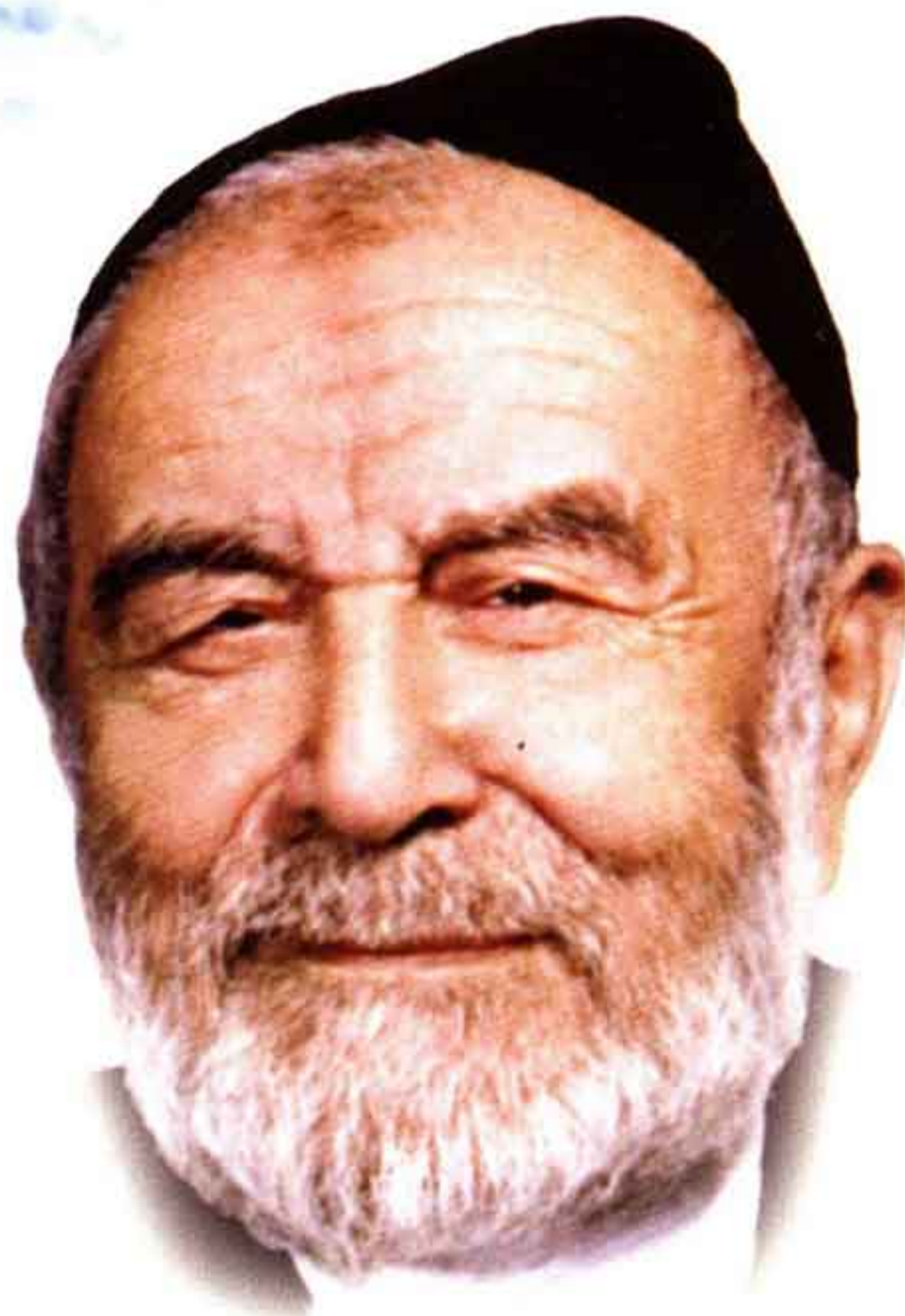




آیت الله العظمی بهجت حفظه الله!

- ✓ چگونه وجود مبارک حضرت صاحب الامر عجل الله و غیبت ایشان در عصر ما ثابت می شود؟
- ✓ غیبت آن حضرت تا کی ادامه دارد؟ و چرا این قدر طولانی شده است؟
- ✓ چگونه با امام زمان عجل الله ارتباط برقرار کنیم؟
- ✓ آیا برای ملاقات با حضرتش راهی وجود دارد؟





حاج میرزا اسماعیل دولابی رضوان الله علیه؛

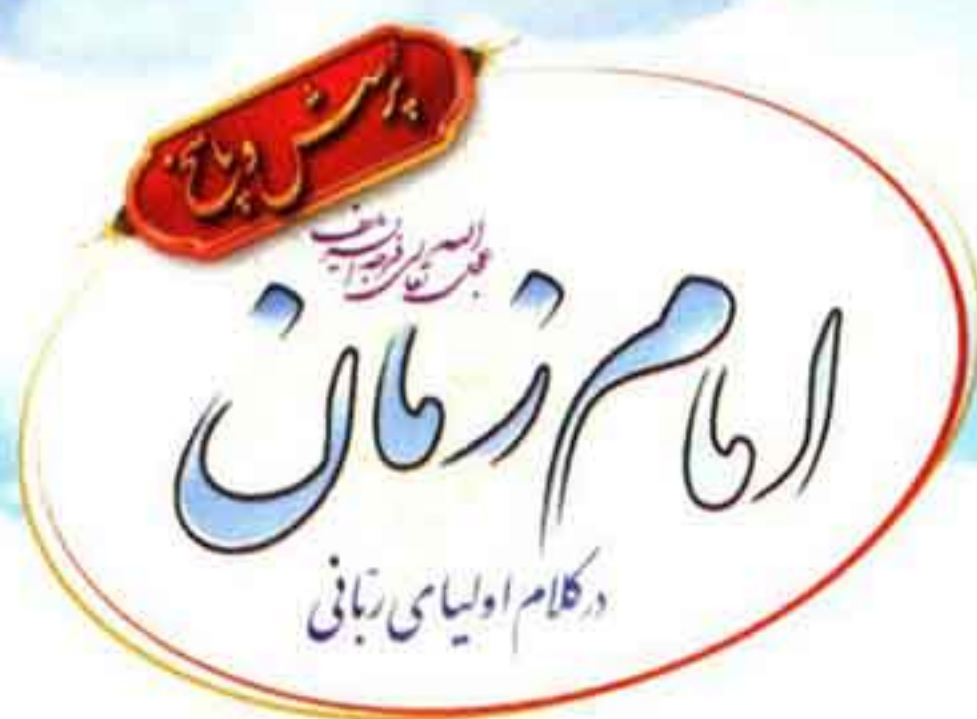
- ✓ امام زمان عجل الله غایب است، یعنی چه؟
- ✓ منتظر واقعی چگونه است؟
- ✓ چگونه می توان به حضرت بقیه الله عجل الله راه پیدا کرد؟
- ✓ حاجات خود را چگونه از امام عصر عجل الله درخواست کنیم؟





آیت الله عبدالقائم شوشتری حفظه الله!

- ✓ برای استغاثه و استمداد از حضرت بقیه الله عجل الله چه دستوراتی را توصیه می فرمایید؟
- ✓ وظایف شیعیان نسبت به امام عصر عجل الله چیست؟
- ✓ آیا در دوران غیبت کبری افرادی هستند که ارتباط دائم با حضرت داشته باشند؟
- ✓ توصیه شما برای کسی که آرزومند ملاقات امام زمان عجل الله است، چیست؟



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۱	مقدمه

فصل اول

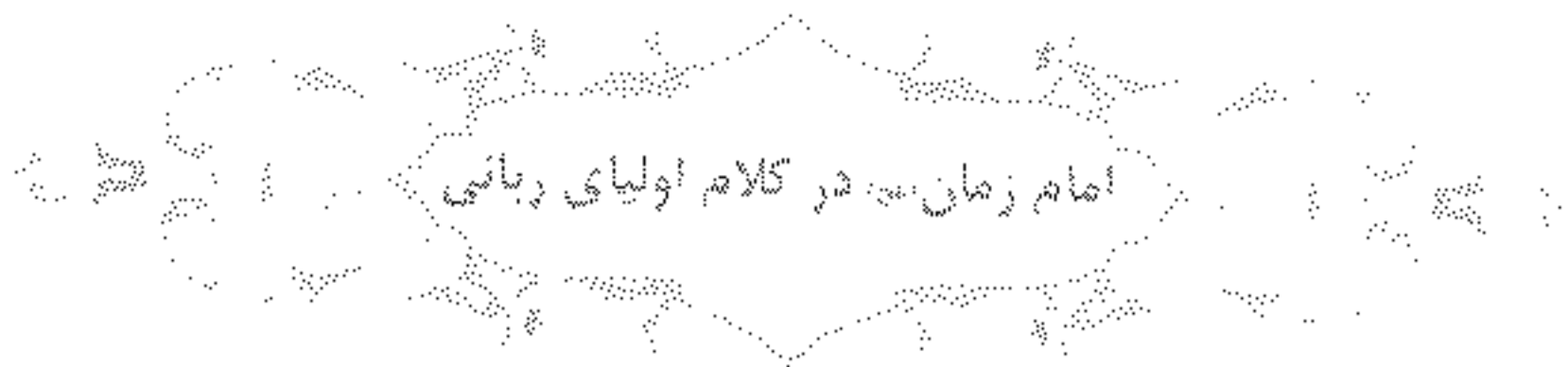
۱۳	حضرت آیت الله العظمی محمد جواد انصاری همدانی <small>علیه السلام</small>
۱۸	حضرت آیت الله العظمی محمد علی شاه آبادی <small>علیه السلام</small>
۲۳	حضرت آیت الله العظمی سید رضا بهاء الدینی <small>علیه السلام</small>
۲۸	عارف کامل مرحوم حاج محمد اسماعیل دولابی <small>علیه السلام</small>
۳۵	حضرت آیه الله العظمی محمد تقی بهجت <small>علیه السلام</small>
۶۵	حضرت آیت الله شیخ عبدالقائم شوشتری حفظه الله

فصل دوم

۷۶	پاسخهای امام عصر روحی له الفداء
----	---------------------------------------

فصل سوم

۸۸	عصر ظهور، وظایف منتظران توقعات حضرت حجت «عجل الله» از شیعیان چگونگی بهره گیری از امام غایب «عج»
۸۸	عصر ظهور
۹۱	وظایف منتظران



توقعات حضرت حجّت علیّه از شیعیان ۹۲

چگونگی بهره‌گیری از امام غائب «عجل الله» ۹۵

فصل چهارم

تشرفات ۹۷

تشریف در مسجد سهله ۹۷

تشریف آیت الله بهاء الدینی رحمته ۱۰۲

ملاقات با یکی از رجال الغیب ۱۰۳

امام زمان «عجل الله» و بردن نام حاج آقا فخر تهرانی رحمته ۱۰۷

تشریف سید عبدالکریم کفاش رحمته ۱۰۸

سالک ربانی آیت الله حاج شیخ محمد تقی بهلول رحمته ۱۰۹

عارف ربانی حاج شیخ رجبعلی خیاط رحمته ۱۰۹

عالم بزرگوار شیخ محمد کوفی رحمته ۱۱۰

پاسخ آیه الله کوهستانی رحمته ۱۱۰

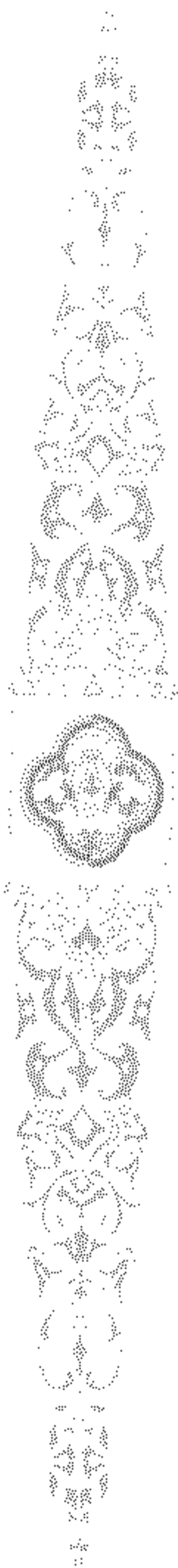
عارف کامل آیت الله کشمیری رحمته ۱۱۱

پاسخ علامه میر جهانی رحمته ۱۱۱

تشریف در کربلا معلی ۱۱۱

شعر ابن العَرَنَدُس و حضور حضرت مهدی علیه السلام ۱۱۴

منابع و مأخذ ۱۲۸



مقدمه

ای سید و سرور ما، ای یادگار پیامبر ﷺ، عزیز دل
 امیرالمومنین (ع)، ای یوسف زهرای اطهار (ع)، منتقم خون خدا و
 سالار شهیدان (ع)، ای حُسن ختام غزل آفرینش مهدی جان!
 سالهاست در پس پرده غیبت بسر می‌بری، سالهاست مصیبت
 و درد کشیده‌ای، غم و اندوه و محرومیت‌ها دیده‌ای، هنوز برای
 مصیبت جدّت اشک از دیدگان مبارکت جاری است و خون گریه
 می‌کنی و ما که در کوچه و بازار دنیا دستمان را از دامان تو رها
 کرده‌ایم، سرگرم وسوسه‌ها و شیطنت‌های نفس، در کارهایمان
 مانده‌ایم و جز اینکه فقط نام شیعه بودن را یدک می‌کشیم اقدامی
 نمی‌کنیم. حال اگر دست تو سل به دامانت بزنیم، با آغوشی باز
 پذیرای مایی و ما را از لطف و عنایات خاصه‌ات محروم نمی‌کنی
 و چه زیبا گفته‌ای که برایمان دعا می‌کنی. و اگر توجهات و عنایات
 تو نبود، تا به حال دشمنان ما را نابود کرده بودند.

ای مولا و آقای که شفیع گنهکارانی، تونه تنها پاک و پاکیزه‌ای،
 بلکه ولایت و دوستی تو، افراد و اشخاص آلوده را پاک و مطهر
 می‌کند.

حال با تمام عجز و ناتوانی خویش از خداوند متعال ظهور
انسان کامل را خواهانیم تا در سایه سار عنایات خاصه اش، عطر و
بوی مهدوی بگیریم و خود را برای دیدار دوست آماده کنیم.

دردی به دل مراست مداوا نمی شود

رازی به سینه هست که افشا نمی شود

ای یوسفی که یوسف مصرت بود غلام

امروز ما، بدون تو فردا نمی شود

کتاب حاضر، گلچینی از پرسش های عاشقان کوی دوست
می باشد که بزرگان علم و عرفان با دقت فراوان به آن پاسخ گفته اند
و اینکه در اختیار شما خوانندگان عزیز قرار می گیرد.

امید آنکه توانسته باشیم قطره ای از دریای موج معارف مهدوی را
ارائه کرده باشیم.

اللهم عجل لولیک الفرج

شهر مقدس قم

مهدی لک علی آبادی

فصل اول

پاسخ به پرسشهای مطرح شده، توسط اولیای ربّانی

حضرت آیت الله العظمی محمد جواد انصاری همدانی رحمته الله

ولادت:	۱۳۲۰ ق.
محل ولادت:	همدان
وفات:	۱۳۷۹ ق.
محل دفن:	قم، گلزار شهدا
اساتید:	شیخ عبدالکریم حائری و...
شاگردان:	حسنعلی نجابت، شهید عبدالحسین دستغیب، سید عبدالله فاطمی و...

پیش از تولد، مادرش در خواب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را دیده بود که بشارت این فرزند را به او دادند و سفارش کردند خیلی مواظب این فرزند باش که مورد نظر ماست.

محمد جواد هشت ساله بود که تحصیلات حوزوی را آغاز کرد و با داشتن استعداد بسیار بالا و پشتکار کم نظیر در ۲۴ سالگی به درجه اجتهاد نایل آمد در طبابت صاحب نظر بود، به گونه ای که

خانواده و اطرافیان از معالجه اطبا بی نیاز بودند.

در حالی که سرگرم درس و بحث بود برایش خبر آوردند عارفی شوریده حال در لباس اهل علم به همدان آمده، علما و فضلا در مجلس او به دورش حلقه زده‌اند. او که با طریق عرفان مخالف بود و چنین نظر داشت که جز راه شرع راه دیگری نیست، بر حسب وظیفه، زبان به ارشاد آن پیر و آن جمع گشود. اما خداوند نقطه عطف زندگی او را در نگاه نافذ آن پیر روشن ضمیر قرار داده بود که به او گفت: « عن قریب باشد که تو خود آتشی به سوختگان عالم زنی! » این سخن چنان آتشی در جانش نشانید که باقی ایام عمر را به سلوک الی الله و دستگیری از مشتاقان سپری ساخت.

او بر نماز اول وقت خیلی تأکید داشت و به نوافل نماز بسیار توصیه می‌کرد و خودش نماز را با جمیع مستحبات به جا می‌آورد در سلوک خویش از محضر استادی بهره نبرد، آیت الله سید علی قاضی طباطبایی در مورد ایشان می‌فرمود: او توحید را مستقیم از خود خدا گرفته است. سال آخر عمر شریفش او را نزد دکتر بردند. پزشک پس از معاینه، از ایشان پرسید: « آیا شما خاطر خواه بوده‌اید؟ این قلب بیست سال مبتلا به عشق بوده! » و او با لبخندی فرمود: « چه درست تشخیص داد! اما او نمی‌داند این خاطر خواهی از چه نوعی است! » آتش عشقی که در جان این عارف دل سوخته نشسته بود به راستی قلبش را سوزاند، او آخر عمر شریفش اطرافیان دیده بودند که سمت چپ سینه‌اش از سوز قلب سیاه شده بود.^۱

۱. افلاکیان خاک نشین

✓ **حالت آیت الله انصاری همدانی در وقتی که نام مبارک امام زمان (عجل الله) را می شنید چگونه بود؟ و چه فرمایشاتی داشتند؟ و تأکید ایشان بر چه بود؟**

حاج احمد انصاری: عرض کنم که ایشان وقتی اسم حضرت ولی عصر (عجل الله) برده می شد یک مرتبه تغییر رنگ می داد قیافه اش عوض می شد. می فرمودند: ظهور نزدیک است ولی اگر دعا بکنید نزدیک تر می شود چون دعا خیلی موثر است. می فرمود: هر چه می توانید برای ظهور حضرت دعا کنید. ضمن این که زیارت عاشورا را زیاد تاکید می کردند که دوستان بخوانند به صورت مستمر می فرمود: زیارت آل یس هم حتماً بخوانید و از حضرت بخواهید مشکلات دنیا و آخرت و سیر و سلوک شما را برطرف کند چون الان اختیارات با حضرت است. بارها این را می فرمود: زیارت آل یس در آخر مفاتیح الجنان است. می فرمود: خیلی استفاده ببرید توسل پیدا کنید به حضرت.

می فرمودند بیشتر آن کسانی که خدمت حضرت می رسند به صورت مکاشفه است مشاهده نیست. گفتند: آقا فرقش چیه؟ فرمودند: اگر آن زمان منقضی شد و دیدید اثری برایتان باقی مانده مشاهده است و اگر چیزی باقی نماند مکاشفه است.^۱

✓ **آیا ما می توانیم خدمت امام زمان (عجل الله) برسیم؟**

حاج احمد انصاری می گوید: آیت الله انصاری همدانی (رحمه الله) در

مورد تشریف خودشان هیچ نمی‌گفتند هر چه اصرار می‌کردند می‌فرمودند که سوال نکنید شاگردانشان که در رده‌های بالا بودند هیچ وقت درباره تشریف ایشان سوالی نمی‌کردند یک روز یادم هست، گفتند آقا ما می‌توانیم خدمت حضرت برسیم؟ گفتند: این چه سوالی است که شما می‌کنید؟ شما می‌توانید خدمت خدا برسید خدایی که خالق وجود حضرت است، خدمت امام زمان علیه السلام نتوانید برسید، خدمت خدا رسیدن که سخت‌تر است.^۱

✓ چطور می‌شود خدمت حضرت ولی عصر عجل الله، رسید؟

آقای اسلامی می‌گوید: یک موقع من از ایشان این سوال را پرسیدم خیلی کوتاه فرمودند: موقعی که حالت فرق نکند حضور و غیاب آقا، آن موقع می‌توانی خدمت خود آقا برسی. خوب این خیلی مطلب است حالا دیگران ذکر می‌دهند توسل می‌دهند. آدم باید برود خودش را آماده کند تا حضور و غیاب برایش فرق نکند آن وقت می‌تواند.

آقای نجابت می‌فرمودند که این‌هایی که می‌خواهند خدمت امام زمان عجل الله برسند محبت آقا با چی بدست می‌آید؟ با شرعیات و محبت و مراقبه.^۲

✓ حضور امام زمان عجل الله، برای او چگونه بود؟

آیت الله سید علی محمد دستغیب می‌گوید:
آقای انصاری همدانی ولی خداست و ولی خدا با خدا

۱. همان.

۲. همان.

حجابی ندارد و آن که بین او و خدا حجابی نباشد دیگر مگر بین او و امام زمان (عجل الله) حجابی هست؟! او امام زمان (عجل الله) را همیشه حاضر می بیند نه این که خیال باشد نه! حضور واقعی. یعنی دلش متصل به دل امام زمان (عجل الله) است. و گرنه ولی نمی شود. ایشان سیدها را با نورشان می شناخت مگر ممکن است او نورانیت آن حضرت را که همه سیدها به برکت او نورانی هستند نبیند و نشناسد؟ این ها دور و نزدیک ندارند.^۱

✓ **آیت الله انصاری همدانی نسبت خود را با امام عصر (عجل الله) چگونه می دانست؟**

سید علی محمد دستغیب می گوید:

ایشان خود را بنده امام زمان «عج» می دانست و بلکه خاک پای امام زمان «عج».^۲

✓ **حضرت آیت الله انصاری همدانی نام مبارک امام زمان را (عجل الله) می شنید حالش چگونه بود؟**

احمد انصاری می گوید: وقتی اسم حضرت ولی عصر (عجل الله) می آمد ایشان یک مرتبه رنگش تغییر می کرد و قیافه اش عوض می شد.^۳

✓ **چه وقت انسان حضور صاحب الزمان (عجل الله) می رسد؟**

فرمود: وقتی که حضور و غیبتش برای انسان تفاوت نداشته باشد.^۴

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. روح مجرد، چاپ سوم، ص ۴۸۴.

حضرت آیت الله العظمی محمدعلی شاه آبادی رحمته الله

- ولادت: ۱۲۹۲ ق.
اصفهان
محل ولادت:
وفات: ۱۳۶۹ ق.
شهر ری
محل دفن:
محل تحصیل: سامراء، نجف
اساتید: حضرات میرزا ابوالحسن جلوه، ملا محمد کاظم خراسانی
استاد عرفان: میرزا هاشم گیلانی اشکوری
شاگردان: امام خمینی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، سید رضا بهاء الدینی، ابوالقاسم گرجی و....
تالیفات: شذرات المعارف، رشحات البحار، منازل السالکین.
حوزه درسی ایشان از قوی ترین حوزه های درس سامراء بود.
پس از مراجعت از عراق، نخست در تهران و سپس در شهر مقدس قم رحل اقامت افکند.
مهمترین اقدام فرهنگی او تدریس بود. هر یک از علما که در درسی از دروس ایشان شرکت می کرد، او را در همان رشته می ستود و از طرف مبارزات و مخالفت های این مجاهد نستوه بارها و بارها رضا

خان پهلوی را به سکوت یا عقب نشینی وادار کرد.

در مدت هفت سال اقامت ایشان در قم، امام خمینی (ره) از درس اخلاق و عرفان این عارف مکتوم بهره برد و همین شاگردی حضرت امام بود که تا حدودی پرده از چهره ملکوتی آیت الله شاه آبادی برداشت. با وجود این، چنان در هاله کتمان مستور بود که هنوز هم رمز و رازهای معنوی و عرفانی این مرد خدا پوشیده مانده است.

آیت الله صدر بادکوبه‌ای ارتباط نزدیکی با آیت الله شاه آبادی داشت و مرتب با ایشان مکاتبه می‌کرد اما او هیچ یک از نامه‌ها را نگاه نمی‌داشت. از فرزند ایشان، آیت الله نور الله شاه آبادی نقل است: فقط یک بار یکی از نامه‌ها را فراموش کرده بود پنهان کند و برای نماز رفته بود. در آن نامه آیت الله صدر بادکوبه‌ای به مرحوم شاه آبادی اصرار کرده بود که در وقت تشریف، فلان مطلب یادتان نرود! مرحوم والد که از نماز برگشتند با حالت اضطراب سراغ نامه رفته، آن را پاره کردند.

حضرت امام خمینی (ره) از این عارف مکتوم با عنوان شیخ عارف کامل یاد می‌کرد و در ادامه نام ایشان عبارت «روحی فداه» می‌آورد. آخرین شب جمعه‌ای که مشغول خواندن دعای کمیل بود. به مردم گفت: اگر هفته آینده مرا ندیدید حلالم کنید! و همان طور هم شد. از جملات ایشان است که می‌فرمود: «آمده‌ایم تا عارف به حق شویم نه اینکه در خود پرستی بمانیم.»

☑ در مورد امام زمان (عجل الله) یکی از اشکالاتی که مردم وارد می‌کنند این است که مگر می‌شود انسان دو سه هزار سال زندگی بکند؟ نظر

حضرت آیه الله شاه آبادی در این باره چه بود؟

آیت الله نصرالله شاه آبادی (فرزند آیه الله شاه آبادی): ایشان خیلی دقیق این مسائل را پاسخ میدادند در مورد عمر حضرت، ایشان تقسیم بندی می کردند، می فرمودند: «یا ما قائل هستیم به این که امور مقدر الهی است یا خیر؟ اگر مقدر الهی است که خوب، خدا عمر یکی را ده سال، یکی را صد سال، یکی را هم دو هزار سال و ده هزار سال مقدر می کند هر چه خدا مقدر کند عمر می کند، اما اگر جریان امور روی حساب طبیعی است در آن صورت هم هر کسی بتواند مزاجش را با طبیعت میزان کند می ماند، خوب اگر یکی به جمیع خصوصیات جسمانی خودش و خواص سایر اشیاء آگاه باشد این می داند که الان مثلاً چربی بدن زیاد است و با فلان چیز از بین می رود و یا فلان ویتامین لازم است، و با یک چنین آگاهی این فرد همیشه سالم است و با این سلامتی نمی میرد. و کسی که مقدرات الهی را قبول ندارد این استدلال هم او را در مورد عمر حضرت مجاب نمی کند.

☑ آیا در مورد حضرت ولی عصر (عجل الله) و ظهور ایشان صحبتی می فرمودند؟

آیت الله نورالله شاه آبادی: با این که خداوند در شأن مقام رسول الله می فرمایند: «لولاک لما خلقت الافلاک» با این همه پیامبر اکرم ﷺ تحقق بزرگترین آرزوی بشر را موقوف به ظهور با سعادت حضرت ولی عصر (عجل الله) نموده اند و فرموده اند: «به یملا الارض قسطا و عدلا بعد ما ملئت ظلما و جورا» که در این رابطه مرحوم

پدر بحث جامعی در یکی از روزهای جمعه در برنامه دعای ندبه ایراد فرمودند و آن را بر این پایه بنا نهادند که اصولاً اولیای خدا اعم از انبیا و ائمه علیهم السلام در هیچ لحظه و هیچ موقعیتی هدف عالی رسالت خویش را فراموش نکردند همان طور که حضرت سیدالشهداء علیه السلام در آن آخرین لحظه برای آن که انسانی را هدایت کنند و از آتش دوزخ نجات بدهند به شمر پیشنهاد می فرمایند که من در این شرایط رفتنی هستم و تو اگر دست از کشتن من برداری تو را شفاعت خواهم کرد!

از این رو فرمودند: مدعیان ظهور به این موضوع توجه نکرده‌اند و مثل محمد علی باب‌ها که هنگامی که مامورین دار کشیدنش، دارش را هدف تیر قرار می دهند به جای آن که هدف والایی را که از آن دم می زند متوجه بندگان خدا کند از ترس به مستراح پناه می برد و در آن پنهان می شود.

☑ آیا ایشان در مورد امام زمان (عجل الله) و تشریف خدمت حضرت صحبت‌هایی هم داشتند؟

آیت الله نورالله شاه آبادی: ایشان در مورد تشریف خدمت حضرت و امثال ذلک هیچ وقت اظهاری نداشتند و افرادی را هم که ادعای رویت می کردند تکذیب می کرد ولی ایشان این قدر می فرمودند: همان طور که در حدیث شریف هم هست که در هر عصری خداوند تمام امور را بر محوریت امام آن عصر قرار داده است تمام امور از حرکت و سکون افلاک گرفته تا حیات و رزق و

روزی بشر همه آنها بدست حضرت ولی الله است.

✓ آیا درباره امکان رؤیت حضرت فرمایشی داشتند؟

آیت الله نورالله شاه آبادی: بسیار می شد که معظم له در برگزاری دعای ندبه و سایر دعاها از جمله شب های جمعه در پایان دعا از درگاه خدا دیدار جمال حضرتش را درخواست می نمودند و استغاثه به درگاهش می فرمودند. البته باید توجه داشت که:

هر که را اسرار حق آموختند مهر کردند و دهانش دوختند

✓ راجع به وظایف ما نسبت به حضرت ولی عصر (عجل الله) در عصر

غیبت چه توصیه ای داشتند؟

آیت الله نصرالله شاه آبادی: توصیه ایشان همان اطاعت بود. می فرمودند: رسیدن به مقام قرب پروردگار اساسش، اول قلب مبارک امام زمان (عجل الله) است. امام زمان است که قلب عالم است و این ممکن نیست بدون اطاعت تحقق پیدا کند. وقتی حضرت ولی عصر (عجل الله) مظهر تام پروردگار است. همه جا حاضر و ناظر می باشند. حضرت هر چند غایب هستند ولی ما پیش او حاضر هستیم حضرت به افکار و اعمال و گذشته و آینده ما احاطه دارند معنای انتظار ظهور هم همین است. لذا ایشان خیلی اصرار داشتند که باید حافظ مال و کیان حضرت باشیم حفظ مولای ما به دست ماست و حفظ مولویت او بسته به این اطاعت است. حفظ کیان او اول پایه اش این است که در مقام شریعت کوتاهی نکنیم واجبات و محرمات را انجام بدهیم.

حضرت آیت الله العظمی سید رضا بهاء الدینی رحمته الله

ولادت: ۱۳۲۷ ق.

محل ولادت: قم

وفات: ۱۴۱۸ ق.

محل دفن: قم

محل تحصیل: قم

اساتید: حضرات شیخ ابوالقاسم کبیر قمی، شیخ عبدالکریم حائری. محمد علی شاه آبادی و...

از همان سن کودکی، آثار معنویت در چهره اش هویدا بود. خود درباره آن می فرماید: «یک ساله که بودم افراد پاک طینت و نیکو سرشت را دوست داشتم و علاقه ای قلبی به آنان پیدا می کردم. خیر و شر را می فهمیدم و بین انسانهای خیر و نیکوکار و افراد شرور و طغیانگر فرق می گذاشتم.»

از نوجوانی به روزه و نماز شب علاقه داشت. از خود ایشان نقل است: «از هفده سالگی در ما دگرگونی پدید آوردند و ما را به خود مشغول کردند، تا جایی که وجود حضرت حق را لمس

می‌کنیم.» می‌فرمود: «از عواملی که باورهای اعتقادی انسان را سست می‌کند و مانع پیشرفت معنوی انسان می‌شود، شهرت‌های بیجا و بی‌فایده است.» بر اساس این اعتقاد، ایشان از قبول مصاحبه‌های تلویزیونی و معروفیت در مرجعیت سرباز می‌زد. وقتی با اصرار برخی ارادتمندان رو به رو می‌شد می‌فرمود: «بالاخر از این‌ها فکر کنید! گیرم نام بنده بر سر زبان‌ها افتاد وقتی پیش خدا دستم خالی است، آن شهرت برای من چه سودی دارد؟» آگاهی از حقایق عالم صفحه‌ای دیگر از کتاب شکوه و شخصیت ارجمند حضرت آیت الله بهاء الدینی است. یکی از شاگردان آقا که فردی متقی و پارسا بود اما استعداد شایانی نداشت از دنیا رفت، مدت‌ها گذشت روزی سخن از او به میان آمد. ایشان فرمود: «فلانی در برزخ چنان رشد علمی پیدا کرده و حرف‌هایی می‌زند که اگر در حیاتش برای او گفته می‌شد نمی‌فهمید. درباره موضوعی در باب طهارت با ما بحث کرد و نظر ما را تغییر داد!» دیده باطن بین آن پیر روشن ضمیر بارها و بارها مشکلات و موانع دیگران را برایشان می‌گشود در این باب نقل‌ها و خاطره‌ها بسیار است.

یکی از آقایان اهل علم می‌گفت: «روزی لباس خوبی پوشیده بودم می‌آمدم خدمت آقا، ماشینی از کنارم رد شد و گل و لای را به لباس من ریخت. خیلی ناراحت شدم و شروع کردم به بد و بیراه گفتن به راننده. برگشتم منزل لباسم را عوض کردم و خدمت ایشان

رسیدم. تا رسیدم آقا فوراً فرمودند: زینده نیست اهل علم بد زبانی کند حالا مثلاً یک ماشین هم آمد زد به آب و گل و لباس‌ها را گل آلود کرد نباید انسان متانت را از دست بدهد و بد و بیراه بگوید! سال‌های بسیاری در قنوت ایشان آیات نورانی قرآن کریم و دعاهای معصومین علیهم‌السلام شنیده می‌شد ناگهان نوع کلمات و عبارات ایشان تغییر یافت و در قنوت برای امام عصر عجل‌الله دعا کرد. روزی که در این باره از ایشان پرسش شد به یک جمله بسنده کرد: «حضرت پیغام داده‌اند در قنوت برای من دعا کنید!»

✓ آیا در آن زمان به جمکران هم می‌رفتید؟

آیت الله بهاء الدینی: بله یک وقتی عده‌ای بودیم که دسته جمعی پیاده به جمکران می‌رفتیم رفقای ما می‌ماندند و ما تنها برمی‌گشتیم و از چیزی هم وحشتی نمی‌کردیم.

✓ چه آثاری از جمکران می‌دیدید؟

آنچه من حس کردم این بود که هشت، نه، مرتبه، من کسالتی داشتم مقابل جمکران که می‌رسیدم حالم خوب می‌شد من خیال می‌کردم این مال یک فرسخ و نیم راهی بوده است که آمده‌ام بعد دیدم نه چیز دیگری بوده است.

✓ لطفاً ما را راهنمایی کرده و توصیه‌ای بفرمایید؟

از مولانا علی بن ابی طالب علیه‌السلام است که فرمود: «مثل الصلوة مثل الحمة علی باب الرجل» مثل نماز، مثل حمام در خانه است که انسان هر روز پنج مرتبه خود را در آن می‌شوید اگر انسان روزی پنج بار

خود را در حمام بشوید «ایبقی معه الدرن» آیا کثافات باقی می ماند؟ نه، منتها نماز کثافات معنوی را از بین می برد «ان الصلوة تنهى عن الفحشاء و المنکر»^۱ و حمام کثافات ظاهری را پاک می کند اجمالاً نماز سازنده است اگر نماز قبول شود انسان را از صفات حیوانیت تطهیر و پاکش کرده است اگر انسان به وسیله نماز تطهیر شد همه چیز عوض می شود اگر نماز مقبول واقع نشد معلوم است که تطهیرش نکرده است و چیزهایی دیگر هم قبول نمی شود اگر نماز مقبول شد انسان از بسیاری از معاصی فاصله می گیرد.

«من اخلص لله اربعین صباحاً جرت ینابیع الحکمة علی قلبه و منه علی لسانه»^۲ کسی که چهل روز با اخلاص صبح کند ینابیع (چشمه ها) حکمت بر قلبش ریزش می کند و از آن جا به زبانش، و شاید ما تجربه کرده ایم همین طور است البته تجربه نمی خواهد مطلب حقیقت دارد. ولی من تجربه هم کرده ام، تا آن جا که می توانید اخلاص پیدا کنید بقیه آن را از خدا بخواهید، به ائمه علیهم السلام متوسل شوید.

یک وقتی شاید زمان حاج شیخ بود جلد سیزدهم بحار را که مطالعه می کردم کسانی که به سهله و کوفه رفته بودند تا به زیارت حضرت نایل شوند، این که نایل شدند یا نشدند خبر ندارم، ولی دیدم ما سنخیت با حضرت نداریم تمام این ها را که شمردند که

۱. سوره عنکبوت، آیه ۲۹.

۲. رجوع کنید به: عدة الداعی ص ۲۳۲ و بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۴۹.

می خواستند به زیارت حضرت نایل شوند، یا پول می خواستند، یا زن می خواستند، یا مقام می خواستند، همه اش امور مادی می خواستند. یک نفر از آنها جهت الهی نداشته است مثلاً این که معرفت به خدا پیدا کند نبوده است. بروید جلد سیزدهم بحار را ببینید. آن وقت من قضاوت کردم که ما سنخیت با حضرت نداریم، کسی که سر تا پا نور است و کسی که سر تا پا ماده است.

❑ آیا تشریف در زمان غیبت امکان دارد؟

بعضی دیده اند و تشریف پیدا کرده اند شاید تشریف بدون علم خیلی زیاد باشد یعنی ببیند ولی شناسد و حضرت هم به روی آنها نیاورد در سفر مکه امام به من گفت چه فهمیدی در این سفر؟ گفتم: هیچ. گفتم: من یک در دسرسی ساله ای داشتم خیلی هم وضع آن بد بود، در این مسافرت این در دسر رفت. به فرودگاه سوریه که وارد شدیم یک رطوباتی از بینی ما شروع به بیرون آمدن کرد و آن در دسر رفت که الان هم نیست این را در سفر دیدیم اما این که با حضرت هم برخورد کردیم یا نه؟ از اینها خبر ندارم اگر هم برخورد کردم نفهمیدم که حضرت است مثل این که صلاح نیست اگر کسی زحمت بکشد و خالصانه آنها را طلب کند ممکن است نایل شود.

عارف کامل مرحوم حاج محمد اسماعیل دولابی رحمته الله

تهران

ولادت:

۱۴۲۴ ق.

وفات:

حرم مطهر حضرت معصومه (س).

محل دفن:

استاد عرفان: آیت الله العظمی محمد جواد انصاری همدانی رحمته الله
پدر بزرگوارش معتمد محل و منزلشان همواره میزبان علما و
برجستگان بود. در جوانی به شغل کشاورزی اشتغال داشت و از
همان ابتدا آثار لطف عنایت حق به ایشان نمایان بود.
جذبه محبت اهل بیت علیهم السلام همواره دلیل و راهنمای او بود و
این محب صادق را با مشاهده مشرفه و مجالس خاندان عصمت و
طهارت علیهم السلام مأنوس ساخته بود.

عشق و ارادت خاصی به حضرت سید الشهداء علیه السلام داشت. از
خودشان نقل است: یک بار بعد از گریه کردن بسیار بر امام حسین علیه السلام
آمدم ایوان جلو اتاق دراز کشیدم. ناگهان دیدم ملائکه فوج فوج از
آسمان می آیند و داخل سینه من طواف می کنند و بر می گردند!

سالیان متمادی مجالس او محفل انس و محبت و مورد توجه و اقبال عموم تشنگان معنویت و اخلاق بود. او با زبانی ساده و شیوا مطالب عرفانی و اخلاقی را بیان می کرد.

از کلمات گهربار و دلنشین ایشان است که می فرمود: امیدوارم نهج البلاغه را قبل از هر کتاب دیگر بخوانید اگر دیدی کسی عالم و نابغه شد، علی (ع) یک تلنگر به قلبش زده است. کلام امیرالمومنین (ع) قوت کمر شیعیان است. کمر انسان را قرص و محکم می کند.

کسانی که در محفل این پیر فرزانه حاضر می شدند، گویی گمشده خود را در این جلسات هفتگی می یافتند. چنان محبت اهل بیت (ع) را در دلها به جوش می آورد که به محض بردن نام حضرت سیدالشهداء (ع) ناله ها بلند می شد و وقتی اشاره ای به وجود مقدس حضرت حجت (عجل الله) می کرد، اشک ها سرازیر می شد. می فرمود: غم یعنی انتظار، یعنی کیست که مرا بخنداند؟ غمی که در سر و نهان انسان است و آن را به مردم نشان نمی دهد. عبادت می کند، نماز می خواند، مثل مردم لبخند می زند تا اذیت نشوند، هر جا گریه می کنند، او هم گریه می کند، اما آن غم علاج نمی شود. آن غم ظهور حضرت ولی عصر (عجل الله) را می خواهد، جمال امامش و ملاقات وجه الله را می خواند. آن وقت مثل گل باز می شود.

☑ آیا امام زمان (عجل الله) را می شود دید؟

به بزرگی (مرحوم آیت الله محمد جواد انصاری همدانی (ع) گفتند:

آیا امام زمان (عجل الله) را می شود دید؟ ایشان فرمود: «وقتی که خدا را می شود دید امام را که مخلوق خداست چطور نمی شود دید؟»

✓ امام زمان (عجل الله) غایب است، یعنی چه؟

ما مثل بچه ای هستیم که پدرش دست او را گرفته است تا به جایی برود و در طول مسیر از بازاری عبور می کند بچه جلب ویتترین مغازه ها می شود و دست پدر را رها می کند و در بازار گم می شود و وقتی متوجه می شود که دیگر پدر را نمی بیند گمان می کند پدرش گم شده است. در حالی که در واقع خودش گم شده است انبیاء و اولیاء پدران خلقند و دست خلائق را می گیرند تا آنها را به سلامت از بازار دنیا عبور دهند غالب خلائق جلب متاعهای دنیا شده اند. و دست پدر را رها کرده و در بازار دنیا گم شده اند امام زمان (عجل الله) گم و غایب نشده است ما گم و محجوب گشته ایم.

✓ منتظر واقعی چگونه است؟

نه انتظار ما طوری است که آنها پهلوی ما بیایند و نه حرکت ما جوری است که ما به آن طرف برویم و آنها را ببینیم. اگر برآستی منتظری چرا لاغر و خانه نشین نشده ای؟ به محض اینکه حقیقتاً منتظر بشوی او رسیده است. آیا خوب است آدم این قدر بی رگ باشد؟ یک دوستت یک ساعت دیر از سفر بیاید این همه تقلا می کنی اگر انتظار داری آثارش کو؟ اگر انتظار داری باید غم دنیا برود حتی اگر خود امام هم دیر آمد با او دعوا نکنی و هی نگویی عجل. البته طلب تعجیل ظهور برای افراد مبتدی خوب است ولی

بالا تر از آن هم هست و آن وقتی است که از تقلاي خودت مأیوس شدی و در خانه ات نشستی و چشم و گوش به درماندی. از آن بالاتر وقتی است که منتظر در هم نیستی و از آن هم مأیوس شدی. چنین فردی خود حضرت ولی عصر (عجل الله) پهلویش نشسته اند و همه ملائکه نگاهش می کنند کسی که می تواند خدمت حضرت برسد ولی معرفت حضرت چنان همه وجودش را پر کرده است که می تواند طاقت بیاورد و خدمت ایشان نرود چنین کسی به حضرت (ع) راه دارد. او می بیند که دلش تا دیروز غنچه بود در خودش فرو رفته و بسته و گریان، ولی امروز باز و شکفته شده و عطر آن، همه وجودش را گرفته است از اینجا می فهمد که آقا تشریف آورده اند.

☑ منتظرین حضرت حجت (عجل الله) را به چند دسته می توان تقسیم کرد و چگونه اند؟

ما سه دسته منتظر داریم:

۱. کسی که از دور زیاد یاد امام می کند و انتظار دیدار او را می کشد تا علائم و آثاری از امامش ببیند که فرموده اند: «افضل الاعمال انتظار الفرج» برترین کارها انتظار فرج است.
۲. کسی که آثار و جای پا و جلوه های از امام را دیده است که فرموده اند: «فان ذلک فرجکم» پس به درستی که فرج امام زمان فرج (عجل الله) خود شماست. یعنی انتظار و دعا کردن برای خود شما فرج و گشایش می آورد.

۳. اگر انتظار کامل شود و محبت به حد کمال برسد طوری می شود که حضرت عجل الله را در ظاهر ببیند یا نبیند در یقین او اثر ندارد بلکه در همه وقت با قلب خود مشاهده می کند. مثل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و او پس قرنی که به ظاهر اصلاً یکدیگر را ندیدند اما هرگز از هم جدا نبودند. امام سجاد علیه السلام می فرماید: «ان اهل زمان غیبه افضل اهل کل زمان لان الله اناهم من العقل و الفهم و المعرفه حتی صارت الغیبه عندهم بمنزله المشاهده» منتظرین واقعی در زمان غیبت برتر از مردم تمامی زمانها هستند زیرا آن قدر از جانب خدا عقل و فهم و معرفت پیدا کرده اند که غیبت و شهود برای آنها فرق نمی کند.

✓ چگونه می توان به حضرت حجت عجل الله راه پیدا کرد؟

کسی که غیبت و حضور حضرت حجت عجل الله برایش یکسان باشد به حضرت راه پیدا می کند.

تا وقتی شخص می خواهد حضرت بیایند و پدر آدمهای بد را در بیاورند و انتقام از ظالمین بکشند از دیدن حضرت خبری نیست.

✓ چگونه می توان برای ملاقات با امام زمان عجل الله آماده شد؟

هر وقت عبد و تسلیم شدی و فاعلیت خدا را در همه حوادث دیدی و به آن تن دادی آن وقت برای ملاقات با حجت خدا آماده شده ای.

✓ این که در روایت آمده است که هر کس که ادعای مشاهده امام

زمان عجل الله را کرد تکذیبش کنید یعنی چه؟

به این معناست که آنچه دیده است فقط پرتو مختصری از امام زمان (عجل الله) است و مطلب خیلی بالاتر از این است، از طرف دیگر کسی که چیزی را دید نباید به دیگران بگوید لذا ما وظیفه تکذیب داریم گرچه طرف ممکن است راست بگوید.

✓ برای درخواست حاجات خود از امام زمان (عجل الله) اگر ممکن است پیشنهادی بفرمائید؟

هر وقت حاجتی داشتی برای حضرت ولی عصر (عجل الله) عریضه بنویس و بده به آب نهرهای جازی یا به نسیم صبا و باد صبحدم آن را به حضرت می‌رسانند.

✓ امام زمان (عجل الله) با حکم حضرت داوود (علیه السلام) حکم می‌کند یعنی چه؟

در مورد امام زمان (عجل الله) در روایات آمده است که «یحکم بحکم داوود» با حکم حضرت داوود (علیه السلام) حکم می‌کند. حضرت داوود (علیه السلام) حکم غیبی صادر می‌کرد و به شواهد و ادله وابسته نبود. در زمان حضرت داوود (علیه السلام) شخص فقیری مدتها از خداوند رزق حلالی می‌طلبید. روزی گاوی در خانه او را شکست و داخل شد او هم بر این اساس که دعایش مستجاب شده است گاو را سربرید و گوشت آن را کباب کرد و با خانواده‌اش خوردند. صاحب گاو که به دنبال گاوش می‌گشت فهمید که آن شخص فقیر گاو را کشته و مصرف کرده است او را نزد حضرت داوود (علیه السلام) برد و حضرت داوود (علیه السلام) از آن شخص فقیر علت کارش را پرسید: او هم گفت من هفت سال بود که دعا می‌کردم خدا رزق حلالی مرحمت کند

وقتی گاو در را شکست و داخل شد به خود گفتم دعایم مستجاب شده است، لذا آن را سر بریدم و با خانواده خوردیم.

حضرت داوود علیه السلام به صاحب گاو فرمود: از شکایتت صرف نظر کن. صاحب گاو عصبانی شد و اعتراض کرد که این چه نحو قضاوت کردن است حضرت داوود به او فرمود: علاوه بر آن نصف دارائیت را هم به او بده صاحب گاو به شدت برآشفتم. حضرت داوود فرمود: تمام دارائیت را به او بده در بین مردم در اثر این حکم سر و صدا بلند شد. حضرت داوود علیه السلام همراه با مردم بر سر قبر پدر کسی که گاو را کشته بود حاضر شد و او را زنده کرد و علت مرگش را از او جویا شد. او گفت پدر این صاحب گاو غلام من بود او مرا کشت و تمام دارائیم را هم تصاحب کرد در نتیجه روشن شد علاوه بر اینکه تمام دارائی صاحب گاو متعلق به آن شخص فقیر است خود صاحب گاو و فرزندانش هم بچه‌های غلام پدر او هستند. و متعلق به او می‌باشند. امام زمان عجل الله هم این گونه حکم می‌کند.^۱

۱. مصباح الهدی.

حضرت آیه الله العظمی محمد تقی بهجت رحمته الله

ولادت:

۱۳۳۴ ق.

محل ولادت:

فومن گیلان

محل تحصیل:

کربلا، نجف، قم.

اساتید: حضرات محمد حسین غروی اصفهانی، میرزا محمد

حسین نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدین عراقی و...

استاد عرفان: آقا سید علی قاضی طباطبایی

تالیفات: یک دوره اصول (در ده جلد) حاشیه بر ذخیره العباد

محمد حسین غروی و...

ایشان پس از طی دروس مقدماتی در ایران برای ادامه تحصیل

رهسپار حوزه نجف شد. به محضر هر یک از استادان بنام حوزه راه

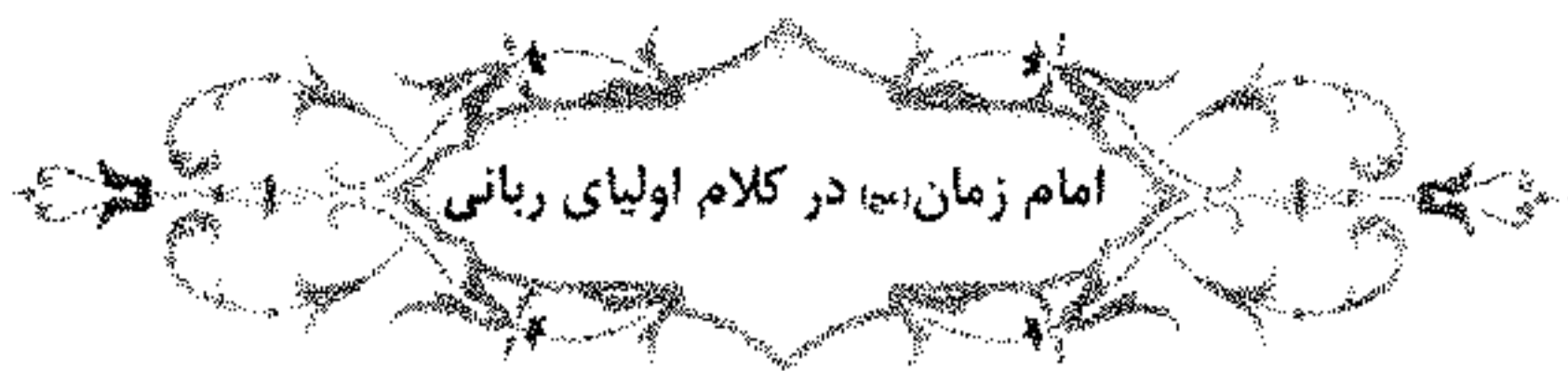
می یافت، خوش می درخشید. یکی از دانشمندان نجف می گفت:

«ایشان در درس، به مرحوم آیت الله غروی اصفهانی امان نمی داد

و پیوسته بحث‌ها را مورد نقد قرار می داد.» در همان ایام علاوه بر

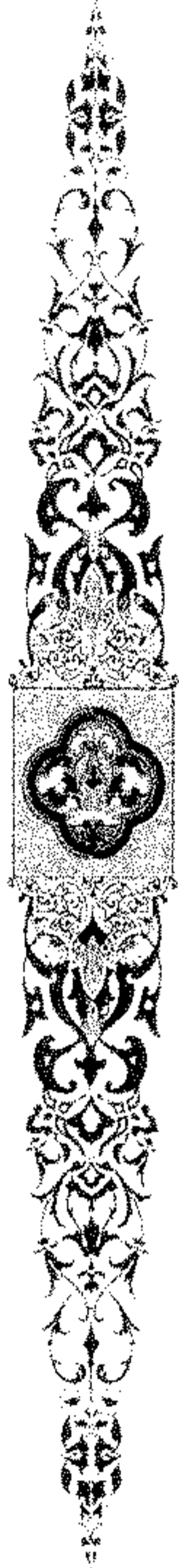
فراگیری در درس به تدریس سطوح عالی در نجف اشرف

پرداخت، به طوری که یکی از استادان کفایة الاصول آخوند



خراسانی محسوب می شد و هم زمان در تألیف سفینه البحار با مرحوم شیخ عباس قمی همکاری داشت.

روح بزرگش تنها در پی چنین توفیقات بالای علمی نبود، لذا هم زمان با تلاش بی وقفه در دروس حوزه، به محفل آقا سید علی قاضی راه یافت و در حالی که هجده سال بیشتر نداشت پای بند مجلس آن استاد مسلم عرفان شد. اما برخی فضیلتی نجف که با طریق عرفان مخالف بودند نامه‌ای به پدر آیت الله بهجت نوشتند که پسرت به جای درس و بحث نزد سید علی قاضی می رود. پدر ایشان نیز در نامه‌ای به آیت الله بهجت نوشت که راضی نیستم جز واجبات عمل دیگری انجام دهی. از آن پس ایشان سکوت اختیار کرد. آیت الله شیخ عباس قوچانی می فرمود: «در ایام سکوت آیت الله بهجت درهایی از ملکوت به روی ایشان باز شده است که مرا ملزم کرده اند سر ایشان را فاش نکنم.» استاد سید محمد حسن قاضی در توصیف احوالات ایشان می نویسد: «کسی گمان نکند که این حالت انقطاع و اشتغال دائمی به ذکر خدا در ایام پیری بر ایشان عارض شده بلکه در ایام جوانی در نجف به این خصیصه شناخته می شدند که به ذکر خدا عادت کرده بودند. نگاهی گذرا به شخصیت بزرگوار ایشان، از درجه اشتغال به نفس و راز و نیاز و انقطاع به پروردگار خبر می دهد. اخیراً از ایشان خواستم تا اجازه دهند مشاهدات خود را از او بنویسم ولی شدیداً انکار و خودداری کردند.»



اکنون حدود شصت سال است که این وجود شریف به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال داشته و به واسطه شهرت گریزی غالباً در منزل تدریس کرده است. همواره در توصیه‌ها، به تهذیب و اصلاح نفس تأکید دارد. از کلمات قدسی ایشان است که فرمود: «اول خودمان استاد خودمانیم، معلوماتمان را نگاه کنیم مبادا زیر پا مانده باشد. محال است عبودیت و ترک معصیت باشد مع ذلک انسان بیچاره باشد و عبودیت، ترک معصیت است در اعتقاد و عمل.»

☑ چرا امام زمان (عجل الله) غائب هستند و ما از فیض حضورشان محرومیم؟

سبب غیبت امام زمان (عجل الله) خود ما هستیم! و گرنه اگر ظاهر شود چه کسی او را می‌کشد؟ آیا جن آن حضرت را می‌کشد؟ یا قاتل او انسان است؟!

ما از پیش، امتحان خود را پس داده‌ایم که چگونه از امام تحفظ و یا اطاعت می‌کنیم و یا این که او را به قتل می‌رسانیم! انحطاط و پستی انسان به قدری است که قوم حضرت صالح عليه السلام ناقه صالح را با اینکه وسیله ارتزاق و نعمت آنها بود پی کردند. چنان که قرآن کریم درباره آن می‌فرماید: «لکم شرب یوم معلوم»^۱ یعنی یک روز آب سهم شما باشد و روز دیگر سهم آن و روزی که آب چاه را می‌خورد در عوض به آنها شیر می‌داد!

۱. شعرا: ۱۵۵.

آن آقا گفت: چرا برای تعجیل فرج دعا می‌کنید؟ آیا می‌خواهید بیاید و او را هم بکشید؟ برای اینکه مزاحم خط و مردم و حکومت و حاکمیت شما خواهد بود. آنان که سایر ائمه را کشتند دیوانه که نبودند! بلکه سبب آن بی‌دینی بود! آیا الان دیگر آن طور نیست؟!^۱

☑ چگونه وجود مبارک امام زمان (عجل الله) و غیبت آن حضرت در عصر ما ثابت می‌شود؟

حدیث ثقلین از ادله اثبات غیبت امام زمان (عجل الله) است زیرا در آن حدیث می‌فرماید: «انهما لن یفترقا»^۲ یعنی قرآن و عترت از هم جدا نمی‌شوند یعنی چه حاضر باشند یا غائب!

اگر کسی این حدیث را تحقیق و معنای آن را تحصیل کند مساله غیبت خیلی برای او واضح خواهد بود زیرا در غیر این صورت لازمه آن جدایی بین قرآن و عترت خواهد بود.^۳

☑ چگونه می‌توان تولد حضرت را ثابت کرد با توجه به این که برخی اشکال می‌کنند که راوی فقط یک زن است؟

اولاً: بله راوی یک زن است، آیا این همه مدت که حضرت در میان مردم ظاهر بوده کسی از اصحاب او را ندیده و مشاهده نکرده است؟!
ثانیاً: خود امام حسن عسکری (ع) و دیگر امامان (ع) خبر داده‌اند و بعد از آن هم الی ماشاءالله شیعه از وجود مقدسش این

۱. بهارانه، ص ۳۵ و ۳۶.

۲. مسند احمد: ج ۱۴/۳ از منابع اهل سنت.

۳. همان، ص ۳۶.

همه کرامات دیده و می بیند.

ما چه می دانیم همین امروز در کجاها چه اغاذه‌هایی (فریادرسی‌هایی) برای مستغیثها و چه اجاره‌هایی برای مستجیرها از طرف حضرت انجام می‌شود ما چه می‌دانیم چه کارهایی هر روز دارد می‌شود؟!!

بله حضرت از اعین ظالمین محجوب است «المحجوب عن اعین الظالمین» اما کسانی که نه ظالمند و نه رفیق ظالمند و نه با ظالمین معاشرند و نه در خانه و محله ظالمین هستند آن حضرت از دیده آنها محجوب نیستند.

ثالثاً: دیدن با چشم موضوعیت ندارد بلکه این طریق و وسیله‌ای است برای حصول یقین. اگر آدم از پشت پرده صدایی را شنید فهمید و بودن گوینده‌ای را یقین کرد او برای ما خبرهایی داد و آن خبرها مطابق با واقع شد از سابق و لاحق ما خبر داد به وجود گوینده یقین پیدا می‌کنیم ولو چشمانمان او را نبیند.

رابعاً: همین دیدن را خیلی از بزرگان علماء ما هم ادعا کرده‌اند که اگر ما بگوییم آنها دروغگو بودند که دیگر معلوم است ما در چه حالی هستیم؟!!

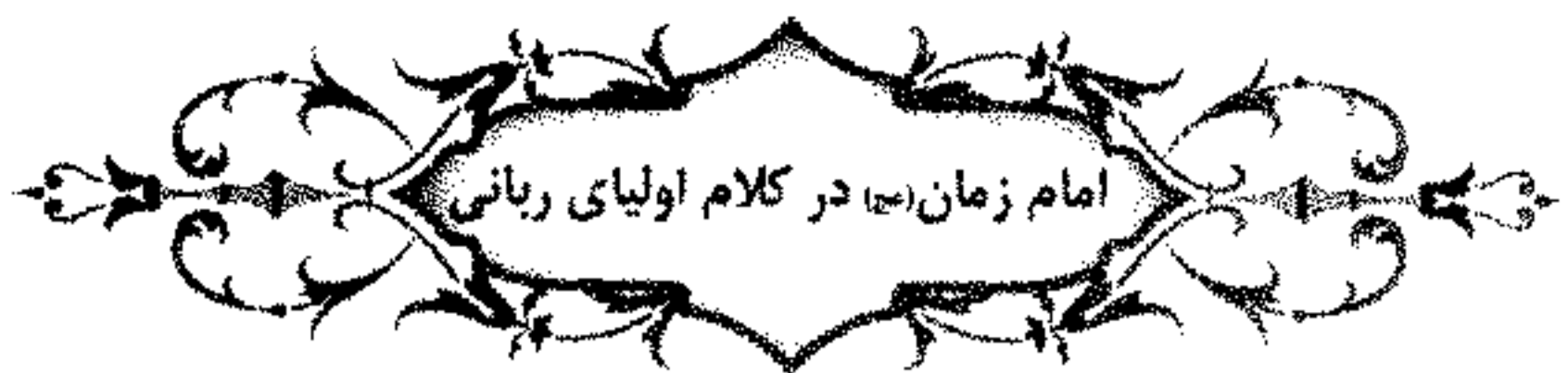
☑ **مصیبت در دین در این دعا که می‌گوییم: «لاتجعل مصیبتنا فی**

دیننا»^۱ یعنی چه؟

همین مصیبتی است که به آن مبتلا هستیم! یعنی فقدان امام علی (ع)

۲. بحار الانوار: ۶۳/۲.

۱. درس خارج فقه، ۱۳۸۰/۸/۶.



چه مصیبتی از این بزرگ‌تر؟ خدا می‌داند که به واسطه آن فقدان چه محرومیت‌ها داریم! خصوصاً این که مصیبت در دین مستلزم مصایب دنیویه است و لا عکس!^۱

❑ سفیانی کیست؟ در مورد فتنه او در آستانه ظهور کمی توضیح دهید؟ برخی خبر داده‌اند سفیانی هم اکنون هست آیا شما تایید می‌کنید؟

تازگی دیدم که در یکی از کتابهای عامه نوشته است که نسبت سفیانی به واسطه یزید و معاویه به ابوسفیان نمی‌رسد بلکه به واسطه یکی از برادران معاویه به ابوسفیان می‌رسد!^۲

همچنین در آن کتاب آمده است: وقتی سفیانی می‌آید هر کس که نام او محمد، علی، حسن، حسین، زینب و ام‌کلثوم است و نیز تعداد زیادی از زن‌های حامله را می‌کشد!^۳

در روایتی آمده است: سفیانی صد و هفتاد هزار نفر را در فلان محله یا منطقه عراق می‌کشد! بعضی خیال می‌کنند وقتی که حضرت ظهور می‌کند کشتار واقع می‌شود ولی چنین نیست بلکه کشتار قبل از ظهور آن حضرت است.^۴

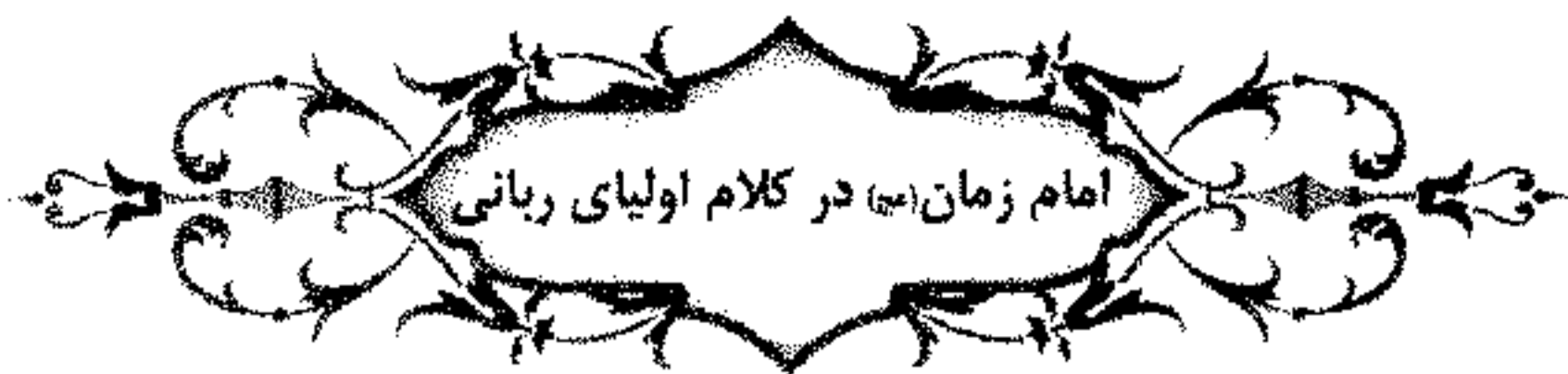
امیدواریم این بیچارگی و ذلت و ابتلائات گوناگون شیعه خاتمه پیدا کند! در روایات فراوان آمده است که سفیانی چه فسادها و ستم‌ها میکند! روایت از حضرت امیر علیه السلام است مرحوم حاجی

۱. ۷۰۰ نکته: ۲/۲۱۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۳، الغیبه طوسی، ص ۴۴۴.

۳. ۶۰۰ نکته: ۱/۱۸۶. ۴. همان، ج ۵۲، ص ۲۳۷.





نوری نقل می‌کند: سفیانی را نزد حضرت ولی عصر «عج» می‌آورند. در حالی که عمامه‌اش را دور گردنش پیچیده‌اند! به حضرت می‌گوید: یا بن رسول الله! مرا نکش؟!!

بنابراین نقل، اطرافیان می‌گویند کسی که این همه اولاد رسول الله ﷺ را کشته او را آزاد می‌کنید؟!!

در هر حال آن قدر به حضرت فشار می‌آورند تا اینکه می‌فرماید: «شانکم» یعنی هر کاری صلاح می‌دانید انجام دهید و بدین ترتیب گویا حضرت اجازه می‌دهند که او را بکشند و سرانجام او را می‌کشند.^۱

مرحوم مقدسی مشهدی در عتبات از خدا خواسته بود که بفهمد آیا سفیانی هست یا خیر؟ در کاظمین در وسیله نقلیه، عربی که کنار او نشسته بود وقت پیاده شدن به او فرمود آری سفیانی هست!

این داستان بیش از پنج، شش سال قبل واقع شده است.^۲

☑ این فتنه آخر الزمان که می‌شنویم چگونه فتنه‌ای است؟

خدا کند ولو با تقیه کردن از طریقه اهل حق و اهل بیت علیهم‌السلام مخدول نشویم. گرفته شدن ایمان از اهل ایمان از کشته شدن آنها بدتر است. در روایت است که فتنه‌هایی بر اهل ایمان می‌آید «فتن کقطع اللیل المظلم»^۳ فتنه‌هایی همانند پاره‌های شب تاریک!

ما این همه ابتلائات را می‌بینیم و می‌گویید آیا «فتن کقطع اللیل

۱. ۷۰۰ نکته: ۸۴/۲.

۲. همان: ۶۳/۲ البته حضرت استاد - مدظله - نیز این جریان را بیش از ۱۵ - ۱۰ سال

قبل فرموده‌اند. ۳. بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۲۴۸.

المعظم» است یا نه؟! و آیا نعوذ بالله طریقه حقه اهل بیت علیهم السلام، حق است یا باطل؟! با این همه رخدادها که می بینیم و برای ما پیش بینی و پیشگویی کرده اند باز شک و تردید داریم!

☑ این ابتلائات و گرفتاری ها تا چه اندازه است لطفاً بیشتر توضیح دهید؟

ائمه علیهم السلام هزار سال پیش خبر داده اند که گرفتاری و ابتلائات برای اهل ایمان به حدی خواهد بود که عده کثیری از آنان از ایمان خارج می گردند!

☑ در عصر غیبت مسلمانان با گرفتاری ها و بلاهای زیادی دست و پنجه نرم می کنند شما فکر می کنید که باید چه کار کنند و چه چاره ای بیندیشند؟

خدا می داند که چه بلاهایی بدتر از این در زمان غیبت آن حضرت بر سر مسلمانان آمد و می آید! آلمان در مدت کوتاهی چهارده کشور اروپایی را شکست داد که بزرگترین آنها یونان بود و سقوط آن بیست و پنج روز طول کشید!

بنابراین ممالک اسلامی در نزد آنها هر کدام یک لقمه است! ولی پیشرفت به سرعت، لازمه اش غفلت از دشمن پشت سر است که خداوند هر کدام از قدرت های شرق و غرب را معذب و رقیب دشمن مقابل خود قرار داده است و ظاهر این است که تا قیام حضرت حجت اسم اسلام باقی است.

«لایبقی من الاسلام الا اسمه»^۱ از اسلام به جز نام آن باقی نمی ماند^۲

اگر دو گروه در برابر هم قرار گرفته و با یکدیگر در حال جنگ باشند و یک فرد از این دو گروه رئیس گروه دیگر را می ربود، گروه بی رئیس یکی از دو راه را دارند یا باید تسلیم شوند و یا بدون رهبر با دشمن مخالف بجنگند.

حال ما مسلمانان با کفار تقریباً همین طور است...

☑ آیا نباید مواظبت و محافظت کنیم؟

از جمله راههای محافظت و مواظبت این است که اولاً: فریب کفار را نخوریم.

ثانیاً: آن چه را که به ما هدیه می دهند تا مجذوب آنها شویم و از این راه بر ما مسلمانان و منافع ما مسلط شوند و بر ما ظلم و ستم کنند قبول نکنیم.^۳

☑ غیبت آن حضرت تا کی ادامه دارد و چرا این قدر طولانی شده است؟

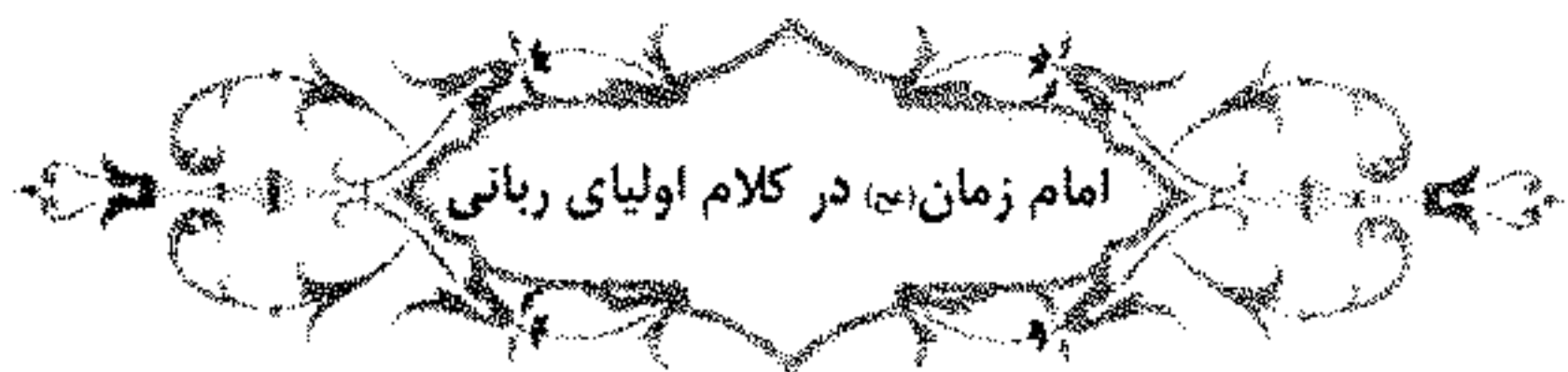
چه باید گفت؟ معلوم نیست تا کی؟ در تمام امت های گذشته غیبت مقدر شده است ولی در هیچ امتی چنین غیبتی با وقت نامعلوم و غیر مقدر اتفاق نیفتاده است.

ما مسلمانان خود را با پیغمبر ﷺ و یازده امام علیهم السلام در

۲. ۷۰۰ نکته: ۱۸/۲.

۱. کافی، ج ۸، ص ۳۰۸.

۳. ۶۰۰ نکته: ۸۸/۱.



زمان حضورشان پس داده‌ایم، اگر این یکی هم ظاهر می‌شد لابد به قربانش می‌رفتیم!!

کسانی که در زمان ائمه علیهم‌السلام به بنی امیه و بنی عباس گرایش داشتند مگر دیوانه بودند؟! آنها از میان دو راه دین و دنیا و ضد آخرت را انتخاب می‌کردند! و هنوز مناصب آنها بر ما عرضه نشده تا امتحان خود را پس بدهیم.^۱

☑ در روایات آمده که اگر ایمان ده درجه داشته باشد، سلمان تمام آن را داراست برای ما چقدر امکان دارد که قله‌های ایمان را اینگونه بپیماییم؟

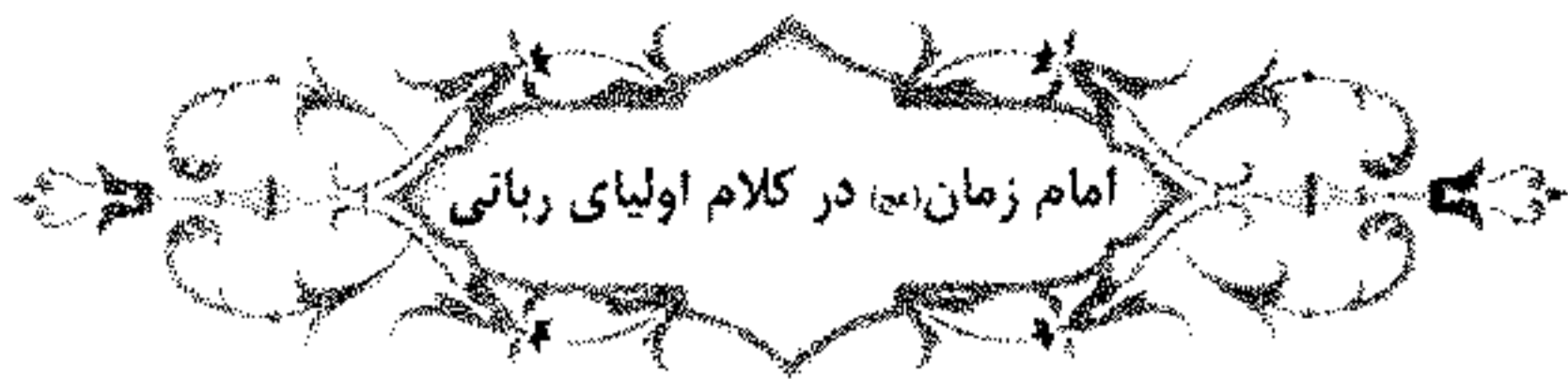
مگر همه سلمان یا ابوذر می‌شوند که با تمام بلاها صبر کردند؟! و یا مثل عمار که حتی حاضر به کشته شدن گردید؟ در مقاماتی که آنان بدان رسیدند بسته شده است تمام دنیا و مافیها ارزش نماز یک شب سلمان رضی الله عنه را ندارد! روی پوست گوسفندی می‌نشست و مصلاهی عجیب و غریب داشت.

البته چه بسا از این که فرموده‌اند: عبادت در غیبت افضل از عبادت در حال حضور است بتوان استفاده کرد که مقامات بالاتری برای ما ممکن است!

ما نیز از کرامات علما عجایب و غرایبی دیده‌ایم که نمی‌شود بیان کرد! و تعجب می‌کردیم که چرا دیگران می‌بینند و اسمش را هم نمی‌آورند!

۱. همان: ۱/۱۷۳.





✓ وظیفه ما در دوران غیبت چیست؟

گویا ائمه علیهم السلام با ما اتمام حجت کرده‌اند و لذا فرموده‌اند: «برای فرج بسیار دعا کنید»^۱ البته نه لقلقه زبان!

و نیز فرموده‌اند: «به راه و رسم نخستین عمل کنید».

یعنی در وقایع و رویدادهای تازه آن گونه که در گذشته عمل می‌کردید عمل کنید.

ائمه علیهم السلام به ما یاد دادند که به یقینات عمل کنیم و هر کجا یقین نداشتیم توقف و احتیاط نماییم.^۲

✓ چگونه خودمان را برای ظهور آماده کنیم؟

از جمله راههای آمادگی، این که توبه کند، همین توبه باعث می‌شود که این همه بلاهایی که بر سر شیعه آمده است که واقعاً بی سابقه است و بلاهای دیگری که تا قبل از ظهور آن حضرت می‌آید از سر شیعه رفع و دفع گردد.^۳

✓ آیا نامه اعمال ما به امام زمان (عجل الله) عرضه می‌شود؟ و آن حضرت

اعمال را می‌بیند؟

اعمال بندگان در هر هفته دو روز (دوشنبه و پنجشنبه) به او عرضه می‌شود. همین قدر می‌دانیم آن طوری که باید باشیم نیستیم.^۴ چیزی که باعث شرمندگی و خجالت زدگی ما می‌شود این است که حضرت همه چیز را می‌داند و همه چیز را می‌شنود، آنها

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲ / الغیبه طوسی، ص ۲۹۰.

۲. ۶۰۰ نکته: ۲۳/۱. ۳. همان: ۱۰۹/۲.

۴. همان: ۱۲۰/۲.

«عین الله الناظرة، اذن الله السامعة - الواعية» می باشند.

ما چه کار کردیم برای قرب و نزدیک شدن به آنها؟ شما که طالب حضور و ظهورید چرا کاری نمی کنید که همیشه خودتان را پیش آن حضرت ببینید؟!

او ما را می بیند و ما او را نمی بینیم! پس چرا اینقدر دوریم؟^۱ بعضی ها خیال می کنند ائمه (ع) نمی شنوند یا مثل مرده های ما هستند. یکی از سنی مذهب ها از جلوی سرداب مقدس سامرا رد می شد شنید صدای یک نفر را که داخل سرداب بود و مرتب می گفت: یا صاحب الزمان! یا صاحب الزمان!

آن عابر با لحن مسخره ای گفت: یا صاحب الزمان! یا صاحب الزمان! آنقدر بگو تا جوابت را بدهد!

این ها نمی فهمند! حماقت محض دارند! ائمه (ع) عین الله الناظرة و اذنه الواعية هستند اگر حرفی زده شود حتی قبل از آن که دیگران که در مجلس هستند بشنوند آنها می شنوند.^۲

☑ چگونه با امام زمان (عجل الله) ارتباط برقرار کنیم؟

راه ایجاد ارتباط با اهل بیت (ع) و مخصوصاً حضرت ولی عصر (عجل الله) عبارتست از:

۱ - معرفت خداوند متعال.

۲ - اطاعت محض از پروردگار

این دو موجب حب به خداوند و محبت نسبت به همه آنها که

خدا آنان را دوست می‌دارد، مثل انبیاء و اوصیاء می‌شود، مخصوصاً
موجب علاقه و ارتباط با محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله می‌شود که
نزدیک‌ترین آنها به ما حضرت صاحب الامر عجل الله است.^۱

❑ در عصر ما که گرفتاریها و فشارهایی از هر سو متوجه شیعیان در
اقصى نقاط جهان و خصوصاً کشور ماست. باید چه کرد؟

مخصوصاً دعای شریف عظم البلاء و برج الخفاء را بخوانیم و
از خدا بخواهیم برساند صاحب کار را!

با او باشیم حالا اگر رساند که رساند و اگر نرساند دور نرویم، از
کنار او از رضای او دور نرویم. او می‌بیند او می‌داند حرف‌هایی که
ما به همدیگر می‌زنیم!

در هر حال برای تعجیل در امر فرج و رفع نگرانی‌ها و گرفتاریها
و نجات و اصلاح حال مومنین بگوییم:

«اللهم اكشف هذه الغمة عن هذه الامة بظهوره»^۲ خداوندا با ظهور

حضرت حجت این ناراحتی را از این امت برطرف نما.

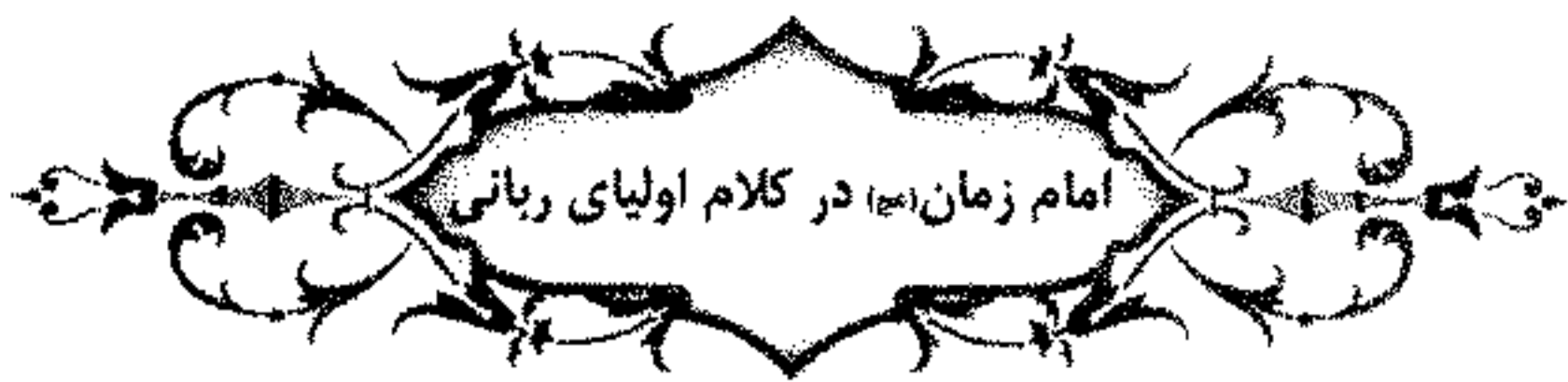
زیرا واقعاً از ظلم و ستم و بلا و فشاری که بر سر اسلام و مسلمین
به خصوص اهل ایمان می‌آید کارد به استخوان رسیده است.^۳

ابتلائات شیعه امروز بسیار زیاد است امراض مختلف،
سرطان، حوادث، باید در مشاهد مشرفه و مواقف مهمه برای رفع
ابتلائات شیعه دعا کرد و تضرع نمود...

۲. مستدرک الوسائل: ۷۴/۵.

۱. به سوی محبوب / ۶۱.

۳. ۷۰۰ نکته: ۴۰۱/۲.



ما از همه باید بخواهیم که متوسل شوند و دعا کنند و تضرع نمایند تا بلکه فرجی حاصل شود.

دعای فرج اگر موجب فرج عمومی نشود برای دعا کننده موجب فرج خواهد بود ان شاء الله. چنانچه در برخی از روایات آمده: دعا کنید که در آن فرج شماست.

برخی از مردم به مرحوم آقای شیخ حسنعلی تهرانی متوسل می شدند و نتیجه می گرفتند ولی متوجه امام عصر (عجل الله) نیستند! ما باید به امام عصر (عجل الله) بیش از این ها متوسل باشیم تا نتیجه بگیریم مسلماً امام عصر (عجل الله) از هر کسی بهتر می تواند موثر باشد.^۱

اگر اهل ایمان پناهگاه حقیقی خود یعنی حضرت صاحب (عجل الله) را بشناسند و به آن پناه ببرند آیا امکان دارد که از آن ناحیه عنایت واقع نشود؟!^۲

☑ آیا راهی هست که با امام زمان (عجل الله) ملاقات کنیم و آن حضرت را ببینیم؟

بعضی شروع به اذکار و اورادی می کنند تا امام زمان (عج) را ببینند. چه اصراری بر دیدن آن حضرت دارید؟! شما سعی کنید اعتقاداتان به حضرت زیاد شود و ایشان از شما خوشنود باشند.^۳

اگر بدانیم در محضر «عین الله الناظرة» هستیم آیا روی آن را

۱. روزنه هایی از عالم غیب / ۵۵ . ۲. ۷۰۰ نکته: ۲/۲۵۶.

۳. بهجت عارفان / ۲۱۸.



داریم که برای زیارت حضرت غائب (عجل الله) اجازه بخواهیم؟ با این که با خواسته های واضح او مخالفت می کنیم! نماز و روزه را ترک و غیبت و ایذاء می کنیم!

آیا می خواهی به ما بفرماید: «ابحت لکم المحرمات و أسقطت عنکم الواجبات»! حرام ها را برای شما حلال کردم و واجبات را از شما برداشتم!

مقصود اینکه چه می شد بواسطه بندگی خدا روابط با آن آقا (امام زمان «عج») محفوظ می ماند.^۱

☑ اگر عصر غیبت فقط منتظر آمدن آن حضرت باشیم و انتظار فرج داشته باشیم کافی است؟

تنها انتظار فرج کافی نیست! بلکه طاعت و بندگی نیز لازم است مخصوصاً با توجه به قضایایی که پیش از ظهور امام زمان «عج» واقع می شود...

خدا می داند که بواسطه ضعف ایمان بر سر افراد چه می آید مگر امکان دارد عافیت مطلقه بدون ایمان و طاعت و بندگی انجام گیرد؟!^۲

☑ برخی از مردم فقط به خدا اعتقاد دارند و به پیامبر و امامان معصوم (علیهم السلام) خصوصاً امام زمان (عجل الله) اعتقادی ندارند چنین اعتقادی چه وجهی دارد؟

ما امام زمان (عجل الله) را دوست می داریم چون امیر نحل است.

۲. در محضر بهجت: ۱/۱۱۹.

۱. ۶۰۰ نکته: ۱/۳۰۵.

امور ما مطلقاً به وسیله او به ما می‌رسد و او را پیغمبر امیر ما قرار داده است و پیغمبر را دوست داریم چون خدا او را واسطه بین ما و خود قرار داده. و خدا را دوست داریم برای این که منبع همه خیرات است و وجود، ممکنات فیض اوست.

پس اگر خود و کمال خود را خواهانیم باید دوست خدا باشیم و اگر دوست خداییم باید دوست و سائط فیوضات از نبی و وصی باشیم و گرنه یا دوست خود نیستیم یا دوست و سائط فیوضات نیستیم.^۱

☑ چه کار کنیم که امام عصر (عجل الله) از ما راضی و خشنود باشند؟

اگر به قطعیات و یقینیات دین عمل کنیم در وقت خواب و به هنگام محاسبه پی می‌بریم که از کدامیک از کارهایی که کردیم قطعاً حضرت امام زمان (عجل الله) از ما راضی است و از چه کارهایمان قطعاً ناراضی است!^۲

☑ در امور اجتماعی چه کار کنیم که رضایت آن حضرت را بگیریم؟

در امور اجتماعی نباید به دیگران نگاه کنیم و از این و آن پیروی کنیم زیرا افراد معصوم نیستند هر چند بزرگ و بزرگوار باشند! بلکه باید نگاه کنیم و ببینیم اگر خودمان تنها بودیم و دیگران نبودند آیا انجام می‌دادیم یا نه؟^۳

ما باید رضا و میل امام زمان (عجل الله) را در کارها بدست آوریم چه

۱. به سوی محبوب / ۲۴.

۲. بهارانه / ۶۰.

۳. امام زمان در کلام آیت الله بهجت / ۳۹.

در مصرف سهم امام (عجل الله) و چه در کارهای اجتماعی!

❑ آیا ملاقات امام عصر (عجل الله) در عصر غیبت ممکن است؟

هر کسی باید به فکر خود باشد و راهی برای ارتباط با حضرت حجت (عجل الله) و فرج شخصی خویش پیدا کند خواه ظهور و فرج آن حضرت دور باشد یا نزدیک!

عده‌ای بودند که گویا حضرت غائب (عجل الله) در پیش آنها حاضر و ظاهر بوده است مثل این که با بی سیم با آن حضرت ارتباط داشتند و جواب از ناحیه او می شنیدند!^۱

❑ پس چرا در حدیث بر مدعی ملاقات لعنت فرستاده شده است؟

مرحوم مقدس اردبیلی (رحمته الله) و سید بحر العلوم (رحمته الله) که احتمال دروغ درباره آنها نمی رود عبارت «فعليه لعنة الله» یعنی (لعنت خدا بر او باد) را قبول ندارند و می گویند آن مربوط به بابت و ادعای مهدویت است.

با این که ارتباط و وصل با آن حضرت و فرج شخصی امری اختیاری است به خلاف ظهور فرج عمومی. با این حال چرا به این اهمیت نمی دهیم که چگونه با آن حضرت ارتباط برقرار کنیم و از این مطلب غافل هستیم ولی به ظهور و دیدار عمومی آن حضرت اهمیت می دهیم! و حال این که اگر برای فرج شخصی به اصلاح خود نپردازیم بیم آن است که در ظهور آن حضرت از او فرار کنیم! چون راهی که می رویم راه کسانی است که اهم و مهمی قائل نیستند.^۲

✓ امروز عده زیادی از مردم مشتاق آمدن امام زمان (عجل الله) هستند
پس چرا آن حضرت ظهور نمی‌کنند؟

امام زمان (عجل الله) هم اگر بیاید با او همان معامله را می‌کنیم که با
آباء طاهرینش کردیم! آیا می‌شود امام زمان (عجل الله) چهارصد
میلیون یاور داشته باشد و ظهور نکند؟!^۱

خدا توفیق دهد به سوی امام (عجل الله) تیر پرتاب نکنیم!^۲

✓ بهترین کاری که برای به هلاکت نيفتادن در آخر الزمان می‌توانیم
انجام دهیم به نظر حضرت تعالی چیست؟

بهترین کار برای به هلاکت نيفتادن در آخر الزمان دعای فرج
امام زمان (عجل الله) است البته دعای فرجی که در همه اعمال ما اثر
بگذارد!^۳

✓ استاد معظم دعای فرج بحمد الله در بین شیعیان زیاد خوانده
می‌شود اگر امکان دارد در مورد قرائت دعای فرج بیشتر توضیح
دهید؟

خدا می‌داند تعداد این دعاها باید چقدر باشد تا مصلحت
ظهور فراهم آید!

قطعاً اگر کسانی در دعا جدی و راستگو باشند. مبصراتی
خواهند داشت و قطعاً مثل ما چشم بسته نیستند. باید دعا را با
شرایط آن دعا کرد. و توبه از گناهان از جمله شرایط دعا است

۲. همان: ۱۲/۱.

۱. همان: ۱۲/۱.

۳. نکته‌های ناب / ۷۲.

چنان که فرموده‌اند: «دعاء التائب مستجاب» یعنی دعای شخصی که توبه کند مستجاب می‌گردد.

نه این که برای تعجیل فرج دعا کنیم و کارهایمان برای تبعید (دورکردن) و تأجیل (تأخیرانداختن) فرج آن حضرت باشد!^۱

❑ آیا امام عصر (عجل الله) در اوضاع و احوال در عصر غیبت فعالیت‌هایی دارند؟

امام زمان (عجل الله) در زمان غیبت احاطه کامل دارند و بر همه امور اشراف دارند و نیز فعالیت هم دارند.

برای میرزای شیرازی بزرگ پیغام‌ها و دستورات متعددی می‌فرستادند.^۲

❑ اگر امام زمان (عجل الله) ظهور نمایند آیا از تمام اعمالمان پرس و جو می‌کنند و ما باید پاسخگو باشیم؟

وقتی حضرت ظهور می‌کند می‌پرسد: این کار آشکار را چرا انجام دادی؟

معلوم نیست از کارهای پنهان جستجو کند.^۳

❑ آیا جزیره خضراء افسانه است یا واقعیت دارد؟

آیا جزیره خضراء یک جای ثابتی است؟ یا این که هر کجا حضرت باشد آن جا جزیره خضراء است؟!

موید نظر دوم این که حضرت خضر عليه السلام که از آب حیات

۱. ۶۰۰ نکته: ۱/۱۱۸.

۲. جلسه درس خارج فقه (چهارشنبه ۱۹/۷/۱۳۸۲).

۳. بهارانه / ۸۶.

نوشیده هر کجا رود آن جا سبزه می روید! کما اینکه درباره حضرت خضر علیه السلام است که هر کجا ذکر شود و نام او برده شود آن جا حاضر است! هر وقت او را یاد کردید به او سلام کنید.

آیا امکان دارد که حضرت حجت عجل الله که از او بالاتر است چنین نباشد؟! دل اهل ایمان سبز و خرم و پایگاه حضرت حجت عج است^۱ قلب مومن جزیره خضراء است...

قلبها از ایمان و نور معرفت خشکیده است قلب آباد به ایمان و با خدا پیدا کنید تا برای شما امضاء کنیم که امام زمان عجل الله آن جا هست.^۲

☑ آیا به نظر جناب عالی ظهور نزدیک است؟!

ما تاکنون به جوانها بشارت می دادیم که ظهور حضرت بقیة الله الاعظم عجل الله را درک خواهند کرد ولی اینک به پیرها هم بشارت می دهیم که دوران ظهور را خواهند دید!^۳

☑ برخی می گویند حتی خود امام زمان عجل الله از زمان ظهور خودش باخبر نیست آیا این مطلب صحیح است؟

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود: «شیعتنا اصبرمتا... لانا نصبر علی ما نعم، و شیعتنا یصبرون علی ما لا یعلمون.»^۴
یعنی شیعیان ما از ما صابرترند... زیرا ما بر آنچه می دانیم صبر می کنیم ولی آنها بر آنچه نمی دانند صبر می کنند.

۱. ۷۰۰ نکته: ۳۰۸/۲.

۲. همان: ۱۷۹/۲.

۳. حدیث وصال / ۱۲۳.

۴. اصول کافی: ۹۳/۲.

حضرت غائب عجب صبری دارد! با این که از تمام آن چه که ما می دانیم یا نمی دانیم اطلاع دارد و از همه امور و مشکلات و گرفتاریهای ما با خبر است.

خود حضرت هم منتظر روز موعود است! و خودش می داند که چه وقت ظهور می کند!

این که گفته می شود که آن حضرت وقت ظهورش را نمی داند درست نیست!^۱

☑ **شنیده می شود امام زمان (عجل الله) هنگامی ظهور می کنند که زمین از ظلم و جور پر شده باشد چگونه است توضیح دهید؟**

ما نمی توانیم تعیین و تحدید کنیم که «ملت ظلما و جوراً»^۲ چه مرتبه از ظلم و جور منظور است! ولی ظاهر این است که وقتی ظلم فراگیر و پر شد دیگر کار تمام است و آن حضرت ظهور می کنند زیرا فرمودند: «ملت و بقیت علی ما ملت» یعنی پر شود و بر آن حالت باقی بماند! بلکه فرمودند: «ملت».

و این امر یعنی «ملت ظلما و جوراً» در این زمانه مستقر شده است به طوری که الان یک وجب از زمین از ظلم و جور خالی نیست.

ولی ما نمی توانیم تحدید و مشخص کنیم که مقصود چه مرتبه ای از «ملت» منظور است. زیرا تمام خصوصیات وقت ظهور تعیین نشده است...

۲. کافی: ۳۴۱/۱.

۱. بهارانه / ۱۰۲.

✓ در عصر ظهور تکلیف روایات و اقوال و فتاوی علماء چه خواهد شد؟ آیا منسوخ می گردند؟

تمام روایات و نیز اقوال علمای گذشته تا روز ظهور باقی است و حتی در ایام ظهور هم هست چون آنچه بعداً تحقق می یابد شارح ما قبل است نه ناسخ ما قبل! و لذا در زمان ظهور هم این مطالب هست و مورد استفاده می باشد.^۱

✓ چرا در روایات آمده که مدعی مشاهده را تکذیب کنید؟

روایت: «من ادعی المشاهدة» قطعاً سماع و صوت و مکاتبه را شامل نمی شود (یعنی کسی ادعای شنیدن صدای امام یا ادعای مکاتبه آن حضرت با او را نباید مورد تکذیب قرار داد) و حتی کسی را که بعد از تشریف به محضر حضرت و رفتن ایشان می فهمد آن کسی که با او ملاقات کرد حضرت بوده است نیز شامل نمی شود.^۲

✓ خیلی دوست داریم که با آن حضرت ملاقات کنیم و سیمای ملکوتیش را ببینیم چگونه می توانیم به زیارت حضرتش نائل شویم؟ لازم نیست که انسان در پی این باشد که به خدمت حضرت ولی عصر «عج» تشریف حاصل کند! بلکه شاید خواندن دو رکعت نماز پس از توسل به ائمه علیهم السلام بهتر از تشریف باشد! زیرا هر کجا که

۱. جلسه درس خاج فقه (۱۳۸۲/۱۱/۷).

۲. جلسه درس خارج فقه (۱۳۸۲/۷/۱۶).

باشیم حضرت می بیند و می شنود و عبادت در زمان غیبت افضل از عبادت در زمان حضور است!

و زیارت هر کدام از ائمه اطهار (ع) مانند زیارت خود حضرت حجت «عج» است.^۱

✓ اگر خداوند توفیق بدهد آن حضرت را زمانی زیارت کردیم و به ملاقاتش نائل شدیم به نظر حضرت تعالی در آن لحظات استثنایی چه از حضرتش بخواهیم؟

اگر مشرف شدید به آن حضرت نگوید که از خدا برای من، زن و خانه، دفع فلان بیماری و یا امراض خصوصی و... بخواه زیرا اینها چندان اهمیت ندارد.

هر کدام در فکر حوائج شخصی خود هستیم و به فکر آن حضرت که نفعش به همه برمی گردد و از اهم ضروریات است نیستیم!^۲

✓ آیا شما برای تشرف ذکر یا دعا یا عمل خاصی را توصیه می کنید؟
(برای زیارت حضرت غائب (عجل الله) زیاد صلوات و اهداء به وجود مقدس آن حضرت بنمایید مقرون با دعای تعجیل فرجش زیاد به مسجد جمکران مشرف شوید با ادای نمازهایش.^۳

مرحوم آقای قاضی ختمی را به آقای حاج شیخ محمد تقی آملی یاد دادند برای آن که خدمت امام زمان (عجل الله) مشرف شود.

۲. بهارانه / ۱۱۱.

۱. بهارانه / ۱۱۰.

۳. به سوی محبوب / ۵۹.

ایشان در وادی السلام یا مسجد سهله شروع به ختم کردند ولی ختم تمام نشده وحشت او را فرا می‌گیرد و فرار می‌کند! آقای قاضی به ایشان می‌فرماید: «وحشت نداشت! و فرار برای چی؟»

معلوم بود که (مرحوم آقای قاضی) از جریان مطلع است.^۱
✓ می‌دانیم که امام زمان (عجل‌الله) هزار و اندی سال است که غائب است سیمای ملکوتی آن حضرت از حیث این عمر طولانی چگونه است؟
کسانی که به حضور حضرت حجت (عجل‌الله) مشرف شده‌اند و امام زمان (عجل‌الله) را چه در خواب و چه در بیداری دیده‌اند معمولاً آن حضرت را در سن جوانی و به صورت شخصی سی تا چهل ساله دیده‌اند!

البته به جز یک نفر که مدعی است ایشان را در سن بیش از هزار سالگی و سالخورده و به سن واقعی آن حضرت دیده است.^۲
✓ ما شنیده‌ایم که عده‌ای از علمای ربانی به محضر امام زمان (عجل‌الله) مشرف شده‌اند البته ما باور داریم اما می‌خواهیم از زبان شما هم بشنویم؟

پنج نفر از علماء در کربلا خواب می‌بینند که ظاهراً امام زمان (عجل‌الله) نه‌ایه شیخ طوسی را به عباراتی می‌ستاید. همه عبارات آن حضرت را یادداشت می‌کنند و به هم نشان می‌دهند عبارت همه با هم مطابق بوده است!

۱. روزنه‌هایی از عالم غیب / ۳۶۵. ۲. بهارانه / ۱۱۴.

مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی^۱ ورقه سبزی را نشان داده بود که بنا بر نقل به خط و امضای حضرت غائب (عجل الله) بود و به مرحوم سید اصفهانی اجازه فرمودند: که سهم امام را در آن چه موجب اعتلای مذهب حق است مصرف کنند.

مرحوم میرزای شیرازی بزرگ^۲ در قضیه تنباکو فرموده بود: علت این حکمی که کردم آن بود که در سرداب سامرا حضرت صاحب «عج» را زیارت کردم و در آن جا به من الهام شد! آقای گفت جماعتی بودیم آقا امام زمان تشریف آوردند و امامت کردند ولی حمد و سوره را حسابی ساده قرائت فرمودند! خدا می داند همین عبادت های ساده و مختصر اگر از اهل اش صادر شود چه اثرها دارد ولی مفصل آن از غیر اهل اش بی اثر است!^۳

مرحوم آقای حاج شیخ طه، نجف خدمت امام عصر (عجل الله) تشریف داشته است.^۴

من آقا شیخ محمد کوفی را دیده بودم. و از ایشان دو تشریف مشهور بود که احتیاجی به سند نداشت.^۵

حاجی نوری رحمته الله درباره سید بن طاووس رحمته الله نوشته است: باب لقای حضرت غائب (عجل الله) برای او مفتوح بود.

۱. فقیه بزرگ و صاحب «وسيلة النجاة».

۲. میرزا محمد حسن شیرازی از علماء و مراجع بزرگ سامرا.

۳. امام زمان در کلام آیت الله بهجت / ۸۰.

۴. همان / ۱۱۴. ۵. همان / ۳۱۱۷. همان / ۹۴.

در زمان ما هم افراد زیادی خدمت آن حضرت مشرف می شوند. یکی از سادات اصفهان به مدینه منوره رفت و ضمن نامه‌ای از پیامبر اکرم (ص) درخواست کرد که توفیق تشریف خدمت امام عصر (عج) نصیبش گردد.

آن سید محترم می فرمود که تشریف حاصل نشد تا روزی که می خواستم از مدینه بروم در آخرین ساعات که زیارت کردم و می خواستم از درب خروجی حرم خارج شوم دیدم آقای نورانی وارد حرم می شود و هیچ گونه ازدحام مانع ورود او نیست! به راحتی داخل شد.

به من که رسید سلام کرد و فرمود: «انا ابنه!» یعنی من پسر پیامبرم. بعد در فکر فرو رفتم! او که بود که ازدحام جمعیت مانع او نبود! و سلام و گفتارش چه بود؟ فهمیدم آن بزرگوار امام زمان (عجل الله) بوده است!^۱

اگر کسی حاجتی و مشکلی داشته باشد صحیح است که به مسجد

جمکران برود و به امام زمان (عجل الله) در این مکان متوسل شود؟

عده‌ای از پاکان و نیاکان با حضرت صاحب (عجل الله) سوال و جواب می کنند و حاجت می طلبند و جواب می گیرند و در مسجد جمکران صدای آن حضرت را می شنوند!

آقای را که در بیداری دیده بودم در خواب به من فرمود: «چرا به مسجد جمکران نمی آیی؟!»^۲

۱. روزنه‌هایی از عالم غیب / ۵۲. ۲. بهارانه / ۱۲۱.

☑ آیا آن حضرت خودشان هم به مسجد مقدس جمکران تشریف می‌آورند؟

آقایی که زیاد به مسجد جمکران می‌رود می‌گفت: آقا را در مسجد جمکران دیدم. به من فرمود: «به دل سوخته گان ما بگو برای ما دعا کنند!» بعد یک مرتبه از نظرم غائب شد! نه این که راه برود و کم کم از نظرم غائب شود!

همین آقا هفته قبل از آن هم، حضرت را در خواب دیده بود. یکی از سادات که عماله هم ندارد و روضه می‌خواند و مسئله می‌گوید اخیراً هم نزدیک مسجد جمکران خانه گرفته و همانجا زندگی می‌کند مگر آن حضرت را دیده که پس از بیرون آمدن از مسجد جمکران غائب می‌شوند!

☑ اگر خداوند توفیق داد و به مسجد مقدس جمکران رفتیم از خداوند و امام زمان (عجل الله) چه بخواهیم؟ راهنمایی بفرمائید؟

ولی افسوس که همه برای برآورده شدن حاجت شخصی خود به مسجد جمکران می‌روند و نمی‌دانند که آن حضرت چه التماس دعایی از آنها دارد که برای تعجیل فرج او دعا کنند! چنان که به آن آقا فرموده بود: «این‌ها که به این جا آمده‌اند دوستان خوب ما هستند و هرکدام حاجتی دارند: خانه، زن، فرزند، مال، ادای دین! ولی هیچ کس در فکر من نیست!» آری! او هزار سال است که زندانی است لذا هرکسی که برای

حاجتی به مکان مقدس مانند مسجد جمکران می‌رود باید که اعظم حاجت نزد او واسطه فیض یعنی فرج خود آن حضرت را از خدا بخواهد.^۱

✓ این حقیر مشتاق زیارت امام عصر حضرت حجت بن الحسن العسکری (علیه السلام) هستم از حضرت تعالی تقاضا دارم که مرا دعا کنید که به این سعادت نائل شوم؟

زیاد صلوات، اهدای وجود مقدسش کنید مقرون با دعای تعجیل فرجش «اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم» و زیاد به مسجد جمکران مشرف شوید با ادای نمازهایش.^۲

✓ از شما تقاضا مندیم که در مورد این امام بزرگوار (امام زمان (عجل الله) و راههای ارتباط با ایشان برای من بنویسید؟

راههای ارتباط با خدا، طاعت خدا و طاعت امام زمان (عجل الله) است و تشخیص آن با تطبیق عمل به دفتر شرع! یعنی رساله عملیه صحیحه.^۳

✓ چگونه ارتباط خود را با اهل بیت (علیهم السلام) و مخصوصاً امام الزمان (عجل الله) تقویت کنیم؟

طاعة الله بعد معرفته، توجب حبه تعالی و حبّ من یحبّه من الأنبیاء و الأوصیاء الذین احبّهم الیه محمد و اله و اقربهم منا صاحب الأمر «عج» طاعت و فرمان برداری از خداوند بعد از شناخت او موجب

۱. همان / ۱۲۳.

۲. امام زمان در کلام آیت الله بهجت / ۷۴.

۳. همان.

محبت به او می شود و همچنین موجب محبت کسانی که خداوند آنها را دوست دارد می شود که عبارتند از انبیاء و اوصیاء که محبوب ترین آنها به خداوند حضرت محمد ﷺ می باشند و نزدیک ترین آنها به ما صاحب العصر (عجل الله) می باشد.

تا رابطه ما با ولی امر امام زمان (عجل الله) قوی نشود کار ما درست نخواهد شد. قوت رابطه ما با ولی امر (عجل الله) هم در اصلاح نفس است.^۱

☑ چرا ما باید از عترت محروم باشیم؟

چه کسی گفته است از فیوضات آنان محروم ایم؟ ما به اختیار محرومیم!

«و الإمتناع بالاختیار لا ینافی الاختیار» زیرا «هُم عَلَى إِفْضَاتِهِمُ الْحُضُورِيَّةِ بِالنَّسْبَةِ إِلَى أَهْلِهَا»! «بل بِرَجَاءِ حَيَاتِكَ حَيِّتْ قُلُوبَ شِيعَتِكَ وَ بَضِيَاءِ نُورِكَ اهْتَدَى الطَّالِبُونَ»^۲ همچنین: «لَنُورُ الْإِمَامِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ أَنْوَرُ مِنْ الشَّمْسِ الْمَضِيئَةِ بِالنَّهَارِ»!

منتها (بدست آوردن این فیوضات) دنبال کردن و طلب می خواهد در زمان غیبت هم عنایات و الطاف امام زمان (عجل الله) نسبت به محبان و شیعیان زیاد دیده شده باب لقاء و حضور بالکلیه مسدود نیست بلکه اصل رویت جسمانی را هم نمی شود انکار کرد.^۳

۲. بحار الانوار: ۳۴۲/۹۸.

۱. همان / ۵۹.

۳. امام زمان در کلام آیت الله بهجت / ۶۵.

✓ از حضرت رسول ﷺ درباره آخرالزمان و فتنه‌های آن نقل شده که فرموده‌اند: «تشخیص تکلیف در آن زمان مشکل است» پس چه باید کرد؟

اگر به دست آوردن تکلیف مشکل باشد احتیاط کردن که مشکل نیست! باید توقف کرد و احتیاط. برای ما اتمام حجت شده است به این که آنچه می‌دانیم و یقین داریم عمل کنیم و آنچه را که نمی‌دانیم و برایمان معلوم نیست احتیاط نماییم.^۱

✓ درباره مسجد مقدس جمکران اگر نظری دارید بفرمایید؟

ما معتقدیم که این مشاهد مبارک و مساجدی مانند مسجد جمکران بی نیاز از معرفی‌اند و اگر کسی بگوید: رفتیم و چیزی در آنجا نیافتیم به حسب ظاهر، باید گفت: از روی اعتقاد صحیح نرفته است یا برای امتحان رفته یا همین طوری است به هر حال بهترین معرف این مکان‌ها، خودشان هستند.

✓ مسجد کنونی (مسجد جمکران) توسعه آن مسجد اصلی است که امام (ع) معین فرموده بودند آیا فرقی هم می‌کند در همان محل یا جاهای دیگر از مسجد به نماز بایستیم؟

در محل مسجد اصلی نماز بخوانید، نقطه‌ای از مسجد اصلی است که حال و هوای دیگری دارد.^۲

حضرت آیت الله شیخ عبدالقائم شوشتری حفظه الله

در نیمه ذی الحجة سال ۱۳۶۵ ه.ق روز تولد امام دهم، حضرت علی بن محمد الهادی علیه السلام در شهر قوچان متولد می شود. سیر و سلوک ایشان از همان جا شروع شد. حدود سیزده ساله است که حس خداجوئی در او بیدار می شود با کمال تشنگی از خود می پرسد راه وصال حضرت باری تعالی جل جلاله چیست؟ در سال ۱۳۳۹ شمسی وارد حوزه علمیه می شود و در مدرسه نواب مشهد مشغول تحصیل می گردد. شیخ عبدالقائم در کنار درس و بحث حوزوی به مطالعه و تحقیق درباره ادیان و مذاهب دیگر می پردازد.

نخستین استاد اخلاقش مرحوم آیت الله شیخ مجتبی قزوینی احمدی سینائی رحمته الله بود. استاد ایشان موکداً به تخلیه و تحلیه که مقدمه تزکیه نفس است، او را راهنمایی می کند.

طی یک مقدمه با عارف مرتاض حضرت سید ابوالحسن حافظیان رحمته الله آشنا می شود و در خدمت ایشان علم اعداد و علم رمل و جفر ناقص و بعضی از ختومات را یاد می گیرد ولی پس از

چندین سال به دلائلی دفتر را پاره می‌کند و به «رودخانه ماربره شهرستان دورود» که از سرشاخه‌های سد دز است می‌ریزد و بخود می‌گوید:

یار با ماست چه حاجت که زیادت طلبیم

دولت صحبت آن مونس جان ما را بس

ادبیات عرب را نزد عارف والا مقام جناب آقای حجت هاشمی می‌خواند. ایشان او را به مسیر سلوک راهنمایی می‌کند، او اولین کسی است که شیخ عبدالقائم را با درس عشق خدا آشنا می‌کند.

با توجه به شناختی که از حوزه علمیه مشهد و قم پیدا می‌کند و حوزه قم را غنی‌تر از مشهد می‌یابد، محل تحصیل را از مشهد به قم تغییر می‌دهد. روزی به خدمت حضرت آیت الله العظمی بهجت مشرف می‌شود و به ایشان شرح حال خود را می‌گوید.

آیت الله بهجت در اولین دیدار می‌فرمایند: من فعلاً به شما کتاب‌های مفیدی را معرفی می‌کنم^۱ و ایشان به آیت الله بهجت بسیار علاقه‌مند می‌شود. همیشه سعی می‌کند پس از نماز، مصاحبت ایشان را از مسجد تا منزل از دست ندهد وقتی به درس خارج ایشان راه می‌یابد، همه روزه ده دقیقه قبل از شروع درس ایشان، در منزل معظم له حاضر می‌شود به امید استفاده‌های اخلاقی و معنوی، طی سالیان ارتباط، کراماتی هم از آیت الله

۱. آن کتابها عبارتند از: جامع السعادات ملا مهدی نراقی (رحمه الله)، تذکرة المتقین شیخ محمد بهاری (رحمه الله)، تفسیر شیخ حسن نجفی اصفهانی.

بهجت مشاهده کرده که به دوستان رازدار و حق شناس نقل کرده است. در همان ایام وصف بزرگ مردی دیگر را از دوستان می شنود و به خدمتش می رود. نام او حضرت آیت الله العظمی سید رضا بهاء الدینی رحمته الله می باشد که در حسینیه خود نماز جماعت می خواند. از خرمن علم و عرفان ایشان استفاده ها می نماید و بسیار بهره مند می شود.

در این اثنا با حضرت آقای حاج سید حسین یعقوبی قائینی آشنا می شود، که از حضور ایشان نیز سالها بهره ها می برد و در نتیجه جلسات منور ایشان به مسائلی فوق العاده دست می یابد و عملاً از کیفیت سلوک عاشقان مطلع می شود.

در همین ایام به درس منظومه و اشارات حضرت آیت الله حسن زاده آملی، این عالم عارف حاضر می شود و از ایشان هم بهره ها می گیرد.

در هر فرصتی که به مشهد مشرف می شود به خدمت حضرت آقای شیخ عبدالکریم حامد رحمته الله آن بزرگ مرد سلمان گونه می رود و در محضر ایشان نیز استفاده کافی را می برد.

اساتید قبلی هر کدام به تنهایی برای به مقصد رساندن سالک کافی بودند، ولی عطش شدید ایشان از طرفی و مواضع مختلف اساتید از طرف دیگر سبب می شود که هم چنان در جستجوی یافتن انسان کامل تفحص کند. یک روز در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام با بعضی از دوستان نشسته است و با یکدیگر درباره

موضوع استاد مشورت می‌کنند که یکی از دوستان می‌گوید:
بزرگواری در تهران هست بنام حاج محمد اسماعیل دولابی
که گاهی هم قم مشرف می‌شوند ولی هیچ آدرسی از ایشان ندارم.
آقای شوشتری همین طور که نشسته است مکاشفه‌ای برایش رخ
می‌دهد و آدرس منزل ایشان را در قم نشان می‌دهند، ضمن
اینکه خیابان و کوچه و درب منزل، حتی پلاک درب را می‌بیند،
سمعاً هم می‌شنود. به همان آدرس می‌رود و مشاهده می‌کند که
آدرس کاملاً درست است. در می‌زند و همان شخص را که در
مکاشفه دیده بود می‌بیند.

برای بعد از ظهر همان روز وقت ملاقات می‌گیرد برای اینکه
مطمئن شود که مکاشفه‌اش رحمانی بوده استخاره می‌گیرد این آیه
می‌آید.

«رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق و اجعل لی من
لدنک سلطاناً نصیراً»

در همان ایام با مرحوم علامه طباطبایی رحمته صاحب تفسیر
المیزان ارتباطش برقرار می‌شود که خود می‌گوید فقط در عظمت
حضرت استاد علامه طباطبایی می‌توانم بگویم:

یک دهن خواهم به پهنای فلک تا بگویم مدح آن والا ملک

حضرت آیت الله شوشتری در سالیان متوالی، شاگردان زیادی
را تربیت نموده، که همه آنها را علاقه‌مند و عاشق امام زمان (عجل الله)
کرده است. در این مدت آن قدر در حال و هوای امام زمان (عجل الله)

بوده و معارفی را برای مشتاقان حضرتش بیان نموده است که هر یک از اشخاصی که با ایشان آشنا شده‌اند، می‌گویند هرگاه ایشان را می‌بینیم یا نامی از ایشان می‌شنویم سریعاً به یاد حضرت حجت (عجل‌الله) می‌افتیم.

☑ لطفاً امام زمان (عجل‌الله) را در چند جمله معرفی نمایید؟

- امام زمان (عجل‌الله) اسم اعظم تکوینی خداست.
 - امام زمان (عجل‌الله) آیینه تجلیات خداست.
 - امام زمان (عجل‌الله) خلیفه و جانشین خداست.
 - امام زمان (عجل‌الله) باب الله است.
 - امام زمان (عجل‌الله) واسطه بین خدا و خلق است.
 - امام زمان (عجل‌الله) پدر مهربان شیعیان است بلکه پدر شفیق همه انسان‌هاست.
 - امام زمان (عجل‌الله) کاروان سالار قافله عشاق است.
 - امام زمان (عجل‌الله) انسان کامل است.
 - امام زمان (عجل‌الله) معلم و مکمل مومنین است.
 - امام زمان (عجل‌الله) یادگار انبیای اولوالعزم است.
 - امام زمان (عجل‌الله) مصلح جهان و منجی بشریت است.
- یک دهان خواهم به پهنای فلک

تا بگویم مدح آن والا ملک

هر چه گویم عشق را شرح و بیان

چون به عشق آیم خجل باشم از آن^۱

۱. مثنوی معنوی.

امام زمان ما، مهدی آل محمد (عجل الله)، حضرت حجت بن الحسن العسکری (عجل الله) است.

☑ وظایف یک شیعه نسبت به امام زمان (عجل الله) چیست؟

یک شیعه نسبت به امام زمان (عجل الله) وظایفی دارد. در کتاب شریف مکیال المکارم که از تالیفات عالم بزرگوار عاشق امام زمان (عجل الله) حضرت آیت الله سید محمد تقی اصفهانی است حدود هشتاد وظیفه بیان شده است که از مهمترین آنها عبارت اند از:

۱. دعا برای حضرت (عجل الله) که در توقیع شریف امام زمان (عجل الله) آمده است:

«و اکثروا الدعاء بتعجيل الفرج فان ذلك فرجکم»

بسیار برای تعجیل ظهور دعا کنید که همانا فرج خود شما در همین دعا کردن است.

دعا برای حضرت بر فرض که در تقریب ظهور اثر نداشته باشد که البته اثر دارد برای خود سازی و رفع حجاب ها و ایجاد ارتباط با حضرت بسیار موثر و سازنده است.

۲. صدقه دادن برای سلامتی حضرت و خدمت به فقرای شیعه برای خشنودی قلب مقدس امام زمان (عجل الله).

۳. ساختن زمینه انقلاب حضرت مهدی (عجل الله) و اصلاح جامعه در مسائل اخلاقی و معنوی، زیرا اجتماعی که در انتظار مصلح به سر می برد خود باید صالح باشد.

۴. استغاثه از حضرت در همه مشکلات علی الخصوص مشکلات معنوی و سلوکی.

☑ برای استغاثه و استمداد از حضرت حجت (عجل الله) چه دستوراتی را

توصیه می فرمائید؟

۱. نماز امام زمان (عجل الله).

۲. نماز استغاثه از امام زمان (عجل الله).

۳. زیارت آل یس.

۴. دعا در ایام غیبت امام زمان (عجل الله).

۵. صلوات ابوالحسن ضراب اصفهانی این صلوات هر عصر جمعه خوانده می شود.

در بین نمازهای حاجت که به عنوان استغاثه از حضرت (عجل الله) قابل استفاده هست یکی نماز امام زمان (عجل الله) است که انسان در این نماز دویست مرتبه خطاب به خداوند متعال عرض می کند: «ایاک نعبد و ایاک نستعین» ای خدا ما فقط تو را عبادت می کنیم و فقط از تو یاری می طلبیم.

و نماز دیگر نماز استغاثه از حضرت مهدی (عجل الله) است. این نماز دو رکعت است در رکعت اول حمد و سوره فتح و در رکعت دوم حمد و سوره نصر و پس از نماز دعای «سلام الله الکامل» خوانده می شود اگر این نماز و دعای بعد از آن زیر آسمان خوانده شود موثرتر است.

☑ آیا در ایام غیبت کبری امکان ملاقات امام زمان (عجل الله) وجود دارد

یا خیر؟

در این باره دو روایت از امام صادق (ع) نقل می کنیم:

خلاصه سخن این است برای امام زمان عجل الله دو غیبت خواهد بود: اولی کوتاه مدت (غیبت صغری) و دومی طولانی و دراز مدت (غیبت کبری). در غیبت صغری جای او را نمی‌دانند مگر خواص شیعه و در غیبت کبری جای او را نمی‌دانند مگر خواص اولیای او.

بنابراین اصل تشریف امکان‌پذیر ولی بسیار محدود است و اگر کسی موفق شد نباید اظهار کند.

☑ توصیه شما برای کسی که آرزو مند ملاقات امام زمان عجل الله است چیست؟

باید حداقل سه چیز را دارا باشد.

۱. تقوا و پرهیزکاری توأم با اخلاص کامل.
۲. عشق و علاقه شدید به حضرت مهدی عجل الله.
۳. مداومت به اذکار و اورادی که مشتمل بر تقاضای ملاقات باشد.

اما باید توجه داشت که با این همه در بین هزاران نفر یکی به نتیجه می‌رسد همانند بیمارانی که به نیت استشفاء، پشت پنجره فولاد حرم امام رضا علیه السلام دخیل می‌بندند ولی از هر هزار نفر یکی شفا می‌گیرد.

☑ آیا امکان ملاقات حضرت هست یا خیر؟

علامه طباطبایی در پاسخ این سوال می‌فرماید: بلی، به سه شرط تقوای کامل، عشق فراوان و مداومت به زیارت آل یس البته

آن نسخه طولانی، (که مستقلاً چاپ شده است)

☑ لطفاً چند تن از بزرگانی که تشریف خدمت امام زمان (عجل الله) داشته‌اند را نام ببرید؟ و تشریفات آنها را در کدام کتابها می‌توان مطالعه کرد؟

۱. علی بن مهزیار اهوازی. (منتهی الامال)
۲. محمد بن عیسی بحرینی. (منتهی الامال)
۳. آیت الله شیخ احمد مقدس اردبیلی. (منتهی الامال)
۴. حاج علی بغدادی (مفاتیح الجنان)
۵. حاج سید احمد رشتی. (مفاتیح الجنان) البته تشریف ایشان مکاشفه بوده است نه معاینه.
۶. اسماعیل هرقلی. (منتهی الامال)
۷. ملاقلی جولای. (غم عشق)
۸. آیت الله العظمی امام خمینی. (به نقل از آیت الله خزعلی)
۹. آیت الله العظمی نجفی مرعشی. (کتاب منتقم حقیقی)
۱۰. آیت الله العظمی سید محمد رضا گلپایگانی (شیفتگان حضرت مهدی (عجل الله)).
۱۱. سید کریم پاره دوز تهرانی. (کتاب آقا شیخ مرتضی زاهد)
۱۲. آیت الله العظمی سید مهدی بحر العلوم (کتاب شیفتگان حضرت مهدی (عجل الله)).
۱۳. حاج ابوالحسن ضراب اصفهانی. (غیبت نعمانی).
۱۴. آیت الله شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی.

۱۵. سید بن طاووس حلی. (عبقری الحسان).

☑ آیا در دوران غیبت کبری افرادی هستند که ارتباط دائم با حضرت داشته باشند؟

در کتاب سفینه البحار ذیل کلمه قطب نوشته شده است:
قطب حضرت مهدی (عجل الله) است و او یارانی دارد به نام اوتاد که آنها چهار نفرند و اینها بی واسطه با خود حضرت در ارتباط هستند و یاران طبقه دوم چهل نفرند که به وسیله اوتاد با حضرت مرتبط اند و جمع دیگری هستند به نام نجباء که با دو واسطه فوق الذکر با حضرت در ارتباط می باشند و آنها ۷۰ نفرند و جمع چهارمی هستند به نام صلحاء که با سه واسطه با حضرت مهدی (عجل الله) ارتباط دارند.^۱

این است خلاصه آنچه مرحوم شیخ عباس قمی به نقل از کتاب مصباح شیخ کفعمی در سفینه البحار نقل کرده است.

☑ لطف بفرمایید راجع به افرادی که در زمان غیبت با امام زمان (عجل الله) در ارتباط هستند توضیحاتی دهید؟

۱. این تعدادی که ذکر شد همیشه ثابت نیست و در زمانهای مختلف متفاوت است.

۲. عمرشان طبیعی است.

۳. به هیچ وجه ادعای صریح یا غیر صریح ندارند. اگر کسی ادعا کند مطمئن باشید دروغ گفته است.

۱. سفینه البحار، ج ۷ ص ۳۳۱.

۴. کار عمده این افراد امداد مضطربین در مسائل معنوی و حتی مادی است.

۵. صاحب قدرت فوق العاده هستند ولی اظهار نمی کنند.

۶. در همه اصناف و بالخصوص روحانیون حضور دارند. در جامعه ما زندگی می کنند و حتی زن و بچه هایشان هم نمی دانند.

☑ **لطفاً برای نمونه به چندتن از افرادی که با حضرت ارتباط داشته اند اشاره کنید؟**

الف) هنگام تشریف فرمایی حضرت مهدی (عجل الله) برای اولین بار به مسجد جمکران در سال ۳۹۵ هـ ق حدود چهل نفر از همین یاران و ملازمان در خدمت حضرت حضور داشتند.

ب) در قصه علی بن مهزیار نخستین بار جوانی از طرف حضرت آمد و علی بن مهزیار را به محضر حضرت (عجل الله) راهنمایی کرد. ایشان یکی از ابدال بودند.

ج) در قصه اسماعیل هرقلی غیر از حضرت (عجل الله) سه نفر ملازم رکاب حضرت بودند.

د) در قصه شیخ مفید واسطه‌ای بود که توفیق حضرت را به شیخ مفید رسانید.

ه) در قصه مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی واسطه‌ای به نام شیخ محمد کوفی عمل کرد.

فصل دوم

پاسخهای امام عصر روحی له الفداء

سعد بن عبدالله قمی اشعری گوید: روزی مرا با یکی از نواصب (لعنة الله عليه) و دشمنان سرسخت حضرت امیرالمومنین عليه السلام اتفاق صحبت و مناظره افتاد تا بحث ما به جایی رسید که به من گفت:

شما رافضیها (شیعیان)، می‌گویید اولی و دومی (ابوبکر و عمر) منافق‌اند و در این مورد به ماجرای شب عقبه استدلال می‌کنید آیا به نظر شما اسلام آن دو نفر، از روی رضا و رغبت بوده یا با اکراه و اجبار ایمان آورده‌اند؟

سعد بن عبدالله اضافه می‌کند که از پاسخ بدین سوال احتراز کرده با خود گفتم اگر بگویم آن دو با رضا و رغبت ایمان آوردند، خواهد گفت: پس نمی‌توان آنها را منافق دانست و اگر بگویم در نتیجه ترس و اجبار دین مقدس اسلام را پذیرفته‌اند در آن زمان اسلام چنین قدرتی که کسی به اکراه و اجبار به آن ایمان بیاورد نداشت.

به هر صورت در حالی که نزدیک بود قلبم از حرکت باز ایستد از وی فاصله گرفتم و متعاقباً طی نامه‌ای تعداد چهل و چند مساله را که جوابی برای آنها نداشتم و بر من مشکل شده بود، نوشته و با

خود گفتم از جناب احمد بن اسحق نماینده حضرت عسکری علیه السلام سوال خواهم کرد و پس از اینکه برای ملاقات با ایشان رفتم معلوم شد که به سوی سامرا حرکت کرده‌اند من نیز به راه افتادم و در بین راه ایشان را دیده، ماجرا را با وی در میان گذاشتم. فرمودند: با من به سامرا بیا تا این مسائل را از مولایمان حضرت عسکری علیه السلام بپرسیم. من نیز همراه ایشان به سامرا رفتم و چون به آنجا رسیدیم به خانه حضرت عسکری علیه السلام رفتیم و پس از کسب اجازه توفیق شرفیابی دست داد.

احمد بن اسحق با خود ظرفی (خورجین و مانند آن) داشت که در آن یکصد و شصت بدره طلا بود و به کسانی تعلق داشت که به ایشان داده بودند تا به امام حسن عسکری علیه السلام برساند و بر سر هر یک، مهر صاحب پول منقوش بود.

هنگامی که وارد منزل حضرت امام حسن عسکری علیه السلام شدیم جمال مبارک آن حضرت را که چون ماه شب چهارده می درخشید و پسر کوچکی که در حُسن و جمال مانند ستاره مشتری و روی زانوی حضرتش نشسته بود زیارت کردیم. بر سر مبارک آن حضرت و در جلوی ایشان یک گوی طلایی که به جواهرات قیمتی آراسته و یکی از بزرگان بصره به آن حضرت هدیه کرده بود قرار داشت. حضرت امام حسن عسکری علیه السلام قلمی در دست مبارکشان بود و بر روی کاغذ چیزی می نوشتند و گاهی که اراده می فرمودند مطلبی را بنویسند و فرزند عزیزشان قلم را از دست

پدر بزرگوار می گرفتند امام علیه السلام آن گوی را به طرفی می انداختند و چون وجود عزیز حضرت مهدی روحی له الفداء برای بازگرداندن آن گوی تشریف می بردند پدر عالیقدرشان از فرصت استفاده فرموده آنچه که می خواستند می نوشتند.

سپس احمد بن اسحق سرپوش را عقب زده کیسه ها را خدمت حضرت عسکری علیه السلام نهاد آن حضرت به فرزند دلبندها فرمودند: عزیزم! از هدایای شیعیان مهر بردار و آنها را باز کن حضرت مهدی (عجل الله) (خطاب به پدر بزرگوارشان) فرمودند: ای مولای من! آیا درست است که دست پاک ولی خدا به سوی اموال ناپاک و غیر حلال دراز شود؟ آنگاه فرمودند: ای احمد بن اسحق! آنچه در این ظرف است بیرون بیاور تا اینکه حلال و حرام را از یکدیگر جدا کنند. سپس احمد بن اسحق کیسه ای را بیرون آورد امام مهدی روحی له الفداء فرمودند: این کیسه مربوط به فلان شخص از فلان محله قم و هفتاد و دو دینار در آن است چهل و پنج دینار آن مربوط به فروش خانه است که از ارث پدر به او رسیده و چهارده دینار آن از فروش هفت دست لباس و سه دینار آن کرایه دکانها است.

در این هنگام حضرت عسکری علیه السلام فرمودند: راست می گویی فرزندم! این مرد را به آنچه در این مال حرام است راهنمایی فرما. حضرت مهدی روحی له الفداء فرمودند: در این مال دیناری هست که سکه ری بر آن نقش شده و نیمی از آن نقش از بین رفته است و سه قطعه دیگر در این کیسه وجود دارد که حرام است زیرا صاحب آنها

در فلان سال و فلان ماه در نزد نساج (بافنده‌ای) امانتی داشت و آن شخص در همسایگی او زندگی می‌کرد مدتی مدید گذشت و در نتیجه اینکه دزدی دستبرد زد آن امانت ربوده شد و با اینکه آن شخص به صاحب امانت اطلاع داد که امانتش ربوده شده است او باور نکرد و بیش از ارزش آن امانت، از او غرامت گرفت و از همان جنس پیراهنی دوخت و این پول از بهای آن پیراهن است کیسه را چون گشودند همان گونه که حضرت بقیة الله روحی له الفداء فرموده بودند عیناً همان طور بود.

سپس کیسه دیگری را بیرون آوردند و به محض اینکه چشم مبارک حضرت بقیة الله امام مهدی روحی له الفداء به آن کیسه افتاده فرمودند: در این کیسه پنجاه دینار است و شایسته نیست که دست ما به سوی آن دراز شود احمد بن اسحاق عرض کرد: چرا؟ فرمودند: زیرا این پول بهای گندمی است که میان صاحب آن و زارع مشترک بوده و در وقت تقسیم صاحب گندمها سهم خود را به طور کامل برداشته و سهم زارع را کمتر داده است.

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: ای احمد بن اسحاق! این کیسه‌ها و ظرف‌های پول را ببر و به صاحبانشان تسلیم نما و سعی کن که به صاحبانشان برسد زیرا ما نیازی به این گونه پول‌ها نداریم سپس فرمودند: پیراهن آن پیرزن را بده. احمد بن اسحاق می‌گوید: آن پیراهن را در منزل فراموش کرده بودم و در نتیجه برای آوردن آن راهی منزل شدم.

سعد بن عبدالله ادامه می دهد: سپس مولایم حضرت
عسکری (ع) نگاهی به من افکنده سوال فرمودند: برای چه به
اینجا آمده ای؟ عرض کردم: احمد بن اسحق مرا تشویق کرد تا به
زیارت مولایم نائل شوم فرمودند: مسائلی را که می خواستی
سوال کنی و بدان خاطر به اینجا آمده ای چه شد؟ عرض کردم: به
همان صورت باقی است فرمودند: از نور چشمم (حضرت مهدی
عجل الله) بپرس.

آن گاه عرض کردم: ای مولا و پسر مولای من! به طوری که
برای ما روایت شده است جد شما حضرت خاتم الانبیا (ص) در
موضوع طلاق زنان خویش را به امیرالمومنین (ع) واگذار نمودند و
در جنگ جمل امیرالمومنین (ع) طی پیامی به عایشه فرمودند: در
نتیجه خطایی که مرتب شده ای، امت اسلامی را به هلاکت و
فرزندان اسلام را به وادی جهالت و نادانی کشیده ای و اگر از این
عمل دست برداری تو را طلاق می دهم. علیهذا بفرماید معنی
طلاق که پیامبر بزرگ ما به حضرت امیرالمومنین (ع) تفویض
فرمودند چیست؟

امام عصر روحی له الفداء در پاسخ سعد بن عبدالله فرمودند:
خداوند بزرگ مقام رسول اکرم (ص) را بسیار والا و معظم قرار داده
و به منظور حفظ کیان و شخصیت آن سرور، مقام همسران آن
حضرت را نیز گرامی داشته و آنها را به مقام امهات المومنین
مفتخر ساخته است. رسول معظم اسلام به امیرالمومنین فرمودند:

یا علی! این شرف و افتخار برای همسران من تا وقتی که آنان بندگی خداوند را ترک نکرده به مخالفت با شما برنخیزند باقی است و در غیر این صورت شما آنها را طلاق بده و از مقام امهات المومنین خارج کن و این شرف و افتخار را از آنان بگیر.

سعد بن عبدالله می گوید: عرض کردم فاحشه مبینه چیست که اگر زن مرتکب آن گردد شوهرش در ایام عده می تواند او را از خانه اش بیرون کند؟

حضرت مهدی (عجل الله) فرمودند: این فاحشه زنا نیست و مساحقه است زیرا اگر زنی زنا کند حد شرعی را بر او جاری می کنند و اگر کسی بخواهد با او ازدواج کند مانع از اجرای عقد نیست در حالی که حد شرعی مساحقه، رجم (سنگباران) است و کسی که خداوند امر فرموده است او را رجم کنند گرفتار خزی (خواری) دنیا و آخرت خواهد بود و کسی نمی تواند با او ازدواج کند.

سپس عرض کردم: ای پسر رسول خدا ﷺ! از فرمایش خداوند متعال به حضرت موسی «فاخلع نعلیک...» ما را با خبر کن زیرا فقهای شیعه و سنی می گویند: نعلین حضرت موسی از پوست حیوان حرام گوشت (میته) بوده است.

امام عصر روحی له الفداء در جوابش فرمودند: کسی که این را بگوید به حضرت موسی افتراء زده او را در نبوتش جاهل دانسته است از نظر علم به احکام، زیرا از دو حال خارج نیست یا نماز خواندن حضرت موسی در آن نعلین جایز است یا خیر. در صورتی که جایز

باشد موسی می توانست آن کفش را در آن مکان نیز بپوشد. اگر چه آن بارگاه پاک و پاکیزه باشد و اگر نماز خواندن در آن برای حضرت موسی جایز نبود لازم می آید که موسی به حلال و حرام آگاهی نداشته باشد و نداند که نماز خواندن در این نعلین جایز نیست، همچنانکه جایز هم نیست و این کفر است، نسبت دادن جهل به پیامبر و اینکه حلال و حرام الهی را از هم تمیز نمی دهد کفر است.

عرض کردم: پس مولای من تاویل آیه چیست؟

حضرت بقیة الله روحی له الفداء فرمودند: موسی بن عمران که به وادی مقدس آمد عرض کرد: خدووندا! من محبتم را نسبت به تو خالص کرده (اختصاص به تو داده) و خانه دلم را از غیر تو پاک نموده ام در حالی که خاندانش را بسیار دوست می داشت لذا خداوند به او فرمود: «فاخلع نعلیک» یعنی محبت و علاقه شدید خانوادهات را از دل بیرون کن اگر محبت تو نسبت به من خالص و از میل به جز من دلت پاک است، چون (دل) جایگاه من است باید محبت اهل و عیال خود را از دل بیرون کنی.

سپس عرض کردم: از تاویل «کهیص» مرا مطلع فرمایید.

حضرت امام عصر عجل الله در جواب فرمودند: این حروف از اخبار غیبیه است که خداوند زکریا را از آن مطلع نمود سپس داستان را برای حضرت محمد صلی الله بیان فرمود و خلاصه ماجرا این است که زکریا از خداوند درخواست نمود که اسامی پنج تن را به او یاد دهد و جبرئیل فرود آمده اسامی پنجگانه را به ایشان

تعلیم نمود هر زمان که زکریا نامهای محمد، علی، فاطمه و حسن علیه السلام را می برد شاد می شد ولی آنگاه که نام مقدس امام حسین علیه السلام را می برد دلش شکسته و اشکش جاری می گشت روزی گفت: خدایا! مرا چه می شود که هرگاه نام چهار تن بالا را می برم دلم تسلی می یابد و هرگاه نام مبارک امام حسین علیه السلام را می برم اشکم جاری می شود و نفسم در سینه گره می خورد؟ خداوند از حادثه مربوط به امام حسین علیه السلام بدین گونه خبر داد که «کهیص».

امام عصر روحی له الفداء فرمودند که:

«کاف» اسم کربلا و «هائ» اشاره به شهادت و هلاکت عترت طاهره (خاندان مکرم حضرت رسالت) است «یاء» اشاره به یزید است که بر حسین علیه السلام ظلم نمود؛ «عین» اشاره به عطش و تشنگی حسین علیه السلام و یاران عزیز اوست و «ص» اشاره به صبر آن حضرت است در مقابل مصائب و شدائد.

زکریا علیه السلام چون این بشنید در مسجد خویش سه روز اعتکاف نمود از معاشرت با مردم خودداری کرد و پیوسته مشغول گریه و زاری بود و مرثیه سرایی می کرد که:

بار خدایا! آیا بهترین بندگان و مخلوقات را به مرگ فرزندش با این کیفیت مبتلا می کنی؟

بار الها! آیا این بلیه را با شهادت حسین علیه السلام بر حبیبیت خاتم

انبیاء نازل می فرمایی؟

خداوند! آیا بر علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام لباس این مصیبت را

می پوشانی؟

پروردگارا! آیا آثار این مصیبت بزرگ را در چهره علی (ع) و فاطمه (ع) ظاهر می سازی؟ آن گاه زکریا عرض کرد: خداوند! به من نیز فرزندی عنایت فرما و او را در پیری مایه روشنایی چشمم قرار ده و مرا به وسیله او امتحان فرما و در مرگ او دل مرا بسوزان چنانکه حبیب خاتم الانبیاء را به مصیبت فرزندش مبتلا می کنی. خداوند به او یحیی را مرحمت فرمود که شهیدش کردند و مدت حمل او نیز مانند امام حسین (ع) شش ماه بود.

امام «عجل الله» فرمودند: اما در مورد سوال دیگر دشمن درباره اسلام اولی و دومی که آیا از روی اختیار بود و یا به اکراه و اجبار اسلام آورده اند. چرا در جوابش نگفتی که آن دو نفر به جهت طمع ایمان آورده بودند و علت طمع آنان نیز این بود که آنها با یهودیان معاشرت داشتند و در نتیجه این معاشرت از اینکه حضرت محمد (ص) به پیامبری مبعوث خواهند شد و بر عرب استیلا پیدا می کنند با خبر شده و از تورات و کتب مقدسه ماجرای آن حضرت را شنیده بودند و به این دو نفر گفته شده بود همچنانکه بخت النصر بر بنی اسرائیل مسلط شد، حضرت محمد (ص) نیز بر عرب استیلا می یابد با این تفاوت که حضرتش دعوی پیامبر دارد. بنابراین آن گاه که موضوع رسالت حضرتش ظاهر شد این دو تن در مورد شهادت «لا اله الا الله و محمد رسول الله (ص)» با پیامبر اسلام مساعدت کردند تا شاید به مقامی دست یابند و پس از قدرش

یافتن و استقرار حضرت رسول ﷺ در حکومت شریک باشند ولی آن گاه که از دستیابی به مقامی مایوس شدند با دوستان دیگرشان در شب عقبه سعی کردند مرکب سواری حضرت رسول ﷺ را منحرف نمایند تا در دره‌ای سقوط کند و پیامبر کشته شود ولی خداوند پیامبرش را حفظ فرموده و او را از این توطئه نجات داد. و نظیر و مانند این دو نفر طلحه و زبیرند که با امیرالمومنین (ع) به طمع دستیابی به مقامی بیعت کردند و چون با توجه به عدالت امیرالمومنین (ع) مایوس شدند بیعت خود را با حضرتش شکستند و نتیجه امرشان مانند دیگر بیعت شکنان شد یعنی به ارتداد آنان از دین منجر گشت.

سعد بن عبدالله می گوید: سپس مولایم حضرت عسکری (ع) برای اقامه نماز برخاستند و حضرت قائم (عجل الله) نیز با ایشان برخاستند و من از خدمتشان مرخص شدم و به دنبال احمد بن اسحاق رفتم در راه ایشان را دیدم که به سمت من می آمد و می گریست از علت تأخیر و گریه اش سوال کردم پاسخ داد: پیراهنی را که مولایم از من خواسته بودند گم کرده ام. به ایشان گفتم: تقصیری نداری و موضوع را به مولایمان اطلاع بده. احمد بن اسحاق حضور امام (ع) مشرف شد و در حالتی که خنده بر لب داشت و بر محمد و آل طاهرین وی صلوات می فرستاد مراجعت نمود. از موضوع استفسار کردم (توضیح دادم) گفتم: مولایمان بر روی آن لباس مشغول نماز خواندن بودند.

سعد بن عبدالله می گوید: خدای را بدین جهت سپاس گفتیم و تا وقتی که در سامرا بودیم مکرر خدمت مولای عزیزمان حضرت عسکری علیه السلام شرفیاب می شدیم ولی دیگر موفق به زیارت حضرت مهدی روحی له الفداء نشدیم و چون هنگام بازگشت فرا رسید برای عرض خداحافظی و وداع شرفیاب شدیم احمد بن اسحق در پیشگاه حضرت عسکری علیه السلام ایستاده عرضه داشت: ای فرزند رسول خدا! هنگام جدایی فرا رسیده و باید از خدمت شما مرخص شویم از خداوند درخواست می کنیم که بر جدت خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله و پدرت علی مرتضی علیه السلام و مادرت سیده النساء زهرای مرضیه علیها السلام و بر آقایان اهل بهشت عموی عزیزت حضرت مجتبی علیه السلام و پدرت سید الشهداء علیه السلام و ائمه علیهم السلام پس از ایشان پدران گرامی شما و نیز بر حضرتت و فرزند عزیزت (حضرت مهدی روحی له الفداء) سلام و درود بی پایان فرستد و عظمت شما را فزونی بخشد و دشمنانت را منکوب و خوار نماید و این ملاقات را آخرین دیدار ما قرار ندهد.

سعد بن عبدالله می گوید: چون سخن احمد بن اسحق بدین جا رسید امام علیه السلام منقلب شدند و اشک از دیدگان مبارکشان روان گشت و فرمودند: احمد بن اسحق! تا می توانی در دعا کردن کوشش کن زیرا بزودی به ملاقات خداوند خواهی رفت. احمد بن اسحق با شنیدن این مطلب (یعنی خبر مرگ خویش) غش کرد و بر زمین افتاد و چون به هوش آمد عرض کرد: مولای من! شما را به

خدا قسم و به احترام جدتان (خاتم انبیاء) پارچه‌ای به من
 مرحمت فرمایید که برای خود کفن نمایم (و به آن تبرک جویم)
 حضرت دست مبارک به زیر بساط بردند و مبلغ سیزده درهم
 بیرون آورده فرمودند: این پول را بگیر و از پول دیگری مخارج
 زندگی را تأمین نما و آنچه که خواستی (کفن) داده خواهد شد و
 خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌سازد. سعد بن عبدالله
 می‌گوید: چون از حضور مبارک حضرت عسکری علیه السلام مرخص
 شدیم و به سه فرسنگی حلوان رسیدیم احمد بن اسحق دچار تب
 شدیدی شد که او را از حیات و زندگی مأیوس کرد و چون وارد
 حلوان شدیم در یکی از کاروانسراها منزل کردیم. احمد بن اسحق
 از ما خواست که او را تنها بگذاریم و ما نیز به اطاقهای خود رفتیم.
 سعد می‌گوید: نزدیک صبح که به یاد احمد بن اسحق بودم
 چون چشم باز کردم کافور، خادم حضرت عسکری علیه السلام را دیدم که
 می‌گوید: خداوند در مورد مصیبت و مرگ برادر مقرب و محبوبتان
 به همه شما پاداش نیکو مرحمت فرماید. ما از غسل و کفن کردن
 دوست شما فارغ شدیم برخیزید و او را دفن نمایید با گفتن این جمله
 کافور خادم از نظر ما پنهان شد و ما با دوستان بر جنازه مقدس احمد
 بن اسحق گرد آمده عزاداری کردیم و بدنش را به خاک سپردیم
 خداوند او را از رحمت بی نهایت خویش بهره‌مند سازد.

فصل سوم

عصر ظهور، وظایف منتظران

توقعات حضرت حجت (عجل الله) از شیعیان

چگونگی بهره‌گیری از امام غایب «عج»

عصر ظهور

دوران شکوهمند پس از ظهور حضرت مهدی (عجل الله) از دیدگاه‌های گوناگون در ضمن احادیث و روایات معصومین (علیهم السلام) به تصویر کشیده شده است.

۱. حاکمیت اسلام در سراسر گیتی؛

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

وقتی قائم قیام کند هیچ سرزمینی نمی‌ماند مگر اینکه ندای شهادت به یگانگی خدا و نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آن به گوش برسد.^۱

۲. اقامه کامل حدود الهی؛

امام کاظم (علیه السلام) در تفسیر آیه ۱۷ سوره حدید فرمود:

این که خداوند زمین را بعد از مرگش زنده می‌کند. مراد این نیست که زمین را با باران زنده می‌کند بلکه خداوند مردانی را برمی‌انگیزد که

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

زمین را با احیای عدالت و اقامه حدود الهی زنده سازند.^۱

۳. احیای معارف قرآنی؛

حضرت امام علی (ع) در ذکر دست آوردهای قیام حضرت مهدی (عجل الله) می فرمایند:

آن زمان که مردم قرآن را طبق هواهای خویش توجیه کرده باشند او رای و فکر آنان را به سمت قرآن سوق می دهد و آن را در خدمت حقایق قرآنی قرار می دهد... پس به شما نشان خواهد داد که چگونه کتاب و سنت فراموش شده و مفاهیم زنده آن را احیاء خواهد کرد.^۲

۴. نابودی ستم و برقراری عدالت؛

رسول خدا (ص) فرمود:

مهدی از فرزندان من است او را غیبتی است. هنگامی که ظهور کند زمین را از عدل و داد آکنده سازد همان طور که از ظلم و ستم پر شده است.^۳

۵. تجدید اسلام؛

امام باقر (ع) فرمود: آنچه پیامبر (ص) انجام داد او نیز انجام می دهد بنیان های پیشین را درهم می شکند چنان که رسول الله (ص) امر جاهلیت را درهم شکست و او اسلام را دوباره از سر می گیرد.

۶. کمال دانش در بین مردم؛

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۴، ملاحم.

۱. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۸۱.

۳. منابع المودة، ص ۴۴۸.

علم بیست و هفت حرف است همه معارفی که پیامبران (ع) آورده‌اند فقط دو حرف است وقتی که قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف دیگر علم را ابراز کند و آن را در بین مردم گسترش دهد.^۱

۷. رشد عقلی؛

امام باقر (ع) فرمود: وقتی قائم ما قیام کند خداوند دست بر سر بندگان نهد و عقول آنان را جمع کند و سامان بخشد و فکر و اندیشه آنان را کامل گرداند.^۲

۸. امنیت و آسایش؛

از صحف ادریس (ع) نقل شده که: در زمان خروج قائم آل محمد به زمین امنیت بخشیده می‌شود ضرر رسانیدن به هم و ترس از یکدیگر از بین می‌رود.^۳

و امیرالمومنین (ع) فرمود: در آن زمان زنی بین عراق تا شام پیاده می‌رود در حالی که هیچ کس و هیچ چیز او را نمی‌ترساند.^۴

۹. یگانگی و محبت در بین مردم؛

امیرالمومنین (ع) فرمود: اگر قائم ما قیام کند کینه و ستیزه و جدل از دل‌های بندگان برود.^۵

۱۰. تطهیر زمین از گناه؛

امام صادق (ع) در بیان حال مردم پس از ظهور حضرت مهدی (ع) می‌فرمایند: مردم در زمین به نافرمانی خدا نمی‌پردازند.^۶

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۸۳، به نقل از کافی.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۴.

۴. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۰۱.

۵. همان.

۶. منتخب الاثر، ص ۴۹۷.

وظایف منتظران

در کتاب شریف منتهی الامال تکالیفی نسبت به منتظران آن حضرت بیان می‌کند:

مهموم بودن به خاطر؛

الف: نرسیدن دست به دامان وصالش.

ب: ممنوع بودن اجرای احکام.

ج: بیرون آمدن جمعی از دزدان و افکندن شبهات مشکوک در

قلوب عوام حتی خواص.

انتظار فرج در ظهور آن حضرت.

دعا کردن برای حفظ وجود آن حضرت.

صدقه دادن برای حفظ وجود آن حضرت.

حج کردن به نیابت امام عصر (عج).

برخاستن برای عظیم شمردن در وقت شنیدن اسم مبارک آن

حضرت خصوصاً اسم مبارک قائم.

تضرع و مسئلت از خداوند به جهت حفظ ایمان و دین.

استغاثه به آن حضرت در هنگام شدائد و امراض و بلاها.

تزکیه نفس به خودسازی چرا که منتظران مصلح خود باید

صالح باشند.

اصلاح جامعه.

توقعات حضرت حجّت از شیعیان

در کتاب مکیال المکارم در معرفت امام زمان (عجل الله) مرحوم آیت الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی چهل مورد را بیان می کند که به شرح ذیل است.

۱. منتظر فرج و ظهور آن حضرت بودن.
۲. چون و چرا در امر ظهور آن جناب نکند و آنچه از حضرت می رسد صحیح و مطابق حکمت بداند و صبر در زمان غیبت.
۳. صدقه دادن بقصد سلامتی آن جناب.
۴. غمگین بودن و گریه کردن به جهت مفائقت و دوری آن حضرت.
۵. شناختن صات و عزم بر یاری آن جناب در هر حال داشتن.
۶. برخواستن به جهت احترام نام آن بزرگوار خصوص اسم قائم (عجل الله).

۷. اگر بتواند قربانی کند به نیابت آن حضرت.

۸. در حاجات مهم به آن حضرت متوسل شدن.

۹. ذکر نمودن فضائل و کمالات آن حضرت.

۱۰. دعوت مردم بسوی معرفت آن حضرت و خدمت به آن

بزرگوار.

۱۱. هدیه نمودن اعمال صالحه خود به حضرت مانند قرائت قرآن.
۱۲. زیارت نمودن و سلام کردن به آن حضرت (عجل الله) در هر مکان.
۱۳. دعا کردن به وجود مبارک آن بزرگوار و طلب فتح و نصرت و ظهور آن حضرت از خدا.
۱۴. سرودن و خواندن شعر در ذکر فضائل و مناقب آن حضرت.
۱۵. دعا به جهت حفظ ایمان و دین در مقابل شبهات شیاطین.
۱۶. رفع کردن شبهات در دین توسط علماء.
۱۷. اهتمام در ادای حقوق برادران دینی.
۱۸. حفظ زبان به غیر از یاد خدا.
۱۹. اقتدا کردن و تاسی جستن به اخلاق و اعمال آن حضرت.
۲۰. موفق شدن بر توبه واقعی و بازگرداندن حقوق به صاحبان آنها.
۲۱. ناشناس ماندن و پرهیز از مشهور شدن.
۲۲. عدم شرکت در مجالسی که نام آن حضرت (عجل الله) را مسخره می کنند.
۲۳. خوشحال کردن مؤمنین.
۲۴. حج رفتن طواف کعبه به نیابت از آن حضرت (عجل الله) و نایب

فرستادن از طرف حضرت به حج.

۲۵. زیارت مشاهد رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام به نیابت آن حضرت.

۲۶. سعی در خدمت کردن و یاری آن حضرت.

۲۷. تجدید بیعت با آن حضرت در هر روز خصوصاً هر جمعه.

۲۸. دیدار مومنین صالح و شیعیان مخلص آن حضرت.

۲۹. محبت امام عصر عجل الله به طور خاص.

۳۰. اظهار اشتیاق به دیدار آن حضرت.

۳۱. تشکیل مجالس فضائل و مناقب آن حضرت.

۳۲. دعا جهت این که ما از یاران حضرت می باشیم.

۳۳. رعایت حقوق آن حضرت.

۳۴. نفرین به دشمنان آن حضرت.

۳۵. توبه حقیقی از گناهان و تهذیب نفس کردن و اهتمام نمودن

بر تحصیل صفات حمیده و اخلاق پسندیده.

۳۶. تقیه کردن از اشرار.

۳۷. صبر کردن بر اذیت و تکذیب.

۳۸. دعا برای جلوگیری از فراموشی یاد آن حضرت.

۳۹. صلوات فرستادن بر آن حضرت صلوات مأثوره.

۴۰. طلب معرفت آن حضرت از خداوند متعال که دعای «اللهم

عرفنی نفسک» می باشد.

چگونگی بهره‌گیری از امام غائب عجل الله

از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: آیا شیعیان در زمان غیبت از وجود حضرت مهدی عجل الله نفع می‌برند؟ حضرت فرمودند: از ایشان نفع می‌برند اگر چه ابر آن را پوشانده باشد. (مانند آفتابی که پشت ابر است)

در این تشبیه نکات زیر قابل طرح است:

نور وجودی و علم و هدایت توسط آن حضرت به خلائق می‌رسد همان طور که نور و روشنایی خورشید به مردم می‌رسد. وقتی که آفتاب پشت ابر قرار گرفت اگر چه مردم از نورش استفاده می‌کنند اما لحظه به لحظه منتظر نمایان شدن و ظاهر شدنش هستند که حضرت مهدی عجل الله نیز همین طور است.

منکر وجودش مانند کسی است که آفتاب پشت ابر را انکار کند. گاهی می‌شود که پنهان شدن آفتاب پشت ابر برای مردم اصلح و انفع باشد مثل غیبت حضرت در این زمان.

نگاه کردن به آفتاب بدون واسطه (مثل ابر) و به صورت آشکار ممکن نیست و چه بسا به سبب نگاه کردن مستقیم انسان کور شود.

همچنین آفتاب ذات مقدس آن حضرت باعث می‌شود که ظهورش بدیده دل‌های بندگان ضرر برساند همان طور که گروه‌های زیادی از شیعیان در دوران ائمه پیش (مانند حضرت امیر علیه السلام)

پراکنده شدند. آفتاب گاهی از پشت ابر خارج می شود، ولی همه آن را نمی توانند ببینند همچنین ممکن است آن حضرت در ایام غیبت برای بعضی ظاهر شود و دیگران نبینند.

ائمه علیهم السلام نفعشان برای تمام مردم عمومیت دارد مانند آفتاب، مثل افرادی از دیگر ادیان که خدمت امام رضا علیه السلام می روند و شفا می گیرند.

تابیدن آفتاب قدر روزنه های هر خانه است و انوار هدایت حضرت مهدی عجل الله به قدر رفع موانع از هوس ها و شهوات و علایق دنیوی و دفع حجاب ها است.

فصل چهارم

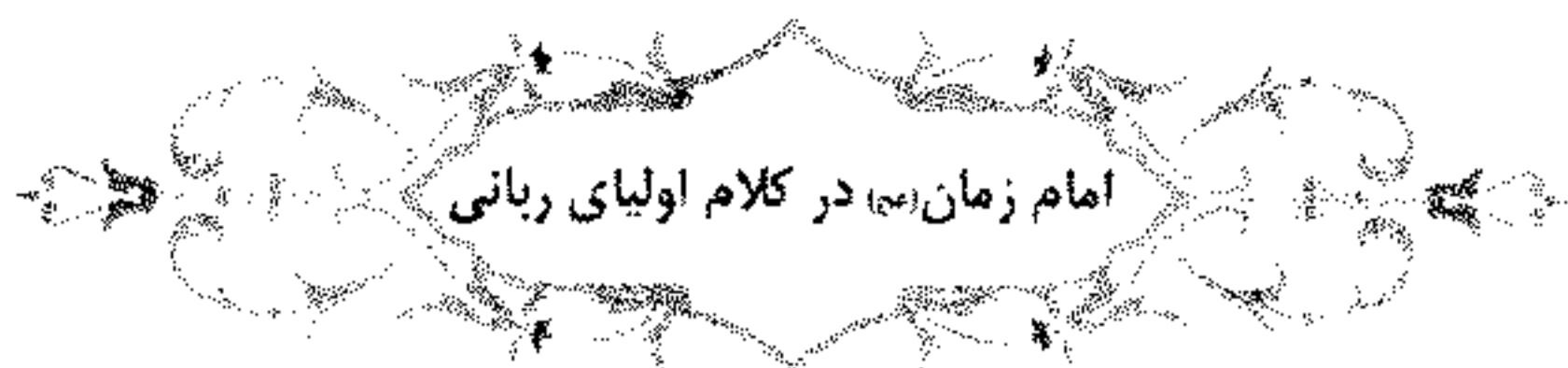
تشرفات

تشریف در مسجد سهله

حضرت آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی رحمته الله یکی از مراجع بزرگوار و مشهور جهان اسلام، که در سال ۱۳۶۹ شمسی در شهر مقدس قم در جوار کریمه اهل بیت حضرت معصومه علیها السلام رحلت کرد و در کتابخانه‌ای که خود آن جناب تاسیس نمودند که از میراث‌های گرانقدر شیعه و اسلام است مدفون می‌باشند.

ایشان می‌فرمایند: در ایام تحصیل علوم دینی و فقه اهل بیت علیهم السلام در نجف اشرف شوق زیاد جهت دیدار جمال مولایمان بقیة الله الاعظم عجل الله را داشتم با خود عهد کردم که چهل شب چهارشنبه به مسجد سهله بروم به این نیت که جمال آقا صاحب الزمان عجل الله را زیارت کنم و به این فوز بزرگ نائل شوم.

تا ۳۵ یا ۳۶ شب چهارشنبه ادامه دادم تصادفاً در این شب رفتیم از نجف تاخیر افتاد و هوا ابری و بارانی بود نزدیک مسجد سهله خندقی بود هنگامی که به آنجا رسیدم بر اثر تاریکی شب وحشت و ترسی وجود مرا فرا گرفت مخصوصاً از زیادی قطاع



الطریق و دزدها. ناگهان صدای پایی را از دنبال سر شنیدم که بیشتر موجب ترس و وحشتم گردید.

برگشتم به عقب سید عربی را با لباس اهل بادیه دیدم نزدیک من آمد و با زبان فصیح گفت: ای سید! سلام علیکم.

ترس و وحشت به کلی از وجودم رفت و اطمینان و سکون نفس پیدا کردم و تعجب آور بود که چگونه این شخص در تاریکی شدید متوجه سیادت من شد و در آن حال من از این مطلب غافل بودم.

به هر حال سخن می‌گفتم و می‌رفتیم از من سوال کرد: کجا قصد داری؟

گفتم: مسجد سهله.

فرمودند: به چه جهت؟

گفتم: به قصد تشریف زیارت حضرت ولی عصر (عجل الله).

مقداری که رفتیم به مسجد زید بن صوحان که مسجد کوچکی نزدیک مسجد سهله است رسیدیم داخل مسجد شده و نماز خواندیم و بعد از دعایی که سید خواند که کأن با او دیوار و سنگها آن دعا را می‌خواندند احساس انقلابی عجیب در خود نمودم که از وصف آن عاجزم.

بعد از دعا سید فرمود: سید تو گرسنه‌ای چه خوب است شام بخوری.

پس سفره‌ای را که زیر عبا داشت بیرون آورده و سه قرص نان و دو یا سه خیار سبز تازه که کأن تازه از باغ چیده بود در آن سفره



داشت و آن وقت چله زمستان و سرمای زنده‌ای بود و من متوجه این مطالب نبودم که این آقا این خیار تازه سبز را در این فصل زمستان از کجا آورده؟

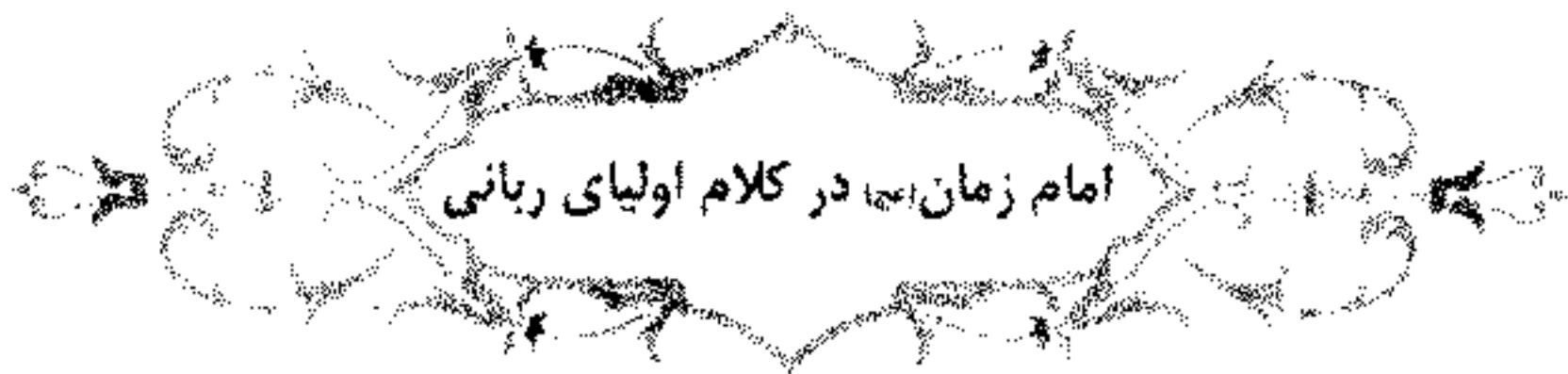
طبق دستور آقا شام خوردم سپس فرمود: «بلند شو تا به مسجد سهله برویم». داخل مسجد شدیم و آقا مشغول اعمال وارده در مقامات شد و من هم با تبعیت از آن حضرت انجام وظیفه می‌کردم و بدون اختیار نماز مغرب و عشاء را به آقا اقتداء کردم و متوجه نبودم که این آقا کیست. بعد از آنکه اعمال تمام شد آن بزرگوار فرمود: ای سید! آیا مثل دیگران بعد از اعمال مسجد سهله به مسجد کوفه می‌روی یا همین جا می‌مانی؟
گفتم: می‌مانم.

در وسط مسجد در مقام امام صادق علیه السلام نشستیم به سید گفتم: آیا چای یا قهوه یا دخنایات میل داری آماده کنم؟
در جواب، کلام جامعی را فرمودند: «این امور از فضول زندگی است و ما از این فضولات دوریم».

این کلام در اعماق وجودم اثر گذاشت به نحوی که هرگاه یادم می‌آید ارکان وجودم می‌لرزد. به هر حال مجلس نزدیک دو ساعت طول کشید و در این مدت مطالبی رد و بدل شد که به بعضی از آنها اشاره می‌کنم.

۱. در رابطه با استخاره سخن به میان آمد سید عرب فرمود: ای

سید! با تسبیح به چه نحو استخاره می‌کنی؟



گفتم: سه مرتبه صلوات می فرستم و سه مرتبه می گویم:

«أَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ خَيْرَةً فِي عَافِيَةٍ.»

سپس قبضه‌ای از تسبیح را گرفته و می شمارم اگر دو تا ماند بد است و اگر یکی ماند خوب است.

فرمود: برای این استخاره باقیمانده‌ای است که به شما نرسیده و آن این است که هر گاه یکی باقی ماند فوراً حکم به خوبی استخاره نکنید. بلکه توقف کنید و دوباره بر ترک عمل، استخاره کنید. اگر زوج آمد کشف می شود که استخاره اول خوب است، اما اگر یکی آمد کشف می شود که استخاره اول میانه است.

به حسب قواعد علمی می بایست دلیل بخواهم تا آقا جواب دهد به جای دقیق و باریکی رسیدیم ولی به مجرد این مطلب تسلیم و منقاد شدم و در عین حال متوجه نبودم که این آفاکیست.

۲. از جمله مطالب در این جلسه تاکید عرب بر تلاوت و قرائت این سوره‌ها بعد از نمازهای واجب بود.

بعد از نماز صبح سوره یس، بعد از نماز ظهر سوره نباء، بعد از نماز عصر سوره نوح، بعد از نماز مغرب سوره واقعه و بعد از نماز عشاء سوره ملک.

۳. دیگر اینکه فرمودند: دو رکعت نماز بین مغرب و عشاء که در رکعت اول بعد از حمد هر سوره‌ای خواستی می خوانی و در رکعت دوم بعد از حمد سوره واقعه را می خوانی و فرمودند:

کفایت می کند این از خواندن سوره واقعه بعد از نماز مغرب



چنانچه گذشت.

۴. تاکید فرمود که بعد از نمازهای پنجگانه این دعا را بخوان:

«اللَّهُمَّ سَرِّخْنِي عَنِ الْهُمُومِ وَالْغُمُومِ وَوَحْشَةِ الصَّدْرِ وَشَوَسَةِ الشَّيْطَانِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

۵. تاکید فرمودند بر خواندن این دعا بعد از ذکر رکوع در نمازهای یومیه خصوصاً رکعت آخر.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ عَلَى عَجِزِنَا وَاغْنِنَا بِحَقِّهِمْ».

۶. در تعریف و تمجید از کتاب شرایع الاسلام مرحوم محقق حلی فرمود: تمام آن مطابق با واقع است مگر کمی از مسائل آن.

۷. تاکید بر خواندن قرآن و هدیه کردن ثواب آن برای شیعیان که وارثی ندارند یا دارند ولی یادی از آنها نمی‌کنند.

۸. تحت الحنک را از زیر حنک دور دادن و سر آن را در عمامه قرار دادند چنانچه علمای عرب به همین نحو عمل می‌کنند و فرمود: در شرع این چنین رسیده است.

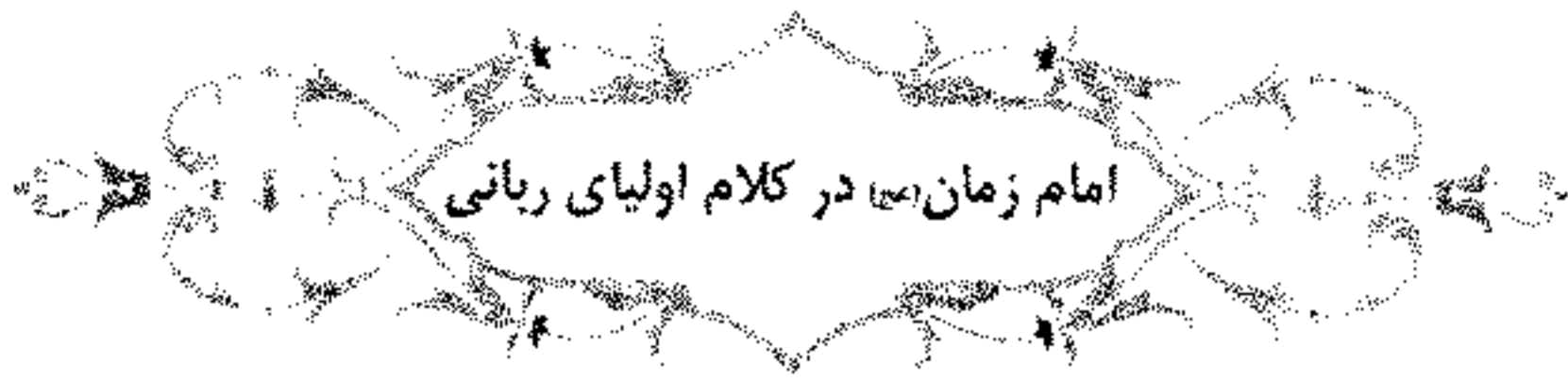
۹. تاکید بر زیارت سید الشهداء (ع) فرمود.

۱۰. دعا در حق من کردند و فرمودند: خداوند تو را از خدمتگذاران به شرع قرار دهد.

۱۱. پرسیدم: نمی‌دانم آیا عاقبت کارم خیر است و آیا من نزد صاحب شرع مقدس رو سفیدم؟

فرمود: عاقبت تو خیر و سعیت مشکور و رو سفیدی.

گفتم: نمی‌دانم آیا پدر و مادر و اساتید و ذوی الحقوق از من



راضی هستند یا نه؟

فرمود: تمام آنها از تو راضی اند و درباره تو دعا می کنند.
استدعای دعا کردم برای خودم که موفق باشم برای تألیف و
تصنیف. دعا فرمود.

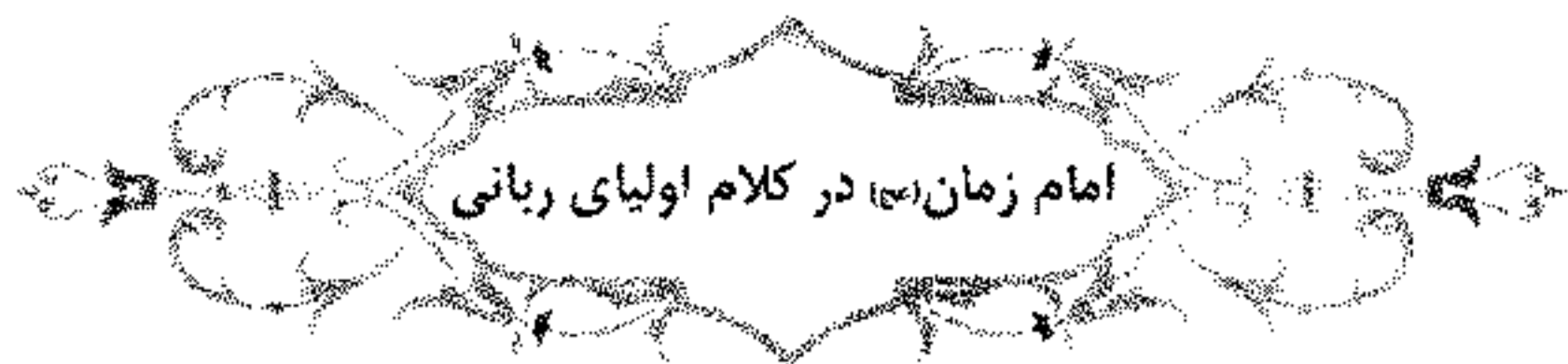
در این جا مطالب دیگری است که مجال تفصیل و بیان آن نیست.
پس خواستم از مسجد بیرون روم به خاطر حاجتی آمدم نزد
حوض که در وسط راه، قبل از خارج شدن از مسجد قرار دارد، به
ذهنم رسید چه شبی بود و این سید عرب کیست که این همه با
فضیلت است؟

شاید همان مقصود و معشوقم باشد تا به ذهنم این معنی
خطور کرد مضطرب برگشتم و آن آقا را ندیدم و کسی هم در
مسجد نبود.

یقین کردم که آقا را زیارت کردم و غافل بودم مشغول گریه شدم
و همچون دیوانه اطراف مسجد گردش می کردم تا صبح شد چون
عاشقی که بعد از وصال مبتلاء به هجران شود. این بود خلاصه ای
از جریان که هر وقت آن شب یادم می آید بهت زده می شوم.

تشریح آیت الله بهاء الدینی علیه السلام

آیت الله ری شهری در کلاس اخلاقی که شبهای چهارشنبه در مسجد
اعظم داشت به مناسبتی فرمود: به همراه آیت الله مشکینی خدمت
حضرت آیت الله بهاء الدینی رسیدیم از ایشان سوال کردیم آیا به
خدمت حضرت مشرف شده اید؟



فرمود: بعد از شصت سال در همین اطاق.

همچنین در کتاب سلوک معنوی ص ۱۸۸ آمده است: ایشان اوایل مایل نبودند کسی دستشان را ببوسد بعداً اجازه دادند ما علت آن را سوال کردیم. فرمود: من خم شدم دست آقا را ببوسم آقا امام زمان (عجل الله) فرمود: چرا نمی گذاری خلق الله دستت را ببوسند.

همچنین در کتاب آیت بصیرت ص ۱۰۷ آمده است: سالهای بسیاری در قنوت نماز حضرت آیت الله بهاء الدینی آیات نورانی قرآن کریم و دعاهای مرسوم را می شنیدیم تا این که ناگهان متوجه شدیم نوع کلمات و عبارات ایشان تغییر یافته است. وقتی دستان خود را مقابل صورت می گرفتند برای حضرت مهدی (عجل الله) دعا می کردند.

«اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن صلواتک علیه و علی آبائه فی هذه الساعه و فی کل ساعه ولیاً و حافظاً و قاعداً و ناصرأ و دلیلاً و عیناً حتی تسکنه ارضک طوعاً و تمتعه فیها طویلاً»؛ روزی که در محضر آقا بودیم و فرصت مناسبی فراهم بود که از تغییر رویه ایشان در این باره پرسیدیم معظم له به یک جمله بسنده کردند: «حضرت پیغام دادند در قنوت به من دعا کنید».

ملاقات با یکی از رجال الغیب

در دیداری که مولف محترم حجة الاسلام والمسلمین علی آبادی با آیت الله عبدالقائم شوشتری در شاهین شهر اصفهان داشته است، مطالبی را که آیه الله شوشتری بیان فرموده در کتاب پرهای صداقت از زبان ایشان این

چنین آورده است:

استاد ارجمند حضرت آیه الله شوشتری فرمودند: سه روز قبل از واقعه قتل عام حجاج در سال ۶۶ در مکه به دیدن برادرم حاج صادق که اولین بارش بود به مکه مشرف می شد رفتم. در ملاقات با او، هر چه پول داشتم، به ایشان دادم و برگشتم. در بین راه، در مسیر هتل که در شارع (خیابان) عزیزیه بود، به طرف بعثه حضرت امام (ع) می رفتم؛ با شخصی بدون عبا و قد بلند برخورد کردم که چهره‌ای گندم‌گون، قبایی سفید و بلند و پیراهن دکمه دار داشت سلام کردند و من هم جواب دادم. با من مصافحه کردند و فرمودند:

«انا احبک و احب کل من یحب الله»؛ من تو را دوست می دارم،

دوستدار هر کس که دوستدار خدا باشد.

بعد فرمودند: «پولی بده؛ می خواهم آب بخرم.»

من که پولم را داده بودم و فقط ۳۵ ریال سعودی برای قربانی گذاشته بودم عمامه‌اش را بوسیدم و گفتم: «همین مسیر را تا کنار آن پرچم بروی، آب سرد کن هست.»

فرمودند: «خیلی خوب! پول بده غذا بخرم.»

گفتم: «بعد از نماز نهار هم می دهند.»

فرمودند: «خب، پول بده قمیس (دشداشه عربی) بخرم.»

چاره و جوابی نداشتم و ضمناً، تعجب کردم که با این لباس قیمتی، نیازی به لباس ندارد؛ از این رو، ۱۵ ریال به او دادم.

بلافاصله فرمودند: «احسنت! احسنت! من می خواستم شما را

امتحان کنم.»

آن گاه گفت: «دنیا خاک است. آیا آدم عاقل دل به دنیا

می دهد؟»

سپس فرمودند: «از آن خاکها یک مشت به من بده.» من دادم

و پس از این که دست خود را بست به من گفت: «به این خاکها

بگو طرباذن الله.»

من تأمل کردم، زیرا فکر کردم او مجنون است.

کنار سایه رفتیم اسم شریف شان را پرسیدم فرمودند: «صالح.»

گفتم: «اهل کجایید؟» فرمودند: «چرا این قدر سؤال می پرسی؟»

و خودش مشغول ذکر شد.

نشستند لب جدول و سنگی را به اندازه بادام دادند که بخورم.

سنگ را در دهان گذاشتم و آرام فشار دادم، خورد شد و شیرینیش

مثل راحت الحلقوم بود. و گفت: «من می خواهم خروفی

(گوسفند) بکشم و دوست دارم پول مرا شما بدهید!» گفتم:

«باشد.» نصف پولها در جیب داخل و نصفی در جیب بیرون بود.

نصف را دادم و نصف را پنهان داشتم، بلافاصله گفت: «آن مقدار را

هم که پنهان داشته ای بده.» با خودم گفتم: «خودم به جای قربانی

روزه می گیرم.» پولهایم را که گرفت، گفت: «از ته دل راضی

هستی؟» گفتم: «بله»

گفت: «احسنت! این دفعه می خواستم دل شما را امتحان کنم.

من احتیاج به پول ندارم.» پولها را به من برگرداند و من با خودم

اندیشیدیم نکند این شخص خود صاحب الزمان باشد وقتی به او نگاه کردم، دلم شهادت داد که شخص برجسته‌ای است. بلند شدند که تشریف ببرند، بنده عرض کردم: «من باز دلم می‌خواهد شما را ببینم.» بعد مطالبی رد و بدل شد و فرمودند: «كُلُّ شَيْءٍ بِسَبَبٍ، رُوحٌ مُسْتَقِيمًا وَلَا تَلْتَفِتْ إِلَىٰ خَلْفِكَ»^۱ من گفتم: «آقا جان! من تازه دارم آرام می‌شوم.»

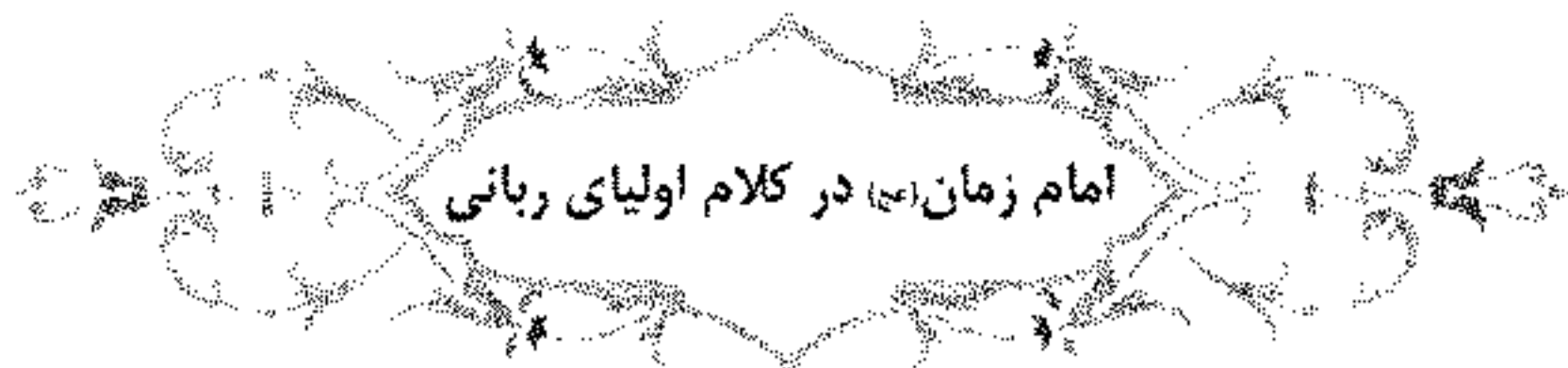
ابتدا اطاعت کردم و رفتم و بعد پشیمان شدم. مسیری را که رفتم برگشتم دیدم در خیابان کناری آهسته راه می‌روند. فرمودند: «إِنَّمَا فَعَلْتُهُ بِأَمْرٍ»؛ این کار را به جهت امری انجام دادم. وقتی به او رسیدم، برگشتند و فرمودند: «چرا اطاعت نکردی؟» گفتم: «من نمی‌خواهم شما را اذیت کنم؛ شما را دوست دارم.» فرمودند: «رُوحٌ مُسْتَقِيمًا أَنَا مَعَكَ دَائِمًا»؛ مستقیم برو که من همیشه با توأم.^۲

یک روز که خدمت مرحوم آیه الله سید محمد رضا گلپایگانی رحمته الله علیه که مرید ایشان بودم و هستم رسیدم، فرمودند: «امسال خبری از حضرت داری؟» قضیه را عرض کردم؛ ایشان معتقد بودند آن فرد خود حضرت بوده‌اند.

حضرت آیه الله بهجت فرمودند: «دلیل نداریم که حضرت نباشد.» یکی دیگر از بزرگان فرمودند: «پسر حضرت بوده! معتقدم از رجال الغیب بوده‌اند.»

۱. هر چیزی با سببی ایجاد می‌شود، مستقیم برو و به پشت سر هم نگاه نکن.

۲. به قول علامه طباطبائی: «او که می‌رفت مرا هم به دل دریا بُرد.»



آیه الله صافی گلپایگانی فرمودند: «این قصه را بنویسید و به من

بدهید.»

امام زمان «عجل الله» و بردن نام حاج آقا فخر تهرانی 

عارف روشن ضمیر حضرت آیت الله بهاء الدینی رحمته الله در مجلسی مکه داشتند نام چندین نفر برده می شود که یکی از آنان حاج آقا فخر تهرانی بوده است. حاضرین تعجب کردند که ایشان در قم تشریف داشته اند اما از جلسه حضرت مهدی عجل الله در مکه خبر دارد!

رو به آقا کرده و گفتم: اجازه می دهید این مطلب را به حاج آقا فخر عرض کنم؟ فرمود: مانعی ندارد وقتی سخن ایشان را به حاج آقا فخر گفتم شروع به گریه کرد از ایشان پیرامون این توفیق بزرگ سوال کردم. فرمود: نمی دانم ولی شاید بخاطر خدمتی است که به مادرم کرده ام. زیرا ایشان به خاطر کسالتی که داشت مدتی بستری گردید و خانه نشین شد از این رو تمام کارهایم را تعطیل کرده و مشغول خدمتگزاری به او شدم شاید این عمل ناچیز قبول شده است به ویژه که ایشان علویه بود و از سادات محسوب می شد.^۱

بی مهر رخت روز مرا نور نماندست

وز عمر مرا جز شب دیجور نماندست

هنگام وداع تو زبس گریه بکردم

دور از رخ تو چشم مرا نور نماندست

۱. آیت بصیرت، چاپ دوم، ص ۱۰۵.

تشریف سید عبدالکریم کفاش رحمته الله

حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ حسین گنجی در سفری که به دورود لرستان تشریف آوردند فرمود: مرحوم سید عبدالکریم کفاش هفته‌ای یک بار به محضر آن حضرت مشرف می‌شد او در جوار حضرت عبدالعظیم حسنی می‌زیست. حضرت مهدی (عجل الله) از او می‌پرسد اگر ما را نبینی چه خواهی کرد؟

می‌گوید: می‌میرم حضرت می‌فرماید اگر چنین نبودی ما را نمی‌دید. وقتی از او علت باز شدن راه ملاقات را پرسیدند فرمود: یک شب جدم پیامبر ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله را در عالم رویا دیدم از ایشان تقاضای ملاقات با حضرت را نمودم.

فرمودند: در شبانه روز دو مرتبه برای فرزندم حسین، سید الشهداء علیه السلام گریه کن. از خواب بیدار شدم و این برنامه را به مدت یکسال اجرا نمودم لذا به تشریف خدمت آن حضرت نایل آمدم. موافق با این مطلب حضرت صاحب الزمان (عجل الله) در زیارت ناحیه مقدسه می‌فرمایند: «فلئن اخرتنی الدهور و عاقنی عن نصرک المقذور و لم اکن لمن حاریک محارباً و لمن نصب لک العداوة مناصباً فلا ندینک صباحاً و مساءً و لا ینکین لک بدل الدموع دماً...»

پس اگر روزگاران مرا به تاخیر انداختند و تقدیر الهی مرا از یاری تو باز داشت و نبودم تا با آنانکه با تو جنگیدند بجنگم و با آنانکه به دشمنی تو برخاستند به دشمنی برخیزیم (در عوض) هر

صبح و شام بر تو ندبه و زاری می‌کنم و بر تو به جای اشک خون گریه می‌نمایم.

سالک ربانی آیت الله حاج شیخ محمد تقی بهلول رحمته الله

از جناب ایشان پرسیده شد چه موقع می‌شود خدمت حضرت رسید؟ در جواب فرمود: هر وقت با تقوا شدید. و در جلسه دیگری فرمود: دیدار امام زمان (عجل الله) آن قدر مهم نیست که دیدن حضرت مهم است. یعنی مهم این است که حضرت ما را ببیند. خیلی‌ها علی علیه السلام را دیدند ولی حضرت آنها را ندید و نتیجه‌اش معلوم شد. قریب به همین مضامین را نیز از حکیم متاله حضرت آیت الله جوادی آملی شنیده شده است.

عارف ربانی حاج شیخ رجبعلی خیاط رحمته الله

جهت تشرف به محضر حضرت ولی عصر (عجل الله) چه توصیه‌ای می‌فرمایید؟

شبی یکصد بار آیه کریمه «رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق واجعل لی من لدنک سلطاناً نصیراً» در چهل شب قرائت شود.

یکی از کسانی که این سفارش را دریافت کرده و بر آن مداومت نموده است پس از چهل روز نزد شیخ می‌آید و می‌گوید موفق به

زیارت حضرت نشده است.

شیخ می فرماید: هنگامی که در مسجد نماز می خواندید آقای سیدی به شما فرمود: انگشتر در دست چپ کراحت دارد و شما عرض کردی: کل مکروه جائز. ایشان، امام زمان (عجل الله) بودند.

عالم بزرگوار شیخ محمد کوفی (رحمته الله)

حضرت آیت الله ناصری دولت آبادی می فرمود: در ایام نوجوانی در مسجد سهله از نزدیک مرحوم شیخ محمد کوفی را در حالی که تقریباً اواخر عمرشان بود زیارت کردم جلو رفته و از ایشان خواستم که بفرمائید چکار کنیم که خدمت امام زمان (عجل الله) برسیم؟
معظم له فرمود: با تقوا باشید، با تقوا باشید.

پاسخ آیه الله کوهستانی (رحمته الله)

اگر بنخواهیم به محضر حضرت ولی عصر (عجل الله) برسیم چه کنیم؟
عالم ربانی حضرت آیت الله کوهستانی (رحمته الله) می فرماید: اگر می خواهی به محضر حضرت ولی عصر (عجل الله) برسی از آزار مردم بالآخر اولیاء خدا و مراجع تقلید و افرادی که پناهی جز خدا ندارند به خصوص به وسیله غیبت و تهمت پرهیز و در مجالسی که این گناهان انجام می شود، ننشین.^۱

۱. پرواز روح، ص ۱۹۲، چاپ سی و یکم.

عارف کامل آیت الله کشمیری رحمته

از مرحوم عارف کامل آیت الله کشمیری پرسیده شد چه موقع می شود خدمت حضرت رسید؟

آن مرحوم هم فرمود: هر وقت متقی شدید.

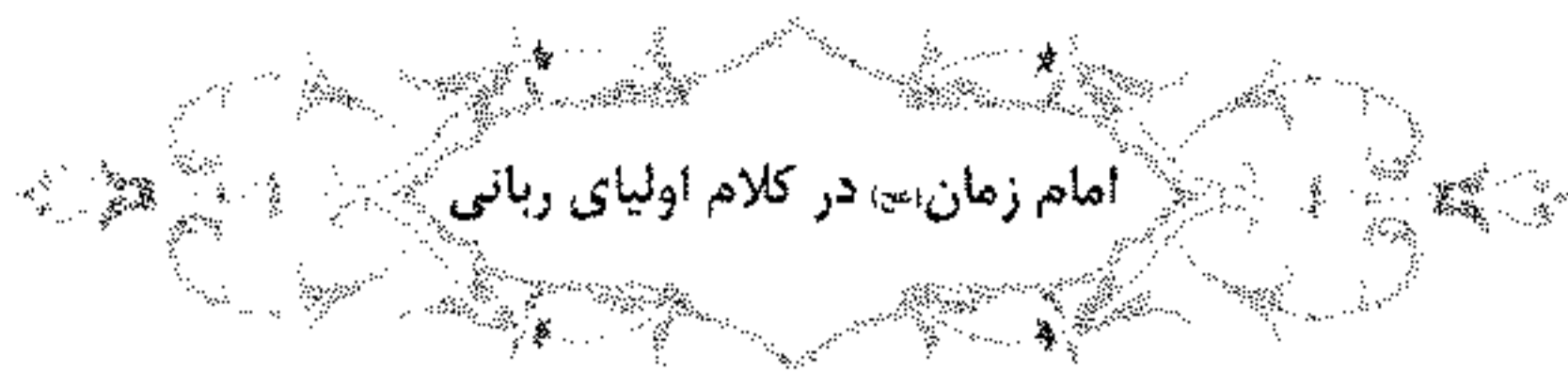
پاسخ علامه میر جهانی رحمته

شرط دیدار و تشریف به حضور حضرت چیست؟

شرط دیدار و تشریف به حضور آن بزرگوار، عالم بودن نیست. چه بسا اصلاً سواد ندارد، اما خصوصیتی در وجود او هست که لیاقت دیدار امام را پیدا کرده است لیاقت تشریف به داشتن سواد و مانند آن نیست. اصل مطلب طهارت و پاکیزگی نفس است بسیاری از اشخاص چه در گذشته و چه در زمان حال حضرت عجل الله را دیده اند بعضی مولایشان را شناخته اند و بعضی ایشان را نشناخته اند و بعد از غایب شدن ملتفت شده اند.

تشریف در کربلا معلی

مرحوم حاج شیخ عبدالزهراء کعبی که از علما و خطبای بنام کربلا بودند هر سال در روز عاشورا بر تل زینبیه می نشستند و مقتل امام حسین علیه السلام را از حفظ می خواندند و با سوز و گداز و صدای دلنشین وقایع کربلا را بیان می فرمودند که دل هر شنونده ای را



منقلب می‌کرد و چشمها را اشک آلود می‌نمود، خود آن جناب نقل می‌کند:

یک روز صبح کنار حرم سید الشهداء علیه السلام کتابفروشی را دیدم که تعدادی کتاب نزدیک در حرم گذاشته و می‌فروشد نزدیک رفتم و کتابها را نگاه می‌کردم. دیدم کتابی را که مدتهاست به آن نیاز داشتم و پیدا نمی‌کردم لابلای کتابها است کتاب را برداشتم و قیمت آن را پرسیدم.

گفت: حاج عبدالزهراء این کتاب را به شما می‌دهم به شرط اینکه این قصیده (کاغذی که در آن قصیده‌ای نوشته شده بود) را برایم بخوانی.

کاغذ را گرفتم دیدم قصیده ابن عرندس شاعر معروف اهل بیت علیهم السلام است.

گفتم: مانعی ندارد می‌خوانم.

گفت: همین الان می‌خوانی؟

گفتم: بله الان وقت دارم و می‌خوانم.

آن مرد کتابهایش را جمع کرد و همراه من داخل صحن مطهر امام حسین علیه السلام شد.

وسط صحن روبروی ایوان طلا نشستم و شروع کردم به خواندن قصیده ابن عرندس به همان سبکی که در منبرها می‌خواندم.

هنوز چند سطری نخوانده بودم که دیدم سیدی جلیل القدر و با عظمت و هیبت ملبس به لباس اهل علم کنار ما نشست و به خواندن من گوش می‌داد و اشک می‌ریخت.

ما از گریه و ضجه او منقلب شدیم و بی اختیار اشک می ریختیم با حضور آن سید مجلس ما معنویت و روحانیت خاصی پیدا کرد و هرگاه یادم می آید منقلب می شوم تا آخر قصیده که صد بیت می شود نشستند و گوش دادند و اشک ریختند تا قصیده را تمام کردم. قبل از اینکه از جایش بلند شود متوجه حضرتش شدم تا آمدم جویای احوالات او شوم کسی را ندیدم به آن شخص کتابفروش گفتم: این سیدی که اینجا نشسته بودند کجا رفتند؟

گفت: من دیدم سید جلیل القدری آمد و بسیار اشک ریخت و ضجه می زد به حدی که از گریه او گریه می کردم ولی وقتی شما قصیده را تمام کردید ناگهان ناپدید شد و من ندیدم آن آقا بلند شود و یا طرفی برود.

گفتم: آیا دانستید آن آقا چه کسی بود؟! آن آقا یوسف فاطمه علیها السلام بود آن آقا منتقم خون سید الشهداء علیه السلام بود آن آقا امام زمان ما (ارواحنا الفداه) بود.

همانجا نشستیم و در فراق حضرتش اشک ریختیم و از حضرتش تشکر کردیم که به ما لطف فرموده اند.

توضیح: علامه امینی در جلد هفتم الغدیر^۱ فرموده اند: بین اصحاب امامیه مشهور است که در مجلسی قصیده ابن العرندس خوانده نمی شود مگر اینکه امام منتظر عجل الله در آن مجلس حاضر می شود.

۱. الغدیر ۱۴/۷.

شعر ابن العَرَنَدُس و حضور حضرت مهدی (ع)

طَوَايَا نِظَامِي فِي الزَّمَانِ لَهَا نَشْرٌ يُعَطِّرُهَا مِنْ طَيِّبِ ذِكْرَاكُمْ نَشْرٌ
در روزگار رازهای سروده‌هایم آشکار می‌شود گروهی آن را از بوی خوش
یاد شما خوشبوی می‌دارند.

قَصَائِدُ مَا خَابَتْ لَهِنَّ مَقَاصِدُ بَوَاطِنُهَا حَمْدُ ظَوَاهِرُهَا شُكْرٌ

چکامه‌هایی است که خواسته‌ها از آن برنیاورده نیست درون آن ستایش
گری است و برونش سپاس‌گذاری.

مَطَالِعُهَا تَحْكِي النُّجُومُ طَوَالِعَا فَاخْلَاقُهَا زُهْرٌ وَ اَنْوَارُهَا زَهْرٌ

سر آغاز آنها اختران رخ نموده را به یاد می‌آورد سرشت آنها از مایه
شکوفه هاست و پرتو آنها فروغی تابناک.

عَرَائِسُ تُجَلِّي حِينَ تُجَلِّي قُلُوبَنَا اَكَالِيْلَهَا دُرٌّ وَ تَبِجَانُهَا تَبْرٌ

دلبرانی‌اند که چون دل ما بدرخشند پرده از روی برمی‌گیرند افسرهائی
زرین بر سر دارند که فراز آنها را مرواریدها آرایش می‌دهد.

حَسَانُ لَهَا حَسَانٌ بِالْفَضْلِ شَاهِدٌ عَلَي وَجْهَهَا تَبْرٌ يُزَانُ بِهَا التَّبْرُ

خوب رویانی که حسان حُسن آنان را گواهی می‌کند و بر رخساره‌هایشان

زرهائی است که زرهای دیگر را می آراید.

أَنْظُمُهَا نَظْمَ اللَّيَالِي وَ أَشْهُرِ اللَّيَالِي لِيَخِينِي لِي بِهَا وَ بِكُمْ ذَكْرُ

همچون گوهرها آنها را در رشته می کشم شبها را به بیداری سر می کنم تا یاد آنها را برای شما و خویش زنده بدارم.

فَيَا سَاكِنِي أَرْضِ الطُّفُوفِ عَلَيْكُمْ سَلَامٌ مُحِبُّ مَالَهُ عَنْكُمْ صَبْرٌ

ای آنان که در کرانه فرات آرمیده اید! دوستداری بر شما درود می فرستد که شکیبائی اش نمانده است.

نَشَرْتُ دَوَاوِينَ الثَّنَائِ بِعَدَ طَيِّبِهَا وَ فِي كُلِّ طَرِيقٍ مِنْ مَدِيحِي لَكُمْ سَطْرٌ
پس از آن که ستایشنامه ها را درهم پیچیدم باز آنها را گشودم که در هر نامه ای از ستایش های من فرازی درباره شما است.

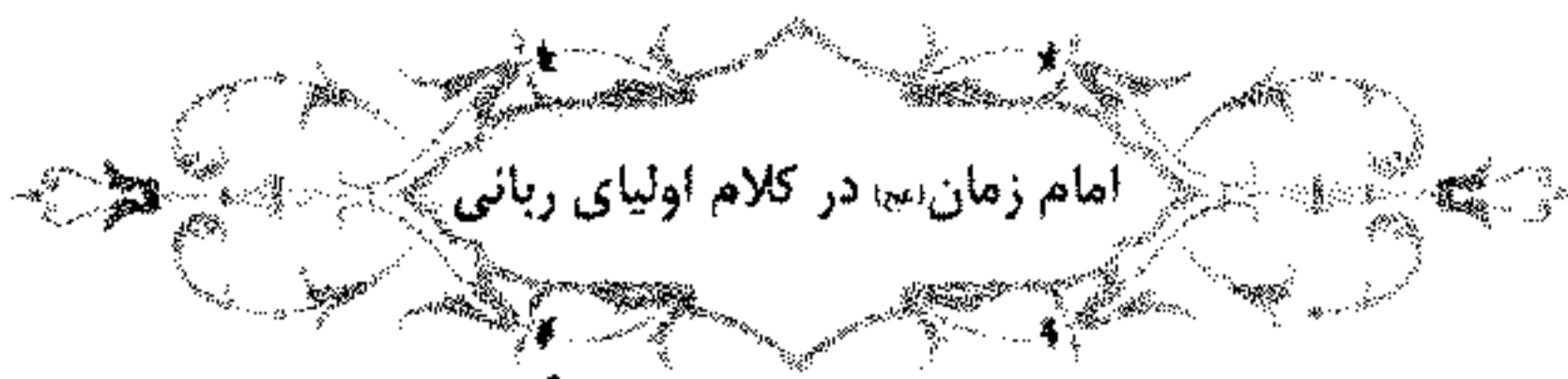
فَطَابَقَ شَعْرِي فِيكُمْ دَمْعَ نَاطِرِي فَمُبَيِّضٌ ذَا نَظْمٍ وَ مُحَمَّرٌ ذَا نَشْرِ

هنگام سخن از شما، نظم من با اشک چشمانم از یک سرچشمه آب می خورد زیرا چکیده های سرشکم را در رشته می کشم و سرود می سازم و خونی را که از دیده ام روان است در چهره نشری سرخ گلگون همه جا می پراکنم.

فَلَا تَتَّهَمُونِي بِالسَّلْوِ فَإِنَّمَا مَوَاعِيدُ سُلُوَانِي وَ حَقِّكُمْ الْحَشْرُ

مپندارید داغ دلم آرامش یافته که به خودتان سوگند سوز جگرم جز در روز رستاخیز کاهش نمی یابد.

فَذَلِّي بِكُمْ عَزٌّ وَ فَقْرِي بِكُمْ غِنَى عُسْرِي بِكُمْ يُسْرٌ وَ كَسْرِي بِكُمْ جَبْرٌ
خواری در راه شما برای من ارجمندی است و تنگدستی توانگری و دشواری آسانی و شکست پیوند خوردن.



تَرَقُّ بُرُوقُ الشُّعْبِ لِي مِنْ دِيَارِكُمْ فَيَهْلُ مِنْ دَمْعِي لِبَارِقِهَا الْقَطْرُ

آذرخش‌های همراه با ابر که از کوی شما برخاست باران سرشک را از دیدگان من روان گردانید.

فَعَيْنَايَ كَالْخَنَسَاءِ تَجْرِي دُمُوعُهَا وَ قَلْبِي شَدِيدٌ فِي مَحَبَّتِكُمْ صَخْرٌ

دو دیده من همچون خنساء^۱ اشک‌هایش سرازیر است و دلم در دوستی شما به استواری صخره می‌ماند.

رَقَعْتُ عَلَى الدَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا فَمَعْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَعْنَاكُمْ فَكُرٌ

در کناره‌های سرائی که شما در آن می‌زیستید ایستادم که جای تهی مانده شما پس از رفتن خودتان مستمند است.

وَ قَدْ دُرِسَتْ مِنْهَا الدُّرُوسُ وَ طَالَمَا بِهَا دُرُسَ الْعِلْمِ الْإِلَهِيِّ وَ الذُّكْرُ

نشانه خانه‌هایی کهنه که درس‌هایی از دانش خداوندی و یاد او در آنها برگذار می‌گشت.

وَ سَأَلْتُ عَلَيْهَا مِنْ دُمُوعِي سَعَائِبَ أَلِي أَنْ تُرَوِّي الْبَانَ بِالْذَّمْعِ وَ السُّدْرُ

و ابرهایی از سرشک‌هایم چندان بر آن بارید تا درخت‌های بان و کنار را آبیاری کرد.

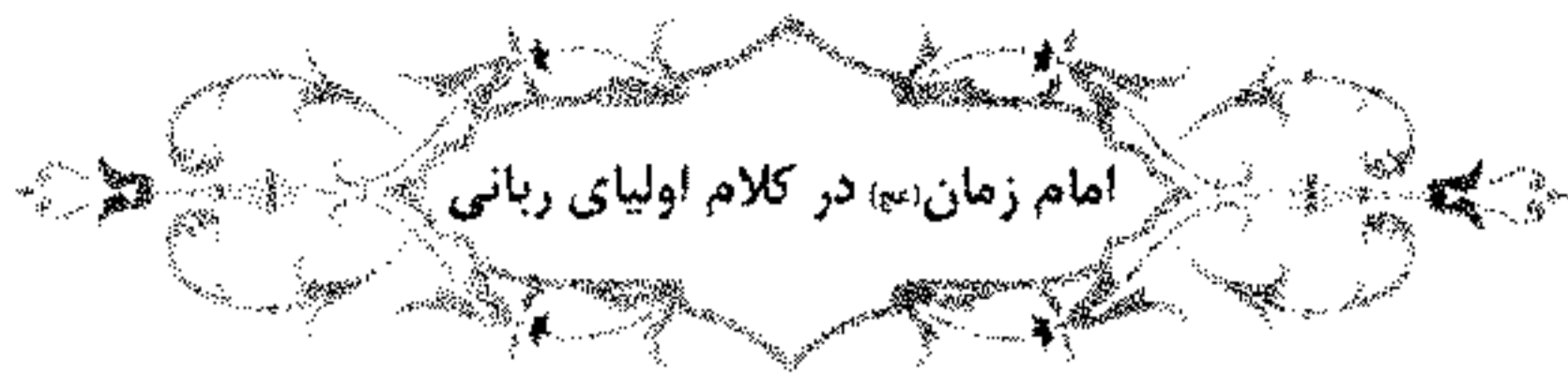
فِرَاقَ فِرَاقِ الرُّوحِ لِي بَعْدَ بُعْدِكُمْ وَ دَارَ بَرَسَمِ الدَّارِ فِي خَاطِرِي الْفِكْرُ

با دوری از شما جدایی روانم از تن گوارا می‌نمود و اندیشه در دلم بر روی ویرانه‌هایی از کوی آشنایی در گردش بود.

وَ قَدْ أَقْلَعَتْ عَنْهَا السَّحَابُ وَ لَمْ يُجِدْ وَ لَادَرَّ مِنْ بَعْدِ الْحُسَيْنِ لَهَا دَرٌّ



۱- خنساء بانویی نامور و سخن‌سراست که در سوگ برادرش صخر که به دست اسدی‌ها کشته شده سروده‌های بسیار برجای نهاد.



ابر از فراز آن کناره گرفت و پس از حسین چنانکه باید از باریدن و نیکی کردن دریغ داشت.

امامُ الهدی سبطُ النبوة والدُ الائمة ربُّ النهی مولیُّ لهُ الامرُ

پس از همان پیشوایی راستین و دخترزاده پیامبر پدر راهبران که بازداشتن مردمان از بدی‌ها با او بود و خود سرپرستی است که کار فرمانروائی را به گردن دارد.

امامُ أبوه المرتضی علمُ الهدی وصیُّ رسول الله و الصنوة و الصهرُ

پیشوایی که پدرش مرتضی درفش راهنمایی است و جانشین برادر و داماد فرستاده خدا.

امامُ بکته الانس و الجن و السما و وحش الفلا و الطیر و البر و البحر

رهبری که آدمیان، پریان، آسمان، درندگان بیابان، پرندگان و خشکی و دریا در ماتم او گریستند.

لَهُ القبة البیضاء بالطف لم تزل تطوفُ بها طوعاً ملائكة غُرُ

گنبدی سپید در کربلا دارد که فرشتگان همواره به دلخواه خویش گردا گرد آن چرخ می‌خورند.

و فيه رسول الله قال و قوله صحیح صریح لیس فی ذلكم نکر

پیامبر درباره او فرمود و چه سخنی بس درست و آشکار که هیچ جایی برای نپذیرفتن نگذاشته.

حُبی بثلاث ما احاط بمثلها ولی فَمَنْ زیدُ هناک و مَنْ عمرو؟

پس از من سه ویژگی ام تنها به او می‌رسد که هیچ یک از وابستگانم مانند آن را نیابند و چه جای آنکه از زید و عمرو سخن رود؟

لَهُ ثریه فیها الشفاء و قبة یجابُ بها الداعی اذا مسَّهُ الضرُّ

یک آرامگاهی دارد که خاکش داروی دردمندان است دو بارگاهی که هر کس

را آسیب رسد پاسخ نیاز خود را از آن تواند گرفت.

و ذُرِّيَّةُ دُرِّيَّةٍ مِنْهُ تِسْعَةٌ أُمَّةٌ حَقٌّ لِأَثْمَانٍ وَ لَا عَشْرُ

سه زادگانی با چهره‌های بس درخشان که نه تن از آنان نه کمتر و بیشتر پیشوایان راستین هستند.

أَيَقْتُلُ ظَمَانًا حَسِينُ بَكْرِيَلَا وَ فِي كُلِّ عَضْوٍ مِنْ أَنَامِلِهِ بَحْرٌ؟

چگونه است که حسین (ع) تشنه در کربلا کشته میشود با آنکه در هر سرانگشت او دریاهایی از سرافرازی توان یافت؟

و والدَةُ السَّاقِي عَلَى الْحَوْضِ فِي عَدَّةٍ وَ فَاطِمَةُ مَاءِ الْفُرَاتِ لَهَا مَهْرٌ
و با آنکه پدرش علی (ع) در فردای رستاخیز مردم را از آبی گوارا سیراب می‌کند و آب روان کابین مادرش فاطمه (ع) است.

فَوَالْهَفِّ نَفْسِي لِلْحَسِينِ وَ مَا جَنِّي عَلَيْهِ عِدَاةَ الطُّفِّ فِي حَرِيهِ الشُّمْرِ

جانم بر حسین (ع) دریغ می‌خورد! که در آن روز در جنگ کربلا شمر چه تبه‌کاری‌ها درباره او روا داشت.

رَمَاهُ بِجَيْشٍ كَالظَّلَامِ قَسِيئُهُ الْإِلا هَلَّةٌ وَ الْخِرْصَانُ أَتَجْمُهُ الزُّهْرُ

سپاهی در برابر وی برانگیخت همچون شبی تاریک که ستاره‌های درخشان روی نهفته و چهره ماه به تیرگی گرائیده است.

لرَايَاتِهِمْ نَضْبٌ وَ أَسْيَافِهِمْ جَزْمٌ وَ لِلنَّقْعِ رَفْعٌ وَ الرِّمَاحُ لَهَا جَرُّ

درفش‌ها را افراشته و تیغ‌ها را برگردانیده‌اند گرد و خاک بر می‌خیزد و نیزه‌ها بلند و کشیده می‌شود.

تَجَمَّعَ فِيهَا مِنْ طُغَاةِ أُمِّيَّةٍ عَصَابَةٌ عَدْرٌ لَا يَقُومُ لَهَا عُدْرٌ

گروهی از گردنکشان اموی در آن گرد آمده‌اند که هستی شان سراسر نیرنگ است و هیچ دست‌آویزی برای درست نمودن کار خویش ندارند.

وَ أَرْسَلَهَا الطَّاعِي يَزِيدُ لِيَمْلِكُ الْعِرَاقَ وَ مَا اغْتَتَّهُ شَامٌ وَ لَامِصْرُ

یزید گردنش آنان را فرستاده تا همه عراق را نیز به زیر فرمان خود
در آرد چرا که فرمانروایی بر شام و مصر او را بی نیاز نساخته است.
وَ شَدَّ لَهُمُ أَزْرًا سَلِيلُ زِيَادِهَا فَحَلَّ بِهٖ مِنْ شَدِّ أَزْرِهِمُ الْوَزْرُ
فرزند زیاد برای برخاستن به این کار کمر بسته و به این گونه گام خود و
همراهانش را در راه گناه استوار کرده است.

وَ أَمَرَ فِيهِمْ نَجْلَ سَعْدٍ لِنَحْسِهِ فَمَا طَالَ فِي الرَّيِّ اللَّعِينُ لَهُ عُمُرُ
پسر نحس، سعد را به فرماندهی آنان برگماشته و البته آن نفرین زده
زندگی اش چندان نخواهد پائید که به آرزوی خود فرمانداری ری بتواند رسید.
فَلَمَّا تَلَقَى الْجَمْعَانَ فِي أَرْضِ كَرْبَلَا تَبَاعَدَ فِعْلُ الْخَيْرِ وَ اقْتَرَبَ الشَّرُّ
و چون آن دو گروه در سرزمین کربلا به یکدیگر برخوردند نیکوکاری دور
و بدکنشی نزدیک شد.

فَحَاطُوا بِهٖ فِي عَشْرِ شَهْرِ مُحَرَّمٍ وَ بِيضِ الْمَوَاضِي فِي الْاَكْفِ لَهَا شَمْرُ
در دهه نخست از ماه محرم گرد او را گرفتند و شمشیرهای آبداده را در
دست خویش به تکان در آوردند.

فَقَامَ الْفَتَى لَمَّا تَشَاجَرَتِ الْقَنَا وَصَالَ وَ قَدْ أَوْدَى بِمَهْجَتِهِ الْحَرُّ
چون نیزه‌ها با یکدیگر درگیر آمد آن جوانمرد برخاست و با آن که دل او از
سوز گرما در تب و تاب بود به تاختن پرداخت.

وَ جَالَ بِطَرْفٍ فِي الْمَجَالِ كَأَنَّهُ دُجِيَ اللَّيْلُ فِي لَإِءِ غُرَّتِهِ الْفُجْرُ
در پهنه نبردگاه چنان خویشتن را بنمود که گفתי سپیده بامدادی از دل
شب برآمده است.

لَهُ أَرْبَعٌ لِلرَّيْحِ فِيهِنَّ أَرْبَعُ لَقَدْ زَانَهُ كَرُّهُ وَ مَاشَانَهُ الْفَرُّ
او را سراهایی است فرود آمدن گاه که برازنده او تاختن است نه گریختن.
فَفَرَّقَ جَمَعَ الْقَوْمِ حَتَّى كَانَتْهُمْ طُيُورُ بُغَاثٍ شَتَّ شَمْلَهُمُ الصُّقْرُ

شیرازه سپاه را چنان از هم گسیخت که گفתי شاهین به میان مرغکان افتاده و آنها را پراکنده می‌سازد.

فَاذْكُرْهُمْ لَيْلَ الْهَرِيرِ فَاجْمَعَ الْكَلَا بُ عَلَى اللَّيْثِ الْهَزْبِرِ وَقَدْ هَرُّوا

بیاد شب زوزه کشان انداختشان تا همه سگان پیرامون شیر ژیان را گرفته و زوزه کردن پرداختند.

هُنَاكَ فَدَتُهُ الصَّالِحُونَ بِأَنْفُسٍ يُضَاعَفُ فِي يَوْمِ الْحِسَابِ لَهَا الْأَجْرُ

در آنجا شایسته مردان در راه او به جانفشانی‌هایی برخاستند که در روز شمار پاداش‌هایی هر چه افزون‌تر خواهند گرفت.

وَ حَادُوا عَنِ الْكُفَّارِ طَوْعاً لِنَصْرِهِ وَ جَادَلَهُ بِالنَّفْسِ مِنْ سَعْدِهِ الْخُرُّ

به دلخواه خویش برای یاری او با بدکیشان پیکار کردند و آن آزاد مرد (حر) از خوشبختی که یافت تا پای جان در راه او پیکار نمود.

وَ مَسَدُوا إِلَيْهِ دُبُلًا سَمَهْرِيَّةً لَطُولَ حَيَاةِ السُّبُطِ فِي مَدَّهَا جَزْرُ

یاران حضرت نیزه‌هایی سخت را دراز کردند تا زندگی دختر زاده پیامبر را درازتر سازند و اینجا بود که جزر و مد یکی شد.

فَقَادَرَهُ فِي مَارِقِ الْحَرْبِ مَارِقٍ بِسَهْمٍ لِنَحْرِ السُّبُطِ مِنْ وَقْعِهِ نَحْرُ

در همین پیکار با بدکیشان یکی شان تیری به سوی او افکند که برگردن دختر زاده پیامبر نشست.

فَعَالَ عَنِ الطَّرْفِ الْجَوَادِ أَخُو النَّدَى الْجَوَادُ قَتِيلاً حَوْلَهُ يَضْهَلُ الْمُهْرُ

کشته نیک مرد از اسب نیکویش جدا شد و حیوان زبان بسته در پیرامون او به شیهه کشیدن پرداخت.

سَنَانٌ سَنَانٍ خَارِقٌ مِنْهُ فِي الْحِشَا وَ صَارُمٌ شَمْرٍ فِي الْوَرِيدِ لَهُ شَمْرُ

سنان^۱ سنان^۲ پیکر او را درید و شمشیر شمر از رگ گردنش گذشت.

۱- حضرت حر بن یزید ریاحی تمیمی.

تَجْرُّ عَلَيْهِ الْعَاصِفَاتُ دُيُولَهَا وَ مِنْ نَسَجِ أَيْدِي الصَّافِنَاتِ لَهُ طَمْرُ

بادهای بسیار تند دامن خود را بر او افکندند و اسب هایی که بر اندام او راندند با تار و پود دست و پاشان پیراهنی بر آن کهنه بر آن دوختند.

فَرَجَّتْ لَهُ السَّيْبُ الطُّبَاقُ وَ زُلْزَلَتْ رَوَاسِي جِبَالِ الْأَرْضِ وَ التَّطَمَّ الْبَحْرُ

هفت گنبد گردون به تکان آمد کوههای بلند و استوار لرزیدن گرفت و آشوب بر دریاها چیرگی یافت.

فِيَا لَكَ مَقْتُولًا بِكَتَّةِ السَّمَاءِ دَمًا فَمُغْبِرُهُ وَجْهَ الْأَرْضِ وَ بِالْدَمِّ مُحَمَّرُ

هان! ای جان باخته ای که آسمان بر او خون گریست! و چهره خاک آلود زمین با خونش سرخ فام گردید!

مَلَابِسُهُ فِي الْحَرْبِ حُمْرَ مِنَ الدَّمَا وَ هُنَّ غَدَاةَ الْحَشْرِ مِنْ سُندِسٍ خَضْرُ

جامه های رزم او از خون سرخ شد ولی در فردای رستاخیز از ابریشم سبز خواهد بود.

وَ لَهْفِي لِزَيْنِ الْعَابِدِينَ وَ قَدْ سَرَى أَسِيرًا عَلِيًّا لَا يُفَكُّ لَهُ أَسْرُ

بر زین العابدین دریغ می خورم که او را گرفتار کردند و همچنان در بند نگاهش داشتند.

وَ آلُ رَسُولِ اللَّهِ تُسَبِّي نَسَائِهِمْ وَ مِنْ حَوْلِهِنَّ السُّتْرُ يُهْتَكُ وَ الْخَدْرُ

بانوان خاندان پیامبر دستگیر گشتند و پرده و پوشش را از ایشان بازستاندند. سبایا باکوار المطایا حواسراً يلاحظهنَّ العبدُ في النَّاسِ وَ الْحُرُّ

اسیرانی ماتم زده که سوار بر ستوران می گشتند و بنده و آزاد آنان رامی دیدند. وَ رَمَلَةٌ فِي ظِلِّ الْقُصُورِ مَصُونَةٌ يُنَاطُ عَلَى أَقْرَاطِهَا الدُّرُّ وَ النَّبْرُ

رمه^۳ در سایه کاخها آرمیده بود و گوهر و زر بر گوشوارهای او آویخته.

۲- یکی از ابزارهای جنگ و کشتار. ۳- رمله دختر معاویه.

فَوَيْلٌ يَزِيدُ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ إِذَا اقْبَلْتِ فِي الْحَشْرِ فَاطِمَةُ الطُّهْرُ

وای بر یزید از کیفر دوزخ! و آن هنگام که فاطمه (علیها السلام) پاک روی به دشت رستاخیز پا نهد.

مُلَابِسُهَا قَوْبٌ مِنَ السَّمِّ أَسْوَدٌ وَ آخِرُ قَانٍ مِنْ دَمِ السُّبُطِ مُحَمَّرٌ

به گونه‌ای که برخی از جامه‌هایش از زهری که به حسن (علیه السلام) خوراندند تیره است و آنچه می‌ماند نیز از خون دومین دخترزاده پیامبر سرخ می‌باشد.

تُنَادِي وَ أَبْصَارُ الْآتَامِ شَوَاحِصُ وَ فِي كُلِّ قَلْبٍ مِنْ مُهَابَتِهَا دُعْرُ

و دیدگان مردم نگران است و همه دلها از فر و شکوه او لرزان.

وَ تَشْكُو إِلَى اللَّهِ الْعَلِيِّ وَ صَوْتُهَا عَلِيٌّ وَ مَوْلَانَا عَلِيُّ لَهَا ظَهْرُ

سرش را به آستان خدای بزرگ بلند می‌کند با بانگی بلند و با پشتیبانی سرور ما علی (علیه السلام).

فَلَا يَنْطِقُ الطَّاعِي يَزِيدُ بِمَا جَنَى وَ أَنَّى لَهُ عُذْرٌ وَ مِنْ شَأْنِهِ الْغَدْرُ؟

یزید گردنکش از تبهکاری خویش سخنی بر زبان نمی‌آورد و مگر او را که کارش نیرنگ است عذری هم تواند بود؟

فَسِيُوْخَذُ مِنْهُ بِالْقِصَاصِ فَيُحْرَمُ النَّعِيمُ وَ يُخْلَى فِي الْحَجِيمِ لَهُ قَصْرُ

او را به سزای بدیهایش می‌رسانند از نیکی‌ها بی بهره می‌گردانند و کوخی را برایش در دوزخ تهی می‌نمایند.

وَ يَشْدُو لَهُ الشُّادِي فَيَطْرِبُهُ الْغِنَا وَ يُسْكَبُ فِي الْكَاسِ النَّضَارُ لَهُ خُمْرُ

چگونه سرود خوانان با خوانندگی غناشان او را شادمان می‌داشتند و در پیمانهای سیمین و زرین باده خمر برایش می‌ریختند.

فَذَاكَ الْغِنَا فِي الْبَعْثِ تَضْحِيْفَةُ الْعَنَّا تَضْحِيْفُ ذَاكَ الْخَمْرُ فِي قَبْلِهِ الْجَمْرُ

آن غنا در روز برانگیخته شدن رنج می‌شود و این خمر نیز آتش که در دل او بر می‌افروزند.

أَيَقْرَعُ جَهْلًا ثَغْرَ سَبْطِ مُحَمَّدٍ وَصَاحِبِ ذَاكَ الثَّغْرِ يُحْمَى بِهِ الثَّغْرُ؟

آیا دندان دختر زاده پیامبر را از سر نادانی می کوبند؟ مگر این دندان

کسی نیست که خود، پشتیبان مرز آئین به شمار می رود؟

فَلَيْسَ لَأَخِذِ الثَّارِ إِلَّا خَلِيفَةٌ يَكُونُ لِكَسْرِ الدِّينِ مِنْ عَدْلِهِ جَبْرٌ

برای خونخواهی او جانشینی باید تا شکست هایی را که به کیش ما روی

نموده با دادگری اش جبران کند.

تَحَفُّ بِهَ الْإِمْلَاكُ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ وَ يَقْدَمُهُ الْإِقْبَالُ وَالْعَزُّ وَالنَّصْرُ

فرشتگان از هر سوی پیرامون او را فراگیرند و خوشبختی و پیروزی و

شوکت پیشاپیش او روان باشند.

عَوَامِلُهُ فِي الدَّارِعِينَ شَوَارِعُ وَ حَاجِبُهُ عَيْسَى وَ نَاطِرُهُ الْخَضْرُ

سر نیزه اش از خفتان های گذرد و دربان او عیسی است و نگاهبانش خضر.

تُظَلِّلُهُ حَقًّا عِمَامَةٌ جَدُّهُ إِذَا مَا مُلُوكُ الصَّيْدِ ظَلَّلَهَا الْجَبْرُ

به راستی دستار وی سرش را می پوشاند چنان که پادشاهان شکارگر نیز

در سایه بخت بلند و سرنوشت نیکو می آسایند.

مُحِيطٌ عَلَى عِلْمِ النُّبُوَّةِ صَدْرُهُ فَطَوْبِي لَعِلْمِ ضَمَّةِ ذَلِكَ الصَّدْرِ

سینه او دانش پیامبر را فرا گرفته و خوشا دانشی که با آن سینه پیوند بخورد.

هُوَ ابْنُ الْإِمَامِ الْعَسْكَرِيِّ مُحَمَّدِ التَّقِيِّ الْقِيِّ الطَّاهِرِ الْعِلْمِ الْحَبِيرِ

او محمد نام و پرهیزکار، پاک و پاک نهاد و دانای برجسته فرزند امام

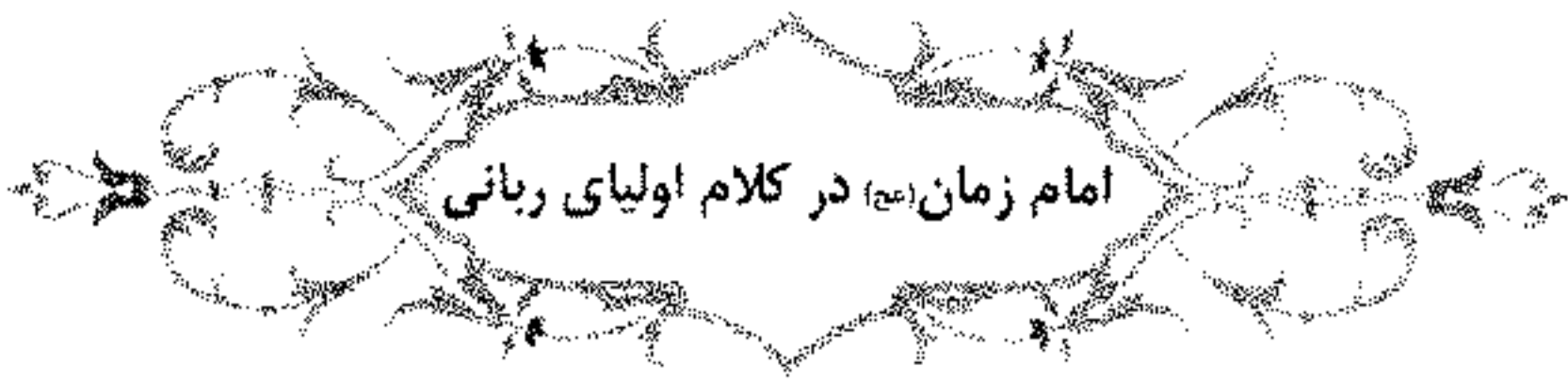
حسن عسکری علیه السلام است.

سَلِيلٌ عَلَى الْهَادِي وَ نَجَلٌ مُحَمَّدِ الْجَوَادِ وَ مَنْ فِي أَرْضِ طُوسٍ لَهُ قَبْرٌ

و نواده علی هادی علیه السلام و بازمانده محمد جواد علیه السلام و آن آرمیده در طوس.

عَلَى الرَّضَا وَ هُوَ ابْنُ مُوسَى الَّذِي قَضَى فِجَافَ عَلِيٍّ بِغَدَادَ مِنْ نَشْرِهِ عَطْرٌ

که علی رضا علیه السلام است و پسر موسی علیه السلام که باگام نهادن در بغداد بوی



خوش را در آنجا بپراکند.

وَ صَادِقٌ وَعَدَّ أَنَّهُ نَجَلٌ صَادِقٌ امام به فی العلم یفتخر الفخر

راست وعده‌ای از زادگان امام صادق علیه السلام که افتخار کنندگان در دانش به او می‌نازند.

وَ بِهِجَةُ مَوْلَانَا الْإِمَامِ مُحَمَّدٍ امام لعلم الأنبياء له بقر

شادی دل سرور ما امام محمد باقر علیه السلام همان پیشوایی که دانش پیامبران را همچون زمینی بشکافت و زیر و رو کرد.

سَلَالَةُ زَيْنِ الْعَابِدِينَ الَّذِي بَكَى فَمَنْ دَمَعَهُ يُنْسُ الْأَعَاشِيْبَ مُخَضَّرُ

نسیره زین العابدین علیه السلام که چندان بگریست تا ز سرشک دیدگانش گیاهان خشک سیراب شد.

سَلِيلُ حَسَنِ الْفَاطِمِي وَ حَيْدَرِ الْوَصِيِّ فَمَنْ طَهَّرَ نَمِي ذَلِكَ الطُّهْرُ

و نواده حسین فاطمی علیه السلام و شیر خدا - جانشین پیامبر - آری این پاک جان از میان آن پاکان برخاسته است.

لَهُ الْحَسَنُ الْمَسْمُومُ عَمٌّ فَحَبَّذَا الْإِمَامُ الَّذِي عَمَّ الْوَرِيَّ جُودُهُ الْغَمْرُ

حسن علیه السلام را که زهر دادند عموی او است و چه خوب رهبری که عموم آفریدگان را بخشش او فراگیرد.

سَمِي رَسُولُ اللَّهِ وَارِثُ عِلْمِهِ إِمَامٌ عَلَى آيَاتِهِ نَزَلَ الذِّكْرُ

هم نام برانگیخته خدا و وارث دانش او و رهبری که نامه یادآور خدا بر نیاکانش فرود آمده است.

هُمُ النُّورُ نُورُ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ هُمُ التِّينُ وَ الزَّيْتُونُ وَ الشَّفْعُ وَ الْوَثْرُ

آنانند فروغ و فروغ خداوندند که شکوه او بسی بزرگ است آنانند که خداوند در سوره تین و زیتون و آیه شفع و وتر به نامشان سوگند خورده.

مَهَابُطٌ وَحَى اللَّهِ خُرَّانُ عِلْمِهِ مِيَامِينَ فِي آيَاتِهِمْ نَزَلَ الذِّكْرُ

فرودگاههای فرمان خداوندند و گنجینه‌های دانش او فرخنده مردمی که نامه یاد آور خدا در سراهای ایشان فرود آمد.

وَ أَسْمَائُهُمْ مَكْتُوبَةٌ فَوْقَ عَرْشِهِ وَمَكْنُونَةٌ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُخْلَقَ الذَّرُّ

پیش از آنکه در ذرات گیتی آفرینش یابد نامهای آنان در بالای تخت گاهش در جهان برین نگاشته و گنجانده شد.

وَ لَوْ لَا هُمْ لَمْ يَخْلُقِ اللَّهُ آدَمَ وَ لَا كَانَ زَيْدٌ فِي الْأَنَامِ وَ لَا عَمْرُو

اگر آنان نبودند خداوند آدم را نمی آفرید و از این همه مردم که می بینیم هیچ کس جامه هستی نمی پوشید:

وَ لَا سَطَحَتْ أَرْضٌ وَ لَا رُفِعَتْ سَمَا وَ لَا طَلَعَتْ شَمْسٌ وَ لَا أَشْرَقَ الْبَدْرُ

نه زمین هموار می گشت، نه آسمان برافراشته می شد نه آفتاب رخ می نمود و نه ماه در شب چهاردهم به پرتو افشانی بر می خاست.

وَ نُوحٌ بِهِمْ فِي الْفُلْكِ لَمَّا دَعَا نَجَا وَ غِيضَ بِهِمْ طُوفَانُهُ وَ قَضَى الْأَمْرُ

با یاری ایشان بود که نوح چون خدای را خواند راه رهایی یافت و کارش گذشت و طوفانش باز ایستاد.

وَ لَوْلَاهُمْ نَارُ الْخَلِيلِ لَمَا غَدَتْ سَلَاماً وَ بَرْداً وَ انْطَفَى ذَلِكَ الْجَمْرُ

اگر آنان نبودند آتش ابراهیم خنکی و تندرستی نمی گردید و آن شراره‌ها خاموش نمی شد.

وَ لَوْلَاهُمْ يَعْقُوبُ مَا زَالَ حُزْنُهُ وَ لَا كَانَ عَنْ أَيُّوبَ يَنْكَشِفُ الضُّرُّ

و اگر آنان نبودند اندوه یعقوب به پایان نمی آمد و رنج ایوب دنباله دار می گردید.

وَ لِأَنَّ لِدَاوُدَ الْحَدِيدَ بِسَرِّهِمْ فَقَدَّرَ فِي سَرِّهِ يَحِيرُ بِهِ الْفَكْرُ

راز آنان بود که آهن را بر دست داوود نرم کرد تا پاره‌های آن را به گونه‌ای در رشته کشید که اندیشه را سرگردان می دارد.

وَلَمَّا سُلِّمَانُ الْبَسَاطُ بِهٖ سَرَى أُسَيْلَتَ لَهُ عَيْنٌ يَفِيضُ لَهُ الْقَطْرُ

و چون آن زیرانداز سلیمان را به پرواز در آورد دیده‌اش چندان گریست تا زمین را تار کرد.

و سُخْرَتِ الرِّيحِ الرِّخَاءُ بِأَمْرِهِ فَعُدُّوْثُهَا شَهْرٌ وَ رَوْحُهَا شَهْرٌ

به دستور آنان بر باد نرم چیره گردید تا رفت و آمد خود را هر کدام در یک ماه به انجام رساند.

وَهُمْ سُرُّ مُوسَى وَ الْعَصَا عِنْدَ مَا عَصَى أَمْرَهُ فِرْعَوْنُ وَ التَّقْفُ السَّحْرُ
آنان بودن راز موسی و چوبدستی او در هنگامی که فرعون از فرمانهای وی سرپیچید و جادوگران را فراهم آورد.

وَ لَوْلَاهُمْ مَآكَانَ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ لِعَازَرَ مِنَ طَيِّ اللُّحُودِ لَهُ نَشْرٌ

اگر آنان نبودند عیسی پسر مریم نمی‌توانست ایل عازر را از میان خشت‌های گور بر پای خیزاند.

سَرَى سُرُّهُمْ فِي الْكَائِنَاتِ وَ فَضْلُهُمْ وَ كَلَّ نَبِيٌّ فِيهِ مِنْ سُرِّهِمْ سُرٌّ
برتری و راز آنان در میان پدیده‌های جهان به گردش افتاد و واگیر شد و در هر پیامبری رازی از رازهایتان جای گرفت.

عَلَا بِهِمْ قَدْرِي وَ فَخْرِي بِهِمْ غَلَا وَ لَوْلَاهُمْ مَآكَانَ فِي النَّاسِ لِي ذِكْرٌ

من با دستیاری آنها، به پایگانی بلند رسیدم تا سر فرازی ام در آستانشان بسیار شد اگر نبود، من نیز در میان مردم نامی نداشتم.

مُصَابِكُمْ يَا آلَ طَهٍّ! مُصِيبَةٌ وَرَزَاءٌ عَلَى الْإِسْلَامِ أَخَذَتْهُ الْكُفْرُ

ای خاندان طه! ناگواریهای که شما دیدید تلخی‌ها و گرفتاریهایی بود که حق‌کشی‌ها برای اسلام پدید آورد.

سَأَنْدُبِكُمْ يَا عُدَّتِي عِنْدَ شِدَّتِي وَ أَبِكِيكُمْ حُزْنًا إِذَا أَقْبَلَ الْعُسْرُ

ای آنان که در هنگام دشواری‌ها پشتیبان منید! چون دهه محرم روی آرد از

سر اندوه بر شما می‌گیریم و زاری می‌نمایم.

وَأَبِيكُمْ مَا دُمْتُ حَيًّا فَاَنْ أُمَّتُ سَتُبِكُمْ بَعْدِي الْمَرَاتِي وَالشُّعْرُ

تا آنگاه که خود زنده‌ام بر شما گریه خواهم کرد و پس از مرگم نیز سروده‌ها و سوگنامه‌هایم بر شما خواهند گریست.

عَرَائِشُ فِكْرِ الصَّالِحِ بْنِ عَرْنَدُسٍ قَبُولُكُمْ يَا آلَ طَهٍ لَهَا مَهْرٌ

ای خاندان طه! عروسانی که از پرده اندیشه صالح (ابن عرندس) روی نمود با پذیرفته شدن در پیشگاه شما کابین خود را گرفته‌اند.

وَ كَيْفَ يُحِيطُ الْوَاصِفُونَ بِمَدْحِكُمْ وَ فِي مَدْحِ آيَاتِ الْكِتَابِ لَكُمْ ذِكْرٌ؟

گویندگان چگونه توانند منش و ستایش شما را بنمایند که ستایشگر نام شما آیات قرآن است؟

وَ مَوْلِدُكُمْ بِطَحَاءِ مَكَّةَ وَ الصَّفَا وَ زَمْزَمُ وَ الْبَيْتُ الْمُحَرَّمُ وَ الْحَجَرُ

زادگاه شما ریگزار مکه است و صفا و زمزم و خانه ارجمند خداوند و سنگ آن.

جَعَلْتُكُمْ يَوْمَ الْمَعَادِ وَ سَيْلِي فَطُوبَى لِمَنْ أَمْسَى وَ أَتَمَّ لَهُ ذُخْرٌ

برای بازگشت پس از مرگ، شما را وسیله‌ای برای رستگاری گردانیدم و خوشا به حال کسی که شما اندوخته و پشتوانه او باشید.

سَيِّئِي الْجَدِيدَانِ الْجَدِيدِ وَ حُبُّكُمْ جَدِيدٌ بِقَلْبِي لَيْسَ يُخْلَقُهُ الدَّهْرُ

هر تازه‌ای که بماند کهنه می‌شود و مهر شما در دل من آنچنان نواست که روزگار کهنه‌اش نتواند کرد.

عَلَيْكُمْ سَلَامٌ اللَّهُ مَا لَاحَ بَارِقُ وَ حَلَّتْ عُقُودُ الْمُرْنِ وَ انْتَشَرَ الْقَطْرُ

تا آنگاه که آذرخشی می‌درخشد و گره‌های ابر باز می‌شود و دانه‌های باران را می‌پراکند درود خدا بر شما باد!

منابع و مأخذ

- | | |
|------------------------------------|---|
| ۱۶. پادشه خوبان | قرآن کریم |
| ۱۷. مجموعه فرمایشات حضرت بقیة الله | نهج البلاغه |
| ۱۸. پرهای صداقت | ۱. بحار الانوار |
| ۱۹. افلاکیان خاک نشین | ۲. کافی |
| ۲۰. بهجت عارفان | ۳. اصول کافی |
| ۲۱. در محضر بهجت | ۴. الغدير |
| ۲۲. نکته های ناب | ۵. سفينة البحار |
| ۲۳. حدیث وصال | ۶. عدة الداعی |
| ۲۴. سوخته | ۷. مستدرک الوسائل |
| ۲۵. سیری در آفاق | ۸. ینابیع المودة |
| ۲۶. مثنوی معنوی | ۹. مکیال المکارم |
| ۲۷. آیت بصیرت | ۱۰. منتخب الاثر |
| ۲۸. پرواز روح | ۱۱. عزیز آل یس |
| ۲۹. غم عشق | ۱۲. روزنه هایی از عالم غیب |
| ۳۰. مصباح الهدی | ۱۳. امام زمان «عج» در کلام آیت الله بهجت |
| ۳۱. روح مجرد | ۱۴. فریاد رس دادخواهان |
| ۳۲. بسوی محبوب | ۱۵. پرسش های شما و پاسخ های آیت الله بهجت |